

هشدار!

قلم شیطان

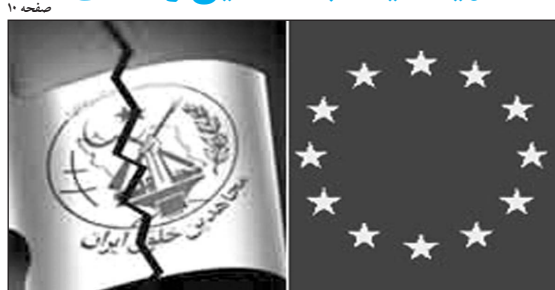
((... به همه آقایان می گویم با هم جنگ نکنید. روزنامه ها را
پر نکنید از بدگویی از هم... انتقاد غیر انتقامجویی است.
انتقاد، انتقاد صحیح باید بشود. هر کس از هر کس می تواند
انتقاد صحیح بکند اما اگر قلم دستش گرفت انتقاد کند برای
انتقامجویی، این همان قلم شیطان است...))

صفحه نور، جلد ۱۳ صفحه ۷۸



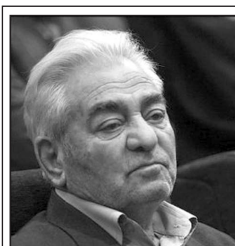
درپاسداشت سالروز عروج جهادگر سترگ

شهید سید عبدالحسین واحدی



پارلمان اروپا، حامی تروریسم

صفحه ۱۰



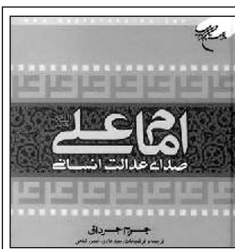
درگذشت مهندس عبدالباقی طباطبایی فرزند علامه طباطبایی

صفحه ۱۶



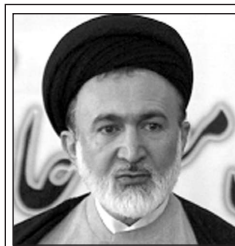
مدیر رادیو معارف؛ مقابله با تحریف عاشورا بخشی از برنامه های رادیو معارف در ماه محرم است

صفحه ۶



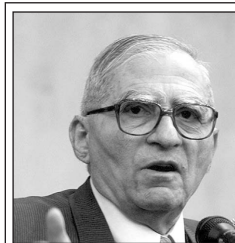
گزارشی از ماجرای ترجمه کتاب «صوت العدالة الانسانی» در ایران: نوای عدالت بشری در ایران

صفحه ۷



حجت الاسلام والمسلمین «قاضی عسکر»: وحدت مسلمانان باید جنبه عملی پیدا کند

صفحه ۲



علامه طباطبایی و هانری کربن در گفت و گو با دکتر مجتهدی

صفحه ۲



حجت الاسلام والمسلمین مبلغی: ایجاد شبکه های ماهوارهای برای ترویج حرکات تقریبی ضروری است

صفحه ۳

دکتر لاریجانی در کنگره بزرگداشت محدث قمی:

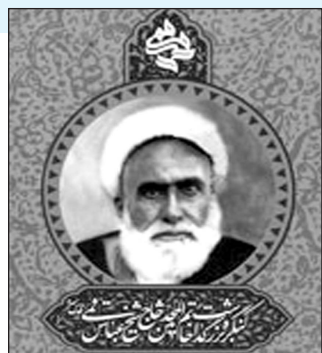
محدث قمی جلوی افراط و تفریط ها در سیاست زدگی را گرفت

دکتر لاریجانی تصریح کرد: فعالیتی که محدث قمی ارائه داد سیاست معنوی را به جامعه ارائه کرد و امروز ما نیاز داریم که محدث قمی امروزی داشته باشیم. وی تاکید کرد: برخی از مطالب موجود در کتاب مرحوم محدث قمی باید نظم جدیدی بگیرد تا عطشی که در جامعه وجود دارد را برطرف کند. رئیس مجلس شورای اسلامی خاطرنشان کرد: نوع نگارش موضوعات باید سلاقی مختلف را جذب کند و لازم است از نظر معنوی و با استفاده از نصوص مبتنی بر روایات به غنای جامعه پردازیم.

نشود و از افراط و تفریط ها جلوگیری کرده و جامعه را از نظر سیاسی متاثر کرد؛ کار حوزه ها فعالیت سیاسی محض نیست ولی اشراف علمی و معنوی بر حوزه ضروری است. وی گفت: امروز ما نیازمند شخصیت هایی همچون شیخ عباس قمی هستیم تا با وجود این شخصیت شرایط زمان درک شود. رئیس مجلس شورای اسلامی خاطرنشان کرد: امروز سرگردانی در جوامع بشری وجود دارد و بحران معنویت در همه جوامع به وجود آمده و جامعه امروز نیازمند گرایش معنوی است که حوزه های علمی متکفل اصلی آن است.

حوزه های این شهرها پرداخت. لاریجانی با بیان اینکه تلاش محدث قمی تلاشی به دور از تکرار بود، اذعان داشت: محدث قمی با شناختن خلأها در حوزه های آن دوران به فعالیت در زمینه علم حدیث، علم رجال و تحقیق و تفحص در زمینه علم ادعیه و زیارات پرداخت. وی تصریح کرد: به طور یقین محدث قمی با پرکردن خلأها کار ارزشمندی را ارائه کرد و تلاش ها و زحمات فراوانی را متحمل شد. رئیس مجلس شورای اسلامی نگرش محدث قمی به معارف شیعی را درونی ذکر و تصریح کرد: فعالیت های مرحوم شهید مطهری نیز در این بخش و سنخ قرار می گیرد. دکتر لاریجانی خاطرنشان کرد: در طول تاریخ از افراط و تفریط هایی در سیاست برخوردار بودیم و همان اندازه که دوری از سیاست برای روحانیت مضر است، سیاست زدگی نیز به همان میزان ضررهایی دارد و محدث قمی جلوی افراط و تفریط ها در سیاست زدگی را گرفت. رئیس مجلس شورای اسلامی ادامه داد: مرحوم مدرس چه در دوران مجلس و در دوران پیش از تشکیل مجلس کرسی هدایت مردم را ترک نکرد. وی تاکید کرد: مرحوم محدث قمی نیز اعتدالی به وجود آورد تا جامعه دچار انحلال

تاریخ گفت: برخی در طول تاریخ روحانیت را زیر سوال بردند که علت این است که حوزه های علمیه از کیان اسلام صیانت می کند و با اینها مواجه شدن کار ساده ای نیست و این افراد بر روی حوزه خط کشیدند و تفکر اجتهادی حوزه را زیر سوال بردند. وی به حمله به کتاب مفاتیح الجنان اشاره و تصریح کرد: با مسخره کردن این کتاب درصدد برآمدند این حیات معنوی را بگیرند. رئیس مجلس شورای اسلامی تاکید کرد: حیات معنوی باید از احادیث استخراج شود و اثری مرحوم شیخ عباس برای حیات معنوی جامعه ارائه کرده بی بدیل بوده و با ذوق، سلیقه همخوانی داشته و دارای برخی از افاضات الهی است. وی خاطرنشان کرد: اگر عرفان از نصوص و شریعت استخراج نشود و خود را در جامعه نشان ندهد چه طور به عنوان فقه اصلی به آن می توانیم مراجعه کنیم. وی تصریح کرد: عرفان شیعی مبتنی بر احادیث و روایات است که شیخ عباس قمی به آنها مراجعه کرده و به همین دلیل جامعه تشیع از حیات معنوی برخوردار است. رئیس مجلس شورای اسلامی خاطرنشان کرد: نکته دیگر که در زندگی ایشان باید به آن توجه کرد حیات و زندگی ایشان است، او حلقه ای را بین قم، مشهد و نجف ایجاد کرده و به تعلیم و تربیت در



رئیس مجلس شورای اسلامی گفت: همان اندازه که دوری از سیاست برای روحانیت مضر است، سیاست زدگی نیز به همان میزان ضررهایی دارد و محدث قمی جلوی افراط و تفریط ها در سیاست زدگی را گرفت. دکتر علی لاریجانی در کنگره بزرگداشت محدث قمی گفت: در مرکز فقهی ائمه اطهار برگزار شد، با بیان اینکه مرحوم شیخ عباس قمی از حیات معنوی برخوردار بود، اظهار داشت: این عالم فرهیخته با تالیف کتاب هایی توانست به تربیت معنوی جامعه پردازد. وی خاطرنشان کرد: اکنون به کتاب مفاتیح الجنان یک نیاز جدی داریم و انسان موجودی است که ابعاد مختلفی دارد و علاوه بر معرفت عقلانی به معرفت معنوی نیازمند است. رئیس مجلس شورای اسلامی تصریح کرد: مفاتیح مملو از معارف حق است و این معرفت معنوی را به افراد ارائه می دهد. دکتر لاریجانی با اشاره به جریانات طول

هو الحق

درگذشت دوست عزیز و برادر گرامی جناب آقای مهندس عبدالباقی طباطبایی، سلاله پاک سادات طباطبایی و فرزند ارشد استاد معظم، آیت الحق، علامه بزرگوار سید محمد حسین طباطبایی، موجب تأثر و تأسف گردید. شادروان عبدالباقی در زندگی خصوصی و عمومی خود، همواره از مشی معتدل و عقلانی پدر پیروی نمود و متخلق به اخلاق و آداب انسانی و معنوی به یادگار مانده از والد ماجد خویش بود. درگذشت مهندس عبدالباقی را به خاندان محترم طباطبایی و حائری، به ویژه همسر گرامی و محترمه و فرزندان ارجمند ایشان و همه بازماندگان تسلیت می گویم و از خداوند متعال برای آنان صبر و اجر و برای ایشان غفران و سلوان و علو مقام و قرار گرفتن در جنت خلد، در کنار والد ماجد خویش، خواستارم.

سید هادی خسروشاهی

آیت الله تسخیری:

کثرت جمعیت یک ارزش و مباهات است



والدین برای این آموزش‌ها بهره‌جست. معاون امور ایران مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی نیز در این همایش گفت: با توجه به کاهش آمار ازدواج و افزایش آمار طلاق در جامعه طبق مستندات سال گذشته، در سالهای آینده با پیدایش خانوارهای تک نفره که اغلب آنان نیز دختران هستند، روبرو می‌شویم.

حجت الاسلام والمسلمین سید حامد علم الهدی با اشاره به رشد سریع ارتباطات و دسترسی به اطلاعات در جامعه امروزی، افزود: نمی‌توان بوسیله فیلتر کردن اطلاعات، جلوی انحرافات جامعه را گرفت و اگر آموزش صحیح نباشد جوانان ما دچار انحراف می‌شوند، بنابراین باید برای این معضل، تدبیری اندیشیده شود. وی یادآور شد: بزرگان جامعه اسلامی در مباحث فقهی، بر آموزش احکام بلوغ به دختران و پسران، تاکید کرده‌اند.

پایگاه اینترنتی دفتر تقریب دانشگاه ادیان و مذاهب راه‌اندازی شد مسئول دفتر تقریب مذاهب اسلامی دانشگاه ادیان و مذاهب از راه‌اندازی پایگاه اینترنتی این دفتر خبر داد. علی آقائوری مسئول دفتر تقریب مذاهب اسلامی دانشگاه ادیان و مذاهب ضمن اعلام این خبر اظهار کرد: این سایت که به صورت آزمایشی از روز ۴ آذر و همزمان با عید سعید غدیر بر روی نشانی اینترنتی www.taghrib.urd.ac.ir قرار گرفته، فعلاً به زبان فارسی است ولی در آینده

دبیرکل مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی گفت: کثرت جمعیت یک ارزش و مورد مباهات است اما باید در کنار آن، صلاح جامعه و تربیت افراد صالح نیز در نظر باشد. به گزارش ایرنا، آیت الله محمدعلی تسخیری در همایش بهداشت باروری جوانان در موزه شهدا افزود: برای کثرت جمعیت، برنامه ریزان باید مولفه‌هایی مانند صلاح، آموزش، بهداشت و اشتغال جامعه را در نظر بگیرند و برنامه ریزی دقیقی داشته باشند.

وی اضافه کرد: مساله کثرت جمعیت و ارتباط آن با ایجاد یک نسل صالح در قرآن نیز مورد اشاره قرار گرفته است.

دبیرکل مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی تاکید کرد: کثرت جمعیت، ارزش است و لازم است برای ایجاد نسل صالح، احتیاط کامل انجام شود.

آیت الله تسخیری در ادامه به تدوین سند باروری جوانان در کنفرانس قاهره و نیز در ایران اشاره کرد و افزود: نمی‌توان در این زمینه از برخی مسایل چشم پوشی کرد؛ باید آموزش‌های جنسی به ویژه برای جوانانی که می‌خواهند وارد مرحله ازدواج شوند، صورت گیرد چراکه برخی عادت‌ها موجب ناباروری می‌شود.

وی اضافه کرد: نباید از این آموزش‌ها بترسیم و این مسایل باید بطور علمی و دقیق بررسی شود و به گونه‌ای که عفت عمومی و حجب و حیای جامعه خدشه دار نشود، این آموزش‌ها اجرا شود. وی یادآور شد: می‌توان از ظرفیت

حجت الاسلام والمسلمین "قاضی عسکر":

وحدت مسلمانان باید جنبه عملی پیدا کند

سنت ما همان‌طور که در فعالیت‌های فرهنگی بسیار خوب و موفق ظاهر شدند، در زمینه ارتقای سطح علمی نیز باید با برنامه‌ریزی و دقیق فعالیت کنند تا بینش و بنیه علمی زائران ما افزایش پیدا کند.

حجت الاسلام قاضی عسکر با اشاره به فرمایش‌های مقام معظم رهبری درباره وحدت شیعه و سنی و فتوای اخیر ایشان درباره حرمت اهانت به مقدسات اهل سنت گفت: مسئولان بعثه‌های کشورهای اسلامی در دیدارهایی که با آنها صورت گرفت، همگی متفق‌القول بودند که این فتوا جلوی خیلی از فتنه‌هایی که در ایام پیش از آغاز مناسک حج به خاطر اظهارات یک فرد نادان در حال شکل‌گیری بود، گرفت و الحمدلله حج امسال با آرامش کامل و برادری و دوستی برگزار شد.

امام جمعه اهل سنت چابهار:

وحدت سفارش قرآن است

وحدت یک فریضه واجب برای تمام مسلمانان است و اگر کسی به سربلندی اسلام فکر می‌کند به چیزی جز وحدت نباید بیندیشد. در این مراسم که جمع زیادی از زائران اهل تسنن حضور داشتند ملازمی با بیان اینکه قرآن خود اولین منادی وحدت و یگانه پرستی است گفت: قرآن کریم در سوره اخلاص مسلمانان را به بیان قل هوالله احد

امام جمعه اهل سنت چابهار گفت: وحدت سفارش قرآن به مسلمانان است. مولوی عبدالرحمن ملازمی چابهار در گردهمایی سفیران وحدت که در محل بعثه مقام معظم رهبری در شهر مدینه برگزار شد، گفت: وحدت از جمله اموری است که مورد تاکید و سفارش اکید قرآن کریم است. وی گفت: برای رسیدن به اهداف اسلامی

آیت الله استادی:

مشترکات بهترین راه رسیدن به وحدت است

جانشین نماینده ولی فقیه در امور حج و زیارت گفت: پرداختن به مشترکات بهترین راه رسیدن به وحدت است.

آیت الله رضا استادی در گردهمایی سفیران وحدت که در بعثه مقام معظم رهبری در مدینه برگزار شد گفت: برای رسیدن به وحدت راه‌های فراوانی وجود دارد که پرداختن به مشترکات بهترین راه رسیدن به آن است.

وی با اشاره به برگزاری همایش‌های متعدد در مکه و مدینه در زمینه وحدت افزود: دشمنان به انحاء مختلف به دنبال ایجاد تفرقه بین ملل اسلامی هستند ولی ما باید آگاه بوده و با ارتباط بیش از پیش با یکدیگر باید در مقابل ترفندهای دشمنان بایستیم.

وی گفت: تنها با وحدت است که می‌توانیم در مقابل دشمنان دین مبین اسلام ایستاده و منافع جهان اسلام را تامین کنیم اگر غیر از این باشد در راستای اهداف دشمن گام برداشته ایم.

آیت الله استادی، اخلاق محمدی و فضائل اهل بیت عصمت و طهارت را از جمله دستاویزهای محکم برای رسیدن به وحدت قلمداد کرد و خاطر نشان ساخت: فضائل اهل بیت (ع) را تمام علمای شیعه و اهل تسنن یادآور شده‌اند پس به جاست مسلمانان با تاسی به آنها در راه وحدت گام بردارند.

نماینده رهبری در کردستان:

وحدت تنها راه نجات است

خبرگزاری فارس: نماینده مقام معظم رهبری در کردستان گفت: تنها راه نجات و رستگاری وحدت مسلمانان است.

حجت الاسلام والمسلمین سید موسی موسوی در گردهمایی سفیران وحدت با اشاره به اهمیت وحدت گفت: تنها راه نجات و رستگاری مسلمانان وحدت و دوری از تفرقه است.

وی خاطرنشان ساخت: شعار امسال بعثه مقام معظم رهبری وحدت، بیداری و مسئولیت اسلامی است و این بدان معناست که در سایه وحدت و بیداری است که می‌توان اقتدار اسلام را به رخ جهانیان کشاند.

وی افزود: دشمنان به هر طریقی می‌خواهند در بین صفوف فشرده امت اسلام شکاف انداخته و به اهداف خود برسند بنابراین به هر فرد مسلمان اعم از شیعه و سنی و دیگر فرق اسلامی واجب است با کنار گذاشتن اختلافات جزئی به وحدت بیندیشند.

بر پایه این گزارش در این مراسم ماموستا سید مصطفی خاتمی امام جمعه اشنویه نیز طی سخنانی به فتوای اخیر مقام معظم رهبری در خصوص حرمت اهانت به همسران پیامبران و مقدسات اشاره کرد و گفت: فتوای رهبری معظم انقلاب اسلامی مبنی بر عدم توهین به مقدسات یک فتوای تاریخی برای گسترش وحدت بین امت اسلامی بود. وی گفت: بر همه مسلمانان واجب است تا این فتوای شرعی را در سراسر جهان گسترش داده و در راه وحدت گام بردارند.

پایگاه اینترنتی دفتر تقریب دانشگاه ادیان و

مذاهب راه‌اندازی شد

مسئول دفتر تقریب مذاهب اسلامی دانشگاه ادیان و مذاهب از راه‌اندازی پایگاه اینترنتی این دفتر خبر داد.

علی آقائوری مسئول دفتر تقریب مذاهب اسلامی دانشگاه ادیان و مذاهب ضمن اعلام این خبر اظهار کرد: این سایت که به صورت آزمایشی از روز ۴ آذر و همزمان با عید سعید غدیر بر روی نشانی اینترنتی www.taghrib.urd.ac.ir قرار گرفته، فعلاً به زبان فارسی است ولی در آینده برحسب اهمیت و کثرت جمعیت مخاطبان در زبانی خاص، دیگر زبان‌های زنده دنیا را نیز پوشش خواهد داد.

مسئول دفتر تقریب مذاهب اسلامی دانشگاه ادیان و مذاهب با اشاره به تأکیدات مقام معظم رهبری بر ضرورت وحدت و نزدیکی امت اسلامی افزود: این دفتر با توجه به امر خطیر وحدت امت اسلام و در راستای عمل به ندای آسمانی **وَأَعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا** و نیز انجام وظیفه دینی و شرعی خود و تقویت مبانی تقریب مذاهب اسلامی با هدف پوشش رویدادهای تقریبی و وحدت آفرین، خنثی‌سازی مقوله‌های تفرقه‌انگیز، ارتقای سطح آگاهی و تعمیق تفاهم پیروان مذاهب اسلامی به ویژه در میان فرهیختگان، تحکیم اخوت اسلامی بدون تمایز فرقه‌ای، قومی و ملی، رفع بدبینی‌ها و شبهات پیروان مذاهب اسلامی نسبت به یکدیگر و در نهایت زمینه‌سازی برای تشکیل کیان واحد امت اسلامی اقدام به راه‌اندازی این پایگاه اینترنتی کرده است.

وی افزود: باید به گونه‌ای حرکت کنیم که برای سال‌های آینده نقاط مفید و مثبت فعالیت‌ها تقویت و ضعف‌های احتمالی موجود نیز برطرف شود.

در ابتدای این دیدار حجت الاسلام عطاران، مدیر امور اهل سنت بعثه مقام معظم رهبری، ضمن ارائه گزارشی از فعالیت‌های انجام شده در کاروان‌های اهل سنت کشورمان در فریضه حج امسال گفت: زائران اهل سنت توجهات و امکاناتی را که امسال در اختیارشان قرار گرفت، فراموش نمی‌کنند. مولوی اسحاق مدنی، مشاور رئیس جمهور در امور اهل سنت، نیز در این دیدار گفت: امسال کاروان‌های اهل سنت نه تنها مشکلی نداشتند، بلکه اهتمام بیشتری نسبت به اسکان و موقعیت آنها صورت گرفت که واقعاً قابل تقدیر است.

سفارش می‌کند و می‌گوید باید با بیان اینکه خداوند یکی است به دنبال وحدت بود. وی در این زمینه خاطر نشان کرد: خدای واحد، پیامبر عظیم‌الشان واحد و قرآن واحد که منشور حیات و سرافرازی مسلمانان است تماماً بیانگر این هستند که باید با وحدت اختلافات جزئی را کنار گذاشته و به اهداف مشترک مورد تاکید اسلام بپردازیم.

همایش های بعثه مقام معظم رهبری ، تبلور وحدت، بیداری و مسئولیت اسلامی

انجام می دهد مانند فردی که تازه از مادر زاده شده باشد به همان پاکی از این سرزمین بیرون می رود. همایش "فرهیختگان جهان اسلام" با موضوع "ظرفیت های جهان اسلام"، نیز پنجشنبه شب در بعثه مقام معظم رهبری برگزار شد و آیت الله حسینی بوشهری امام جمعه موقت قم بیان اینکه مشکل جهان اسلام نداشتن ظرفیت رشد نیست، اظهار کرد: مشکل جهان اسلام عدم درک درست و ندانستن و تشخیص درست فرصت هاست و اینکه یک ظرفیت و فرصت بزرگ را به یک تهدید تبدیل می کند.

در این جلسه آیت الله هادوی تهرانی عضو هیئت علمی بعثه مقام معظم رهبری به عنوان مدیر جلسه حاضر بود و سخنرانان و صاحب نظرانی از ایران، هندوستان، امریکا، افغانستان، بنگلادش، الجزایر، پاکستان، اندونزی، تاجیکستان، عراق، مراکش، نیجریه و آذربایجان حضور داشتند.

همایش اهل بیت (ع)

گفتنی است ، همایش اهل بیت (ع) نیز روز شنبه ۲۱ آبان با حضور شخصیت های اسلامی و نمایندگان مراجع عظام تقلید در بعثه مقام معظم رهبری برگزار شد.

حجت الاسلام و المسلمین اختری، رئیس مجمع جهانی اهل البیت(ع) به عنوان رئیس اعضای هیئت رئیسه ضمن خوش آمدگویی به شرکت کنندگان در این همایش گفت: خداوند متعال را شاکریم که به ما توفیق عنایت کرده است تا در آن سرزمین مبارک و سرزمین وحی و قرآن و پیامبر اکرم(ص) در جوار خانه عظیم شأن خداوند متعال کعبه مکرمه کنار یکدیگر جمع شویم و به عنوان علاقه مندان به اهل بیت(ع) خواهر و برادر در کنار یکدیگر همایشی برگزار کنیم.

در ادامه نماینده ولی فقیه در سخنانی جایگاه و اهمیت توجه به اهل بیت(ع) را تبیین کرد و گفت: آنچه که مسلم است خداوند متعال برای آفرینش بشر و موجودات هدفی داشته و آیات قرآن کریم نیز بر این مسئله تصریح دارند و در زمان رسول خدا(ص) کامل ترین کتاب آسمانی را خداوند متعال در اختیار ایشان و بشریت قرار می دهد.

نمایندگان مذاهب اسلامی در سالن اجتماعات بعثه مقام معظم رهبری در مکه برگزار شد.

نماینده ولی فقیه موفقیّت جهان اسلام را نهادینه شدن تقریب مذاهب اسلامی دانست و گفت: برای تحقق این امر باید ابتدا تعریف درستی از تقریب مذاهب داشته باشیم، تقریب به معنای فراموش کردن عقاید و باورهای اساسی نیست بلکه به معنای تکیه بر مشترکات است.

در این همایش همچنین شیخ علی جابر نماینده حزب الله لبنان، حاج محمود احمد خلف جواد نماینده بعثه عراق، شکور اوز بداع نماینده بعثه ترکیه، جباری یکی از نمایندگان مجلس شورای اسلامی، محمد عبداللطیف الخطیب نماینده بعثه مصر، شبیر زیدی نماینده بعثه پاکستان و حاج شیخ ذکریا اویب ابوخلف نماینده بعثه نیجریه به ایراد سخن پرداختند.

همایش قدس

همایش بین المللی "قدس" نیز در پنجشنبه ۲۰ آبان با حضور شخصیت های جهان اسلام در راستای اتحاد کشورهای اسلامی و بکارگیری نیروها و امکانات آنها برگزار گردید. نماینده ولی فقیه در این همایش خاطر نشان کرد: قرآن از ابتدا به ما تذکر می دهد که جبهه ای از مشرکان و یهودیان در عرصه بین المللی برای ضربه زدن به اسلام متحد شده اند. وی تاکید کرد: اما وقتی انتفاضه آغاز شد و مردم با اتکا به خدا و با دست خالی به میدان آمدند و مقابل رژیم صهیونیستی ایستادند و این رژیم از مقابله با آنان عاجز است.

همایش ایرانیان مقیم خارج از کشور

همایش بزرگ ایرانیان مقیم خارج از کشور نیز در محل سالن همایش بعثه مقام معظم رهبری در مکه مکرمه برگزار شد و محمدرضا باقری معاون امور بین الملل بعثه مقام معظم رهبری ضمن خوشامدگویی به حضار گفت: علیرغم تبلیغات منفی دشمنان ایرانیان همواره در سراسر جهان مایه عزت و افتخار کشورشان بوده اند. نماینده ولی فقیه در سخنانی سفر حج را فرصتی دانست که برکات فردی و اجتماعی فراوان دارد و تصریح کرد: دستیابی به مغفرت خداوند اولین ثمره سفر حج است و کسی که مناسک حج را

دهها همایش و نشست تخصصی در بعثه مقام معظم رهبری در مدینه منوره و مکه مکرمه برگزار گردید. به گزارش پایگاه اطلاع رسانی حج ، در مدینه منوره همایش های زن ، اهل سنت و زائران پاکستان و در مکه مکرمه همایش های ، طلایه داران وحدت ، "تقریب مذاهب اسلامی ، " قدس ، " ایرانیان مقیم خارج از کشور ، " فرهیختگان جهان اسلام ، اهل بیت (ع) ، " علماء و مبلغین ، " روحانیون کاروان ها ، " معینه های کاروان ها ، " روحانیون اهل سنت و " فرهیختگان ایرانی " برگزار گردید.

همایش زن در مدینه

این گزارش می افزاید: همایش " طلایه داران وحدت " در تاریخ سه شنبه ۱۸ آبان با حضور سرپرست حجاج ایرانی و رئیس شورای فتوای اهل سنت در سالن اجتماعات بعثه مقام معظم رهبری در مکه مکرمه برگزار شد.

در ابتدای این همایش حجت الاسلام عطاران مدیریت اهل سنت بعثه مقام معظم رهبری گفت: بیش از ۶ هزار زائر اهل سنت در قالب ۵۰ کاروان در حج امسال حضور دارند و نزدیکترین هتل ها به مسجدالحرام در اختیار هموطنان اهل سنت است.

همایش طلایه داران وحدت

در ادامه همایش مولوی اسحاق مدنی رئیس شورای فتوای اهل سنت و مشاور رئیس جمهور در امور اهل سنت نیز گفت: وقتی اختلافات اجتهادی مذاهب اهل سنت تشنج ایجاد نمی کند چگونه است که برخی ها با اشاره به اختلافات اجتهادی میان فقهای اهل سنت و تشیع به دنبال ایجاد اختلاف و تنش در جهان اسلام هستند.

حجت الاسلام سیدعلی قاضی عسکر نماینده ولی فقیه و سرپرست حجاج ایرانی نیز گفت: اسلام دین کامل، جامع و پرجاذبه ای است و فرهنگ غنی اسلام در همه جای دنیا برای یک جامعه مطلوب برنامه قابل قبول ارائه دارد و اگر اسلام آن گونه که هست به مردم دنیا ارائه شود آن را می پذیرند.

همایش تقریب مذاهب اسلامی

بنابراین گزارش، همایش "تقریب مذاهب اسلامی" نیز در تاریخ چهارشنبه ۱۹ آبان با حضور جمع زیادی از

رئیس دفتر بانوان مجمع تقریب مذاهب اسلامی تأکید کرد: اولویت بعدی مجمع تقریب، برگزاری همایش های تقریبی در مناطق شرق و جنوب کشور است.

خانم افتخاری، مشاور دبیرکل مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی در حاشیه همایش کوثر نبوت (کنگره منطقه ای جایگاه زن در نظام اسلامی) در گفت وگو با خبرنگار تقریب، اهداف این کنگره را تشریح کرد.

وی در این گفت وگو اظهار داشت: هدف اصلی مان آشناساختن بانوان مسلمان شیعه و سنی و نخبگان جامعه زنان مسلمان مذاهب مختلف اسلامی با حقوق و مسئولیت های خودشان و همچنین نقشه های دشمنان قسم خورده اسلام است.

افتخاری با اشاره به اینکه دفتر بانوان مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی توجه خاصی به مسائل زنان مسلمان شیعه و سنی و ارائه راهکارهای برون رفت از مشکلات دارد، گفت: ناآگاهی و آگاهی کم از جایگاه زن در اسلام، و شناخت کم زنان مسلمان از اسلام، باعث شده که دشمن و استکبار جهانی در اجرای سیاست ها و برنامه های خود علیه کل بشریت و به ویژه زنان مسلمان امیدهایی را به دست آورد. از این رو، مجمع تقریب مذاهب در دفتر بانوان خود تلاش دارد، در مسیر آگاه سازی گام های

حجت الاسلام والمسلمین مبلغی:

ایجاد شبکه های ماهواره ای برای

ترویج حرکات تقریبی ضروری است

رئیس مرکز تحقیقات مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی گفت: ایجاد شبکه های برای ترویج حرکات تقریبی ضرورتی و غیرقابل انکار است و مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی تلاش هایی را در این زمینه آغاز کرده است.

حجت الاسلام والمسلمین احمد مبلغی در نشست با مدیر شبکه ماهواره ای المنار لبنان خاطر نشان کرد: برای فعال شدن در عرصه رسانه و خنثی کردن کوشش های ضد تقریبی، استفاده از ماهواره از جمله شبکه المنار که دارای مخاطبان زیادی بوده بسیار حائز اهمیت است.

وی با اشاره به اهمیت تقریب در جهان اسلام گفت: تقریب به عنوان تنظیم کننده مناسبات جهان اسلام قادر است حرکت رو به رشد و پویایی بخش جهان اسلام را فراهم کند. مبلغی با اشاره به آسیب های حضور نداشتن تقریب در عرصه رسانه خاطرنشان کرد: غیاب و نبود تقریب در عرصه رسانه موجب می شود مناسبات جهان اسلام دچار تنش شود و زمینه ای را برای نفوذ مخالفان امت اسلام فراهم کرده و به تلافی فرصت ها و امکانات جهان اسلام بینجامد.

وی ادامه داد: بدون تقریب امکان سیاست گذاری و رسیدن به راهبردها وجود ندارد، اصولا با استقرار تقریب، می توان راهبرد و مصالح جهان اسلام را تشخیص داد، بنابراین تشخیص مصالح بر اساس تقریب است.

رئیس پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی تصریح کرد: رسانه ها در ارائه خط و خط دهی به جامعه نقش غیرقابل انکاری دارند، با حذف و کنار گذاشتن رسانه نمی توان جامعه را در مسیر درست سمت و سوق داد.

وی گفت: اگر جامعه بخواهد در مسیر تقریب قرار گیرد، باید پایگاه قوی رسانه ای داشته باشد.

مبلغی تصریح کرد: متأسفانه تقریب در رسانه های داخلی هم حضور نداشته و این خلأ است که تقریب از آن رنج می برد و متأسفانه در شرایطی که تقریب در رسانه ها حضور ندارد، دشمنان و مخالفان در رسانه ها توانسته اند پایگاه و جایگاهی را برای خود ایجاد کنند.

وی با اشاره به اینکه افکار ضد تقریبی در عرصه ماهواره بسیار فعال است، گفت: باید همه رسانه ها و فرصت ها را در زمینه تقریب قرار دهیم، برای تدارک آنچه بر ما گذشته است راه درازی در پیش داریم و نشست مشترک با مدیر شبکه المنار برای کلید خوردن نخستین فعالیت رسانه ای چشمگیر تقریب در جهان اسلام انجام گرفت.

استاد برجسته حوزه علمیه قم یادآور شد: مجمع تقریب در طی تماس هایی که در چند ماه اخیر با مسئولان المنار و برخی دیگر از شبکه های ماهواره ای داشته است به این نتیجه رسید که باید تلاش علمی خود را از سطح کتاب های تقریبی و مقاله ارتقا داده و کوشش های علمی را به فضای شبکه های ماهواره ای گسترش دهد.

مبلغی خاطر نشان کرد: مخالفان وحدت اسلامی و تقریب در چند سال گذشته از ماهواره برای ایجاد تعصب و اختلاف بیشتر میان امت اسلام استفاده کردند.

وی افزود: در صورتی که عرصه ماهواره را به دست مخالفان بسپاریم و تقریب را به درون ماهواره نبریم حرکت تقریبی در انفعال قرار می گیرد و حامیان تقریب از حیث رسانه ای و کوشش های تقریبی قادر نخواهد بود که جو و فضا را به دست گیرند.

رئیس پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی گفت: بر اساس توافقنامه با شبکه المنار قرار شد که ۱۰۰ حلقه معرفی تقریب در این شبکه انجام شود و ۱۰۰ برنامه نیز با حضور عالمانی از شیعه و سنی به مدت دو سال در این شبکه انجام شود.

همایش های تقریبی در شرق و جنوب کشور؛ اولویت بعدی مجمع تقریب

مهمی برادر.

وی اضافه کرد: در همین راستا، برنامه ها، همایش ها، نشست های تخصصی و کارگاهی مختلف با مشارکت اندیشمندان جامعه اسلامی و اساتید حوزه و دانشگاه در دستور کار دفتر بانوان مجمع قرار گرفته و در این راستا، خانواده اهل بیت عصمت و طهارت و خاندان نبی مکرم اسلام را مدنظر قرار داده ایم.

خانم افتخاری با اشاره به اینکه همایش کوثر نبوت در استان گلستان در روزهای دهم و یازدهم آذرماه ۸۹ با حضور بانوان فرهیخته شش استان گلستان، خراسان رضوی و شمالی، خراسان جنوبی، مازندران و گیلان برگزار شد، تأکید کرد که کمیسیون های تخصصی این همایش که روز دهم آذر تشکیل شدند مورد استقبال زیادی از سوی بانوان منطقه قرار گرفتند و گفت: پیش از این نیز در شهر سمنندج که به لحاظ ترکیب جمعیتی، شیعیان و اهل سنت در کنار هم زندگی می کنند، همایشی با شکوه برگزار کردیم که خوشبختانه مقالات بسیاری به آن کنگره نیز ارائه شده بود و با استقبال گسترده ای روبه رو بود.

وی همچنین با اشاره به لزوم تداوم ارتباطاتی که در اثر این همایش ها برقرار می شود، گفت: به این موضوع توجه خاص

داریم و در همین راستا، فرم هایی در پایان هر همایش به شرکت کنندگان ارائه می شود تا هم از نظرات عزیزان استفاده کنیم و هم کسانی که مایل به تداوم این ارتباط هستند را شناسایی کرده و ارتباطات منسجم و ساماندهی شود؛ همانطور که امروز با بسیاری از فعالان خارج از کشور در حوزه تقریبی در ارتباط هستیم.

خانم افتخاری در این زمینه به همایش استانبول ترکیه اشاره کرد و گفت: سال گذشته که در ترکیه همایشی تقریبی از این نوع برگزار کردیم نیز با استقبال بسیار خوبی مواجه شدیم و امیدواریم بتوانیم در کشورهای دیگر نیز همایش ها و کارگاه های تخصصی از این سنخ برگزار کرده یا با اعزام هیئت و یا دعوت از هیئت های برجسته و تأثیرگذار در این راستا گام های محکمی برداریم.

مشاور دبیرکل مجمع تقریب مذاهب اسلامی با اشاره به اینکه این دست همایش ها در جهت ارتقای همگرایی بین مذاهب اسلامی و شناسایی ظرفیت ها و انتقال تجربیات و تبادل نظر، بررسی مشکلات، تلاش در جهت رفع معضلات و انعکاس مسائل به قوای سه گانه برگزار می شود، اولویت های بعدی دفتر بانوان مجمع تقریب را برگزاری همایش های تقریبی در مناطق شرق و جنوب کشور خواند.

علامه طباطبایی و هانری کربن در گفت و گو با دکتر مجتهدی

تحت عنوان "اسلام ایرانی" که به سال ۱۹۷۱ میلادی در پاریس به چاپ رسانده، با اشاره به جلسات بحثی که در اقامت پاییزی خود در تهران در منزل مرحوم ذوالمجد با علامه طباطبایی داشته می نویسد: شخصیت شیخ محمدحسین طباطبایی، استاد عظیم الشان فلسفه سنتی در حوزه کلام و الهیات قم، چهره مرکزی جلسات ما بود. در این محفل، گروهی از استادان و همکاران جوان دانشگاه تهران نیز شرکت می کردند و همچنین تعدادی از علمای حوزه های دیگر و شاگردان آنها که جمعا نماینده فرهنگ سنتی ایران بودند. در مواقع زیادی متوجه می شدم که تا چه اندازه فهم درونی بعضی از مسائل دینی ما برای آنها به سهولت میسر می شد و چقدر بعضی از گفته های استاد اکهارت و ژاکوب بویمه و قسمت هایی از حماسه "گزال مقدس" می توانست به نظر آنها مانوس و آشنا بیاید. این نوع مرآه فکری نشان می دهد که تا چه اندازه کربن سعی می کرد در تالیف آثارش از مبانی موضوعات فلسفی بهره ببرد. کربن در کتاب دیگری که به سال ۱۹۷۷ میلادی تحت عنوان "فلسفه ایرانی و فلسفه تطبیقی انتشار داده است، باز در چند مورد اشاره به نام علامه طباطبایی می کند. او در این قسمت از قول یکی از همکاران ایرانی بیان می کند که علامه طباطبایی، فعالیت فیلسوف عرفانی را در این جهان شبیه به یک "کارخانه مجرد سازی" می دانسته است. آنگاه خود توضیح می دهد که منظور از مجرد سازی، متوسل شدن به یک امر انتزاعی صرف ذهنی نیست، بلکه به نحوی تحقق بخشیدن به امور روحی و معنوی نامرئی و فراهم آوردن اسباب قوام و دوام آنهاست. بلافاصله بعد از این توضیح، کربن نظر علامه طباطبایی را با بعضی از اشعار شاعر معروف آلمانی ریلکه مقایسه می کند و از عالم برزخی که میان زمین و آسمان تصور می شود سخن می گوید و با تصویری برگرفته از رساله فارسی سهروردی "عقل سرخ" توضیح می دهد که ادراک و دریافت امور قدسی به ناچار در فضای خاصی قابل تصور است که تشکیل نوعی عالم مثالی را می دهد که عقلا قائم به ذات باید تلقی شود که اگر بدین ترتیب آن امور دیگر به نحو محض، مفارق و خارج از دسترس قرار نمی گیرند، در عوض همچنین آلوده به امور این جهان خاکی نیز نمی شوند. این عالم مثالی، اوصاف خاص خود را دارد و در مکان و زمان عالم مادی محسوس قرار نمی گیرد بلکه نوعی قلمرو میانی و برزخی است.

کربن مواجهه غرب با تفکر فلسفی اسلامی را چگونه می دید؟

البته مواجهه کربن با فلسفه اسلامی همانطور که در بالا اشاره کردم مواجهه ای همدلانه، مجذوب و دقیق بود اما او در آثارش تصریح کرده بود که پنهان نمی توان داشت که چقدر نحوه ما غربیان در تحلیل امور و تفسیر موقعیت های عصر کنونی و آنچه از طریق خواه دیالکتیکی یا جامعه شناختی یا سیبرنتیکی که به وسیله آنها می خواهیم لحظات گذر زمان را مشخص و ثابت بکنیم، برای آنها دور از حقیقت و نامانوس می نمود، خاصه آنهایی که بر اساس روح صرفا شرقی و به نحو تام در بطن فرهنگ سنتی خود زندگی می کردند. بدتر اینکه طرح های ما به هیچ وجه نظر آنها را جلب نمی کرد و برایشان طبیعی می نمود که ما غربیان مسیر اصلی قطب حیات انسان را گم کرده و در انحرافی افتاده باشیم که ما را به سوی ظلمت در حرکت در آورده است. وقتی که ما قادر نباشیم ساختار حیاتی خود را جز بر اساس زور و ظلم و با اصالت دادن به اجتماعیات بفهمیم، در واقع چه راه دیگری جز انحراف می تواند برای ما باقی بماند.

تهران امروز

بزرگ ترین متخصصان فلسفه های اسلامی محسوب می شود، بلکه به حق به نظر گروهی، جزو عمیق ترین آنهاست و در آثار او در این زمینه حرف ها و تفسیرهای بسیار بدیع و جالب توجهی می توان یافت که در جهان غرب قبل از این بی سابقه بوده است. هانری کربن افزون بر تفسیر رساله های تمثیلی ابن سینا و جمع آوری و ترجمه آثار سهروردی اعم از فارسی و عربی، اذهان غربی را به اهمیت سنت های فکری ایرانی - اسلامی "توجه داده و به نحوه مستند، ثابت کرده است که بر خلاف تصور اکثر غربیان، فلسفه بعد از وفات ابن رشد در قرن ۱۲ میلادی نه فقط در نزد مسلمانان به پایان نرسیده، بلکه برعکس - حداقل در سرزمین ایران - بر اساس سنت فلسفی ابن سینا و تحرکی که از طریق فلسفه اشراقی سهروردی در آن ایجاد شده و تاثیر عرفانی ابن عربی و رواج تشیع مبتنی بر حکمت انبیا، نسل به نسل موجب پیدایش متفکران بسیار اصیل و درخشانی شده که در زمینه های مختلف صاحب نظر بوده اند و با نزدیک سازی دو گرایش مشایی و اشراقی، بیش از پیش به موضع خود استحکام بخشیده اند. در این راستا می توان از افرادی چون خواجه نصیر طوسی و میرداماد و میرفندرسکی و ملاصدرا صدر المتالیهین و تعداد زیاد دیگری از حکام و متفکرانی را نام برد که تا بدین روز حافظ وحدت فرهنگی و اعتقادی ایرانیان بوده اند.

بدین ترتیب چهره علامه طباطبایی در فلسفه اسلامی به مثابه ادامه دهنده سنت پویای فلسفه اسلامی است؟

بله همین طور است. علامه طباطبایی یکی از آخرین چهره های درخشانی است که در طول عمر پربار فرهنگی و علمی خود عملا مسئولیت حفاظت از ارزش های فلسفی سنتی ما را به عهده داشته و لحظه ای از فعلیت بخشی بدان کوتاهی نکرده است. بدین ترتیب می توان متوجه شد که اگر کربن نوشته مستقلی در معرفی علامه طباطبایی به غربیان به رشته تحریر در نیاورده، در عوض در مجموعه آثار او، افکار این دانشمند ایرانی به نحوی محوریت خاصی داشته و در عصر معاصر مصداق بارزی از استمرار آن تفکری می توانسته محسوب شود که هانری کربن در مدت بیش از یک ربع قرن، کوشش داشته است فراز و نشیب مسیر آن را جست و جو و بازگو کند.

کربن دو تعلق خاطر داشت؛ یکی سهروردی و دیگری هایدگر. نقطه عزیمت کربن در میان این دو فیلسوف کجا بود؟

کربن اولین مترجم یک متن از هایدگر به فرانسه است که کتاب "مابعدالطبیعه چیست؟" هایدگر را به فرانسه ترجمه می کند اما این تعبیر تعلق خاطر چندان درست نیست زیرا کربن مقاله خوبی نوشته است که به فارسی هم ترجمه شده است به نام از هایدگر تا سهروردی. یعنی روایت تحولات فکری و روحی خودش را می گوید که چطور در جوانی علاقه مند به هایدگر بوده و وقتی توجه بیشتری کرده به سهروردی تمایل یافته و هایدگر را کافی ندیده است. لذا باید هایدگر را قبل از سهروردی بدانیم و نباید این دو را کنار هم بگذاریم. علتش این است که کربن یک روحیه امیدوار و مثبت داشته است یعنی اصلا یأس و مرگ آگاهی در او نبود که در هایدگر هست یعنی انسان را در عالمی می دید که هستی را با شغف پذیرفته است یعنی فوق العاده شخص زنده دلی بود. اگر تارپیک اندیشی می کردید، ناراحت می شد. این جنبه بسیار مهم است. او خوشبین و امیدوار بود.

به نظر شما کربن تا چه اندازه در تالیف و تدوین آثارش به خصوص کتاب اسلام ایرانی از علامه طباطبایی بهره برده است؟

کربن در کتاب چهار جلدی بسیار مفصل خود

امکان تبادل فکر در حد اشراق و عرفان در مسائل معنوی بود. اگر چه کربن از منظر گفت و گوی عرفانی با علامه طباطبایی بحث می کرد اما فلسفه های سنتی نیز متضمن این بحث ها بود. این دو در گفت و گوهایشان اغلب یک نوع همرازی و همدلی با یکدیگر داشتند.

کربن علامه را به صورت اتفاقی پیدا کرد، یا گزینشی دقیق بود؟

جواب این سوال را من نمی توانم به شما بگویم. احتمالا عمدی بوده است و به او گفته بودند که چنین شخصیتی است. البته در این جلسات افراد دیگری مثل دکتر شایگان، دکتر نصر و دکتر دینانی هم بودند. فرید در دانشگاه بود و یکی دو دفعه کربن را دیده بود و در آن جلسات نبود و یک ترجمه ای هم می خواست از کربن بکند که انجام نداده بود.

آقای دکتر مجتهدی برخی از فیلسوفان غربی از دیرباز تا کنون معتقدند که فلسفه اسلامی با این رشد به پایان رسیده اما کربن اینگونه نظری نداشت. به اعتقاد شما چرا کربن به چنین دیدگاهی رسیده بود؟

در دنیای غرب معمول است که فلسفه های اسلامی با این رشد به پایان رسیده است و به طور رسمی مورخان تحصیلی مسلک به فلسفه های تجربی اهتمام دارند و این افراد دوره بعد از ابن رشد را صرفا انحطاطی می دانند اما کربن می خواهد نشان دهد که نه فقط فلسفه های اسلامی ایرانی بعد از ابن رشد به پایان نرسیده بلکه از لحاظ معنوی و عرفانی یک شکوفایی فوق العاده داشته و مصداق بارز آن فرهنگ موجود در ایران است. یعنی این وضعیت ادامه آن ارزش های معنوی قدیمی است که در آثار افرادی مانند سهروردی، میرفندرسکی، میرداماد و ملاصدرا و اخلاف پس از اوست. کربن می خواهد نشان دهد که افکار فردی مانند علامه طباطبایی جنبه زنده و حاضر فعلیت سنت معنوی فیلسوفان گذشته است.

علامه طباطبایی تا چه اندازه از کربن تاثیر پذیرفته است؟

من شخصا فکر نمی کنم که علامه طباطبایی به خصوص از کربن تاثیر گرفته باشد اما یک نکته است و آن اینکه علامه در فرهنگ های غربی هم صحبتی پیدا کرده و متوجه شده که یک غربی تا این اندازه مشتاق و استعداد دریافت بحث های غربی دارد، خوشنود و راضی بود اما برعکس این پرسش متصور است و اینکه کربن از علامه سخت تاثیر پذیرفت. البته اشارات هانری کربن به علامه طباطبایی به این چند موردی که ذکر کردم ختم نمی شود بلکه علامه طباطبایی و موضع او به عقیده هانری کربن، اصلا از کل سنت فرهنگ معنوی ایران جدا ناپذیر است و اگر حمل بر اغراق نباشد، در این نظرگاه علامه طباطبایی به نحوی مصداق حی و حاضر آن نوع معنوی است که در مشرق انفسی انسان قرار دارد و صرفنظر از شرق و غرب آفاقی و جغرافیایی، می تواند پیام آور ابتهاج روحی سرنوشت سازی برای نوع انسان باشد، انسانی که در مراتب ارتقایی شناختی خود، تدریجا بیش از پیش با امکانات استکمالی خود آشنا می شود و براساس همین شناخت، بروز شکوفایی معنویت را در نزد خود تضمین و حدوث جسمانی خود را در جهت و مسیری هدایت می دهد که به بقای روحانی او منجر شود.

شهرت هانری کربن امروزه بیشتر به مثابه یک متخصص فلسفه اسلامی مد نظر است. نظر شما در این مورد چیست؟

در دهه های اخیر در کل مراکز فرهنگی و فلسفی جهان، اعم از دانشگاه های رسمی و یا انجمن های مختلف غیر رسمی، شهرت هانری کربن به نحو چشمگیری افزایش یافته و او نه فقط یکی از

کربن بر این باور است که نه فقط فلسفه های اسلامی ایرانی بعد از ابن رشد به پایان نرسیده بلکه از لحاظ معنوی و عرفانی یک شکوفایی فوق العاده داشته و مصداق بارز آن فرهنگ موجود در ایران است و افکار فردی مانند علامه طباطبایی جنبه زنده و حاضر فعلیت سنت معنوی فیلسوفان گذشته است. در این گفت و گو دکتر کریم مجتهدی، استاد فلسفه دانشگاه تهران به تبیین این مرادفات فکری و معرفتی میان این دو پرداخته است.

منوچهر دین پرست

آقای دکتر مجتهدی درباره ملاقات هایی که میان کربن و علامه طباطبایی صورت می گرفت نقل قول ها و سخنان بسیاری مطرح شده است. شما هر دوی این اندیشمندان را دیده اید و در گفت و گوهای ایشان نیز حضور داشتید از آنجایی که شما به خوبی با زبان فرانسوی آشنا هستید و هانری کربن هم نیز فیلسوف فرانسوی است به نظر می رسد با ایشان بیشتر مرآه داشته اید و نحوه تفکر ایشان را به خوبی درک کرده اید. بحث را در مورد کربن آغاز کنیم. به عبارتی دیگر سوال محوری ما بررسی اندیشه ها و تاملات علامه طباطبایی از چشم کربن باشد.

همانطور که شما هم اشاره کردید من سال ها با هر دوی این افراد بودم و به خصوص کربن را به خوبی می شناسم. از آنجا که پروفیسور کربن را سال ها می شناختم و گاهی نیز در نگارش مقالات شان همکاری می کردم، من ترجیح می دهم از نظرگاه کربن درباره علامه طباطبایی صحبت کنم. نا گفته نماند که بنده علامه طباطبایی را نیز نیک می شناختم.

البته هر دوی شما هم شهری هستید، هم شما و هم ایشان اهل تبریز و جالب اینکه هر دو فلسفه خوانده اید.

بله همینطور است. ما هر دو هم شهری هستیم و در شهر تبریز ملک ما در جوار یکدیگر بود و نام طباطبایی ها را از دوران کوچکی شنیده بودم. حتی وقتی که در یکی از جلساتی که در خانه ذوالمجد برگزار می شد، علامه از من پرسیدند که شما از کدام مجتهدی ها هستید و من وقتی پاسخ دادم ایشان خانواده ام را نیز به خوبی به خاطر داشتند.

منظورتان از خانه ذوالمجد همان خانه معروفی است که گفت و گوهای علامه و کربن در آن برگزار می شد؟

بله، در این جلساتی که در خانه ذوالمجد تشکیل می شد و اغلب بنده نیز بعضی موارد را ترجمه می کردم، محتوای بحث به معنای فلسفه غربی نبود بلکه یک نوع تبادل نظر درباره امکان معنوی انسان، اعتقادات و باورهای انسان، فلسفه های متعالیه و ملاصدرا و فلسفه اشراقی و سهروردی و بحث های کلامی و شیعی بود. مرحوم علامه نیز جواب هایی که درباره کلام شیعی می دادند به نوعی رابطه ای با فلسفه پیدامی کرد.

به نظر شما چرا کربن تا این اندازه به این دیالوگ علاقه مند بود؟

آنچه می گویم کاملا شخصی است، اما فکر می کنم اولین قدم از ناحیه کربن بود. زیرا کربن کلا موضعی دارد که تصور می کند که فلسفه های مادی مسلک غربی و گرایش های تند غربی زندگی را برای انسان دشوار کرده اند و آن را از ریشه های روحی اش جدا ساخته اند و لذا در جست و جوی خود به دنبال این است که آیا در شرق راهی است که بتوان پیدا کرد و چون علامه طباطبایی چهره ای روحانی و معنوی و بسیار بسیار اصیلی است، سعی می کند این را نزد او بیابد. علت دیگر این است که کربن به علامه طباطبایی توجه خیلی خاصی داشت به سبب شباهتی بود که میان افکار این نوع متفکران و بعضی از متفکران عرفانی غربی بود. یعنی یک نوع

رئیس قوه قضاییه در مراسم اختتامیه روز جهانی فلسفه:

بازنگری در پیش فرضهای علوم انسانی عاقلانه ترین کار است



رئیس قوه قضاییه گفت: بازنگری در پیش فرضهای علوم انسانی عاقلانه ترین کاری است که می توان انجام داد. آیت الله صادق لاریجانی رئیس قوه قضاییه در مراسم اختتامیه همایش روز جهانی فلسفه با اعلام این مطلب افزود:

بحث علوم انسانی در کشور بحثی دشوار، مهم و سرنوشت ساز است. وی افزود: تأثیرگذاری علوم انسانی در دایره اجرای حکومت ها موردی است که باید مورد توجه قرار بگیرد و از همین رو چندی قبل مباحثی پیرامون علوم انسانی مطرح شد اما متأسفانه عده ای آن را سیاسی جلوه دادند و برخی از رسانه های غربی هم با برگزاری کنفرانس های خبری آن را سیاسی کردند در حالیکه این بحث ها اصلاً سیاسی نیست.

رئیس قوه قضاییه تصریح کرد: فردی که مدعی تدریس علوم فلسفه در آلمان بود با مطرح شدن بحث بازنگری در علوم انسانی واکنشی اشتباه نشان داد و عنوان کرد که در همایش روز جهانی فلسفه شرکت نخواهد کرد.

وی ادامه داد: باید از غربی ها پرسید آیا می توان در کشوری با فرهنگی خاص نسبت به دیگر کشورها و همچنین با بستری متفاوت از نظر ایمانی و دینی علوم انسانی صادراتی را از مغرب زمین مورد ترویج قرار داد.

وی افزود: گرچه ممکن است هر بحث علمی به مسیری سیاسی کشیده شود اما موضوع بازنگری و تحقیق در زمینه علوم انسانی کاری علمی، دقیق و لازم است.

آیت الله آملی لاریجانی با اشاره به این مطلب که موضوع بازنگری در علوم انسانی به هیچ عنوان به معنی نفی علوم انسانی نیست گفت: ما قصدمان نیست که علوم انسانی را نفی کنیم و باید گفت این تنها سوء برداشت غربی هاست.

وی ادامه داد: متأسفم برای افرادی که خود را اهل نظر و اهل فلسفه و منطق می دانند اما به محض مطرح شدن موضوع بازنگری در علوم

انسانی از حضور در یک همایش جهانی خودداری می کنند.

وی با اشاره به این مطلب که بحث بازنگری در علوم انسانی از چند منظر قابل بررسی است گفت: منظر اول بحث پیش فرض هاست ما فقط به دنبال

آن هستیم که پیش فرض ها و اهداف علوم انسانی را با پیش فرضها و اهداف دین سازگار کنیم. وی تصریح کرد: منتقدین معتقدند که ما این مسائل را مطرح کرده ایم و می خواهیم بگوییم که باید روانشناسی و جامعه شناسی و سایر علوم را از کتاب و سنت درآوریم در حالیکه اصلاً مقصود ما این نیست.

وی با اشاره به این مطلب که نگرش غربی ها به موضوع انسان یک نگرش فردگرایانه است گفت: ما با این نگرش مخالفیم و معتقدیم نمی توان برای انسان به صورت فردگرایانه تصمیم گیری کرد. رئیس قوه قضاییه گفت: اولین مسیر برای تداعی مباحث دینی و اسلامی با مباحث علوم انسانی در ناحیه پیش فرض ها است.

آیت الله آملی لاریجانی گفت: ما به هیچ عنوان نمی گوییم که نباید مباحث فلسفی و علوم غربی را مطالعه کرد بلکه تمامی افراد را تشویق می کنیم تا به مطالعه این علوم بپردازند.

وی با تأکید بر این نکته که نباید اهدافی که در علم دنبال می کنیم با اهداف دین متناقض باشد گفت: معارف دینی می توانند با علوم رابطه برقرار کنند.

رئیس قوه قضاییه گفت: حرف ما این نیست که باید از متن قرآن و کتاب مسلمانان یک دین به نام جامعه شناسی بیرون بیاید بلکه حرف ما این است که باید میان اصولی که در قرآن گفته شده با اصول اولیه این علوم رابطه منطقی برقرار باشد.

وی ادامه داد: ما معتقدیم وقتی ابداع کننده یک علم فردی با نگرش های خاص دینی است باید عالم دینی و یک محقق در کشور ما با توجه

به دین و فرهنگ خود تحقیق کرده و پیش فرض های آن علم را با پیش فرض های دینی خود منطبق کند.

این مقام عالی قضایی کشور به موضوع اهداف علوم و تعبیر فلسفه علم اشاره کرد و گفت: باید توجه داشت که علمی که از غرب به دست ما می رسد آیا با اهدافی که در دین ما برای انسان به آن توجه شده هماهنگی دارد یا خیر.

وی همچنین خطاب به فیلسوفان خارجی گفت: من از شما می پرسم آیا آن میزان که فیلسوفان و محققان ایرانی کتاب های شما را خوانده اند شما هم کتاب های بزرگان ما مانند ملاصدرا را مطالعه کرده اید؟

وی افزود: کمال بی انصافی است اگر بگوییم که کار فیلسوفان ما در گسترش این گونه علوم از کار فلاسفه غربی کمتر بوده است.

آیت الله آملی لاریجانی همچنین به موضوع حقوق بشر و فشارهایی که کشورهای ناقض آن به کشورمان وارد می کنند اشاره کرد و گفت: امروز یکی از کشورهایی که داعیه حقوق بشر را دارند خود ناقض حقوق بشر هستند مانند آمریکا که در هر گوشه و کنار دنیا زندانی برپا کرده است.

وی ادامه داد: حقوق بشر بدون شناخت انسان ممکن نیست و بدون تأمل در انسان نمی توان به آن رسید حال آنکه حقوق بشری که کشورهای غربی از آن دم می زنند در دامن مدرنیته زاده شده که مدرنیته هیچ توجهی به شناخت انسان ندارند.

رئیس قوه قضاییه گفت: ما نگاه فردگرایانه به انسان موجود در مدرنیته را قبول نداریم زیرا ما به فرهنگی دل سپرده ایم که می گوید باید هر انسان به فکر انسان دیگر باشد.

وی خطاب به حاضرین جلسه گفت: کشورهای غربی از ما توقع دارند مثل آنها فکر کنیم و اگر اندکی به آنها فرصت دهیم از ما توقع می کنند که مغز خودشان را هم در سر ما قرار بدهند.

وی در خاتمه گفت: همه حرف ما این است که باید علوم انسانی در جامعه ما با اساس فرهنگ دینی و مذهبی ما بازنگری شود.

دکتر محقق داماد:

حکیمان نسبت به صلح جهانی دغدغه دارند



دکتر محقق داماد با بیان اینکه ۶۰ سال از تدوین اعلامیه جهانی حقوق بشر می گذرد، گفت: پس از آن، "حقوق مدنی سیاسی" و نیز "حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی" با فاصله ۳۰ سال، لازم الاجرا شده است.

وی با بیان اینکه معاهدات مناسبی در

موضوعات تبعیض نژادی، منع تبعیض علیه زنان، منع به کارگیری سلاح های کشتار جمعی و نیز رعایت حقوق کودکان تصویب شده است، ادامه داد: در حوزه نظر، اقدامات مناسبی صورت گرفته است اما باید دید در حوزه عمل نیز این کار اجرایی شده است، یا نه؟

دکتر محقق داماد تصریح کرد: ناسپاسی است اگر تلاش های فراوان در توسعه اندیشه حقوق بشر

را انکار کنیم، اما دو سؤال برای من مطرح است. اول اینکه آیا می توان گفت جامعه بشری به آرمان اندیشه و ران حقوق بشر و صلح جهانی رسیده است و دوم این که آیا با توجه به تجربیات گذشته، چشم انداز آینده بشر نویدبخش است یا خیر؟

وی در پاسخ به سوال دوم گفت: برای پاسخگویی

به این سوال باید راز اصلی عدم موفقیت احتمالی را بررسی کرده و سپس دید آیا مکاتب فلسفی قادر به پاسخگویی به این سوالات هستند یا خیر؟

وی در پایان سخنان خود خاطر نشان کرد: حکما همواره نسبت به صلح جهانی دغدغه مند بوده اند و فیلسوف خارج از توجه به جامعه پیرامون خود نمی توانند زندگی کنند.

دکتر داوری اردکانی:

فلسفه شرط زندگی انسانی است

دکتر داوری اردکانی در بیان دلایل اهمیت آموختن فلسفه گفت: فلسفه چیزی شبیه به هوای زندگی معنوی و شرط زندگی انسانی است.

دکتر رضا داوری اردکانی از اساتید برجسته فلسفه کشور در آیین گشایش همایش روز جهانی فلسفه ضمن ایراد سخنانی گفت: هنگامی که در مورد فلسفه و آینده صحبت می کنید باید ببینید شما از آینده چه می فهمیم و تلقی ما از فلسفه چیست. فلسفه و هر تفکری به طور کلی متعلق به آینده است. وی ادامه داد: برخی می پرسند فلسفه به چه کار می آید، این پرسش در فطرت اولیه و هنگام ترسیم تفکر عادی ما یک پرسش موجه است زیرا فلسفه کاربرد و مصرفی ندارد و پندار پرسشگر این است که شریف ترین چیزها آن است که به کار می آید و کاربرد خارجی دارد.

وی با تأکید بر اینکه پرسشگر حق دارد از کاربرد و جایگاه فلسفه در زندگی انسانی سؤال کند، گفت: باید به این ببینید شما که اگر تفکر نبود چه می شد؟ ما بسیاری از چیزها را مصرف می کنیم اما از اهمیت یا وجود آن مطلع نیستیم، فلسفه چیزی شبیه به هوای زندگی معنوی ما است در واقع فلسفه شرط زندگی انسانی است.

این استاد دانشگاه با تأکید بر اینکه تفکر با فلسفه متفاوت است، ادامه داد: برای اولین بار یونانیان از فلسفه سخن رانده اند اما پیش از یونان نیز انسان های متفکر وجود داشته اند و انسان یگانه موجودی است که با تفکر زندگی می کند.

داوری اردکانی با بیان اینکه دو زمان وجود دارد ادامه داد: یکی زمان فانی که که زمان حال است و دیگری زمانی که به آینده مربوط می شود. تفکر به زمان باقی تعلق دارد زیرا متفکران ماندنی هستند.

وی با بیان اینکه اگر پرسیده شود ریشه نظام کنونی عالم در کجاست، باید در پاسخ آن را به افلاطون و یونان بازگردانیم ادامه داد: افلاطون بنایی را بنیان نهاده که ۲۵۰۰ سال بعد یافته است البته نباید انتظار داشت تمام این ۲۵۰۰ سال صرفاً افکار افلاطون و ارسطو باشد.

این استاد دانشگاه با بیان اختلاف بسیار بین فلسفه مغربی و مشرقی اسلامی اظهار داشت: در دوره رنسانس برای گذشتن از تفکر عادی قرون وسطی به یونان رجوع می شود در واقع به گذشته ای رجوع می شود که هنوز آینده ای در آن جاری است.

وی با اشاره به اینکه معمولاً فلسفه را به فلسفه درست و فلسفه نادرست تقسیم می کنند، گفت: طبیعی است که هر یک از ما آرای را می پذیریم و اندیشه دیگری را رد می کنیم. فلسفه مجال نقد است اما نمی توان به کلی آن را نفی کرد. ما می توانیم به هر فیلسوفی اعتراض کنیم و وی را مورد نقد قرار دهیم.

این استاد دانشگاه با تأکید بر اینکه از قرن ۱۶ تا ۲۰ میلادی از چپستی فلسفه سؤال نشده است، گفت: دلیل آن این است که فلسفه در غرب وجود داشت اما به فعلیت تام نرسیده بود. در پاسخ به چپستی فلسفه نباید تعریف فلسفه را ارائه داد بلکه مراد وجود یا عدم وجود فلسفه است.

وی ادامه داد: در پاسخ به پرسش اهمیت فلسفه به قطعه ای از کتاب اخلاق لیکوماک ارسطو ارجاع می دهیم آنجا که از مطلبی نقل می کند که فارابی از آن به عنوان "فضایل چهارگانه" یاد می کند. این فضایل ۴ فضیلت نظری، عقلی، اخلاقی و عملی هستند که در ارتباط و پیوستگی با یکدیگر قرار دارند و استقلال ندارند. من به جای "فضیلت نظری"، تفکر را جایگزین می کنم.

دکتر داوری اردکانی افزود: اگر می پذیریم که هیچ چیزی در زندگی آدمی نمی یابیم که خارج از این ۴ فضیلت باشد بنابراین امکان ندارد فضیلتی رخ دهد مگر اینکه فضایل قبلی محقق شده باشد.

این استاد دانشگاه با تأکید بر اینکه فلسفه و اندیشه مسیری ۲۵۰۰ ساله را پیموده است، ادامه داد: اکنون باید به آن ببینید شما که کجا هستیم، این تفکر اگر آینده ما را نیز طراحی نکند تصویری در مقابل دیدگانمان قرار می دهد که برای ادامه زندگی لازم است.

وی در پایان سخنان خود خاطر نشان کرد: فیلسوفان، علم را قدرت می دانند و فیلسوفی سراغ نداریم که تفکر او به آینده مرتبط نباشد. طرح جامعه علمی توسط فیلسوفان مطرح شده است.

حضرت آیت الله سبحانی:

با تفرقه مرگمان قطعی است / جلوی واردات بی رویه گرفته شود

نجات در چنگ زدن به ریسمان وحدت است. این مرجع تقلید تصریح کرد: افراد وقتی لباس خدمت می پوشند باید غیر از کسانی باشند که در میدان سیاست هستند، در میدان سیاست تنها ایده خود را دارند، اما زمانی که لباس خدمت به مردم را بر تن کرده اند، باید نسبت به همه یکسان بنگرند. حضرت آیت الله سبحانی در ادامه سخنان خود تأکید کردند: باید در عرضه خدمات به فرهنگ اسلامی توجه شده و فرهنگ اسلامی بالا رود، در کنار خدمات انسانی خدمات فرهنگی عرضه شود.

این مرجع تقلید با بیان اینکه پیام ما را به دولت برسانید، اظهار داشت: باید جلوی واردات

مدیر رادیو معارف؛

مقابله با تحریف عاشورا بخشی از برنامه های رادیو معارف در ماه محرم است

برنامهٔ «ناصحان» به موضوع امر به معروف و نهی از منکر و بررسی عملکرد مسؤولان در بحث احیای امر به معروف و نهی از منکر پرداخت، همچنین برنامهٔ «علم هدایت» جلوه های هدایت گری قیام امام حسین را هر روز صبح به صورت زنده با حضور کارشناسان این حوزه تحلیل و بررسی می کند. وی خاطر نشان کرد: برنامه زنده «خیمه های عشق» به بررسی تاریخ واقعه عاشورا و شخصیت های این واقعه می پردازد، برنامه روایی نمایشی «مسافران بهشت» نیز به بررسی شخصیت های مثبت صحنه کربلا خواهد پرداخت.

مدیر رادیو معارف یادآور شد: با توجه به این که ادبیات و شعر عاشورا توأم با شور و شعور عاشورایی است و موجب زنده نگه داشتن یاد و نام عاشورا شده است، برنامه شور عاشورا هر روز از رادیو معارف پخش می شود، برنامه

سردار نقدی:

بسیج نیازمند هدایت حوزه است

های علمیه، به قوت دنبال می شود.

رئیس سازمان بسیج مستضعفان انقلاب اسلامی، خاطر نشان کرد: فعالیت های بسیج از بدو تأسیس تا کنون با پشتوانه مراجع معظم تقلید و حوزه های علمیه همراه بوده و همین امر یکی از عوامل اعتلای روز به روز بسیج از آغاز تا کنون بوده است و از این رو همواره این ارتباط را حفظ خواهیم کرد. وی گفت: بعد از جنگ تحمیلی با حفظ روحیه انقلابی بسیجیان که با حمایت های مراجع معظم تقلید و رهبر معظم انقلاب تحقق یافت، به راه خود که همان حفاظت از ارزش های انقلاب و اسلام است با قوت ادامه داده و خواهیم داد. سردار نقدی در تأکید بر لزوم تقویت هرچه بیشتر ارتباط بسیجیان با روحانیت و مراجع معظم تقلید، خاطر نشان کرد: باید ارتباط با روحانیت و

یک مرجع تقلید با بیان اینکه پیام ما را به دولت برسانید، اظهار داشتند: باید جلوی واردات بی رویه در کشور گرفته شود. اگر خواهیم در صنعت و تولید پیشرفت کنیم باید احساس فقر و نیاز در صنعت داشته تا تولید کنیم.

آیت الله جعفر سبحانی در دیدار با دبیر کل و جمعی از اعضای شورای مرکزی حزب موفتلفه اسلامی با اشاره به آیاتی از قرآن اظهار داشت: خداوند می فرماید جمعیتی که متفرق است مانند کسی است که در چاه بوده و مرگش قطعی است و برای نجات طنابی را می فرستیم تا نجات پیدا کند و چنگ به ریسمان خدا بزنید. ما هم جمعیتی هستیم که اگر متفرق باشیم مانند کسی که در چاه بوده و

مدیر رادیو معارف با اشاره به تحریف حادثه عاشورا در خارج از کشور گفت: بررسی علل قیام عاشورا و پیشگیری از تحریفات بخشی از مأموریت های کانال ندای اسلام به زبان انگلیسی است.

حجت الاسلام محمد لطفی نیاسر، مدیر رادیو معارف در نشست خبری با حضور خبرنگاران رسانه های گروهی برنامه های رادیو معارف، صدای فضیلت و فطرت، در ماه محرم الحرام را تشریح کرد.

وی با اشاره به این که رادیو معارف در ماه محرم الحرام در بخش فارسی زبان ۹ ویژه برنامه طراحی کرده است گفت: ویژه برنامه تجوای عاشقان «به ارائه زیارت های وارد شده درباره حضرت امام حسین(ع) و یاران گرامیشان می پردازد.

حجت الاسلام لطفی نیاسر اظهار داشت:

رئیس سازمان بسیج مستضعفان انقلاب اسلامی، گفت: رویکرد بسیج با توجه به شرایط روز و تهدید های فرهنگی موجود، خودسازی و تهذیب نفس است که در این زمینه نیازمند هدایت حوزه علمیه به ویژه مراجع معظم تقلید هستیم.

سردار محمدرضا نقدی در مورد تعامل بسیج با حوزه های علمیه، اظهار داشت: بحث حلقه های تربیتی بسیجیان در مساجد، مهمترین کاری است که پیوند بسیج را با مسجد و روحانیت تقویت می کند.

وی افزود: هدف از گروه های تربیتی در مساجد، برای آموزش معرفتی، بصیرتی و اخلاقی بسیجیان، زمینه سازی برای کادر سازی کل نظام و انقلاب و استمرار انقلاب در آینده است، که این کار در حال حاضر با همکاری روحانیت و حوزه

مدیر بخش خدمات فرهنگی مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی(نور) از تولید لوح فشرده دو زبانه مجموعه آثار حاج شیخ عباس قمی(ره) خبرداد.

وی گفت: از آنجا که مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی یکی از مراکز عضو ستاد برگزاری گنجره علمی حاج شیخ عباس قمی(ره)، می باشد، با همکاری کمیته علمی گنجره اقدام به تولید لوح فشرده مجموعه آثار و تالیفات ایشان نموده است. سید مهدی هاشمی ادامه داد: لوح

حضرت آیت الله مکارم شیرازی:

عده ای دنبال جدایی میان

مرجعیت و مردم هستند

حضرت آیت الله مکارم شیرازی در دیدار اعضای شورای مرکزی حزب موفتلفه اسلامی گفت: مرجعیت سنگری برای روزهای سخت است و باید این سنگر را برای همیشه حفظ کرد. عده ای در تلاشند مرجعیت را تضعیف کنند و میان مرجعیت و مردم جدایی بیندازند و خرافات را به جای مذهب به مردم عرضه کنند.

به گزارش ایسنا، این مرجع تقلید افزود: همه می دانیم تشکیل حکومت اسلامی در دنیای مادی امروز یک حرکت بر مسیر خلاف آب بوده است و خواهد بود، بنابراین همیشه باید منتظر مشکلات باشیم و این که در دنیای امروز فکر کنیم روزی برسد تا با هیچ مشکلی روبرو نباشد این انتظار بی جا است.

وی افزود: ان شاء الله زمانی برسد حضرت ولی عصر عجل الله تعالی فرجه ظهور کند و سلاح ها را کنار بزنیم اما در حال حاضر باید از نقشه های دشمن غافل نباشیم، زیرا دشمنان از تمام وسایل نظامی، تهدید، جنگ نرم استفاده می کنند و مانند شیطان دام های متعدد را ترسیم می کنند.

آیت الله مکارم شیرازی گفت: ایجاد اختلاف یک ابزار بسیار کهنه و سه هزار ساله است که فرعونیان از این ابزار بهره می گرفتند، امروز باید بسیار مراقب بود تا در دام دشمنان قرار نگیریم. وی تصریح کرد: باید تمام کسانی که وفادار به نظام، حکومت و اسلام هستند گردهم بیایند و از اختلاف دوری کنند، باید توجه داشته باشیم تا آنجا که می شود دعوت به وحدت کنیم. امروز وحدت در داخل و خارج کشور ضروری است و حتی باید با کشورهای اسلامی متحد باشیم تا دشمن نتواند از این طریق به ما ضربه بزند.

وی یادآور شد: امروز دشمن می خواهد جنگ داخلی در میان کشورهای اسلامی راه بیندازد و در حال حاضر با بسیج کردن وهابی های سلفی، کاری کرده اند که این گروه تندرو اسرائیل غاصب را با آن همه جنایاتی که انجام می دهد به فراموشی سپرده و به جان مسلمان و شیعیان افتاده اند و هر روز در گوشه و کنار جهان می بینیم که شماری از مسلمانان به دست وهابی های تندرو کشته می شوند.

حضرت آیت الله مکارم شیرازی افزود: به نظر می رسد دشمن از این طریق موفق شده و باید کاری کنیم که پرده ظلمت کنا رود و مسلمانان همدیگر را شناخته و با منطق با هم سخن بگویند.

وی افزود: اما باید سعی کنیم که بهانه دست کسی ندهیم، زیرا گاهی این بهانه های سبب اختلاف ها می شود. این مرجع تقلید خاطر نشان کرد: گاهی برخی مسائل مستقیم و یا غیر مستقیم با مسائل سیاسی ارتباط دارند، اما همان مسائل که مستقیم در ارتباط نیستند گاهی تبدیل به مسائل سیاسی می شوند که مسائل فرهنگی از جمله این موضوعات به شمار می آیند.

حضرت آیت الله مکارم شیرازی در بخش دیگری از سخنان خود با اشاره به تبلیغات دشمنان برای جدایی مرجعیت از مردم گفت: امروز باید اسلام اصیل را از نظر کارشناسان آن گرفت؛ اما عده ای در تلاشند مرجعیت را تضعیف کنند و میان مرجعیت و مردم جدایی بیندازند و خرافات را به جای مذهب به مردم قالب کنند؛ زیرا این مراجع تقلید هستند که در برابر خرافات می ایستند. وی خاطر نشان کرد: نهاد مرجعیت سنگری برای روزهای سخت است و باید این سنگر را برای همیشه حفظ کرد و باید اسلام ناب را از این مسیر داشته باشیم. آیت الله مکارم شیرازی در بخش دیگری از سخنان خود یادآور شد: متأسفانه گاهی در برخی رسانه ها مشاهده می شود دو فرد که با هم اختلاف دارند به یکدیگر همه نسبت ها را روانه می کنند در حالی که این رفتار مخالف دیدگاه قرآنی است و قرآن می فرماید، اگر با هم دشمن هم باشید، عدالت را رعایت کنید و هر نسبتی را به یکدیگر ندهید.

بی رویه در کشور گرفته شود. اگر خواهیم در صنعت و تولید پیشرفت کنیم باید احساس فقر و نیاز در صنعت داشته تا تولید کنیم. این تفکر درست نیست که ما نیازمند باشیم و کشورهای دیگر تولید کنند و ما تنها از تولیدات آنها استفاده کنیم، واردات بی رویه به اقتصاد ضربه می زند. ایشان در ادامه بیان داشتند: در تمام مسائل باید اسلام را حفظ و از فرهنگ اسلامی مراقبت کرد و در مقابل هجوم دشمنان در مسائل فرهنگی نباید عقب نشینی کرد بلکه در فرهنگ اسلامی باید استوار باشیم. باید جمعیتی وجود داشته باشد که کارش امر به معروف نهی از منکر و دعوت به خیر باشد.

«حسینیّه» نیز یک هیأت رسانه ای است که هر شب از رادیو معارف پخش می شود. حجت الاسلام لطفی نیاسر اظهار داشت: درباره حادثه عاشورا با تحریفات شکلی و محتوایی رو به رو هستیم.

وی با بیان این که تحریف در روضه ها نمونه ای از تحریفات شکلی است، تأکید کرد: ما موظف هستیم برای پاسخ به این تحریفات مباحث روایی و تاریخی را به صورت گسترده تولید و پخش کنیم.

مدیر رادیو معارف تصریح کرد: تحریف در پیام عاشورا نیز وجود دارد، به صورت مثال تحریفی که در مسیحیت در مورد به صلیب کشیده شدن حضرت مسیح(ع) و فدا شدن او برای آموزش گناهان مردم وجود دارد به واقعه عاشورا نیز تسری داده شده است.

حوزه های علمیه را بیش از پیش تقویت کنیم، چرا که با توجه به شرایط امروز جامعه این ارتباط ضرورتش بیشتر آشکار شده است.

وی افزود: البته نهاد نمایندگی ولی فقیه و تشکل طلاب بسیجی که یک تشکل بسیار عظیم در سازمان بسیج مستضعفین است، فعالیت های خوبی داشته و تقویت این ارتباط و کسب نظرات راهبردی از مراجع معظم تقلید، بیش از پیش احساس می شود و به همین دلیل باید ارتباط مداوم بسیج با نهاد هایی چون جامعه مدرسین ایجاد شود. رئیس سازمان بسیج مستضعفان انقلاب اسلامی، در پایان گفت: رویکرد بسیج با توجه به شرایط روز و تهدیدهای فرهنگی موجود، خودسازی و تهذیب نفس است که در این زمینه نیازمند هدایت مراجع تقلید و علما هستیم.

تولید لوح فشرده مجموعه آثار محدث قمی(ره)

فشرده مجموعه آثار محدث قمی شامل بیش از ۵۰ جلد کتاب در ۲۵ عنوان است که ۱۱ آذرماه، همزمان با برگزاری گنجره عرضه شد.

وی اظهار داشت: کلیات مفاتیح الجنان، منتهی الامال فی تواریخ النبی والال، مستدرک سفینه البحار، الانوار البهیة فی تواریخ الحج الالهیه، نغایة القصوی فی ترجمه العروه الوثقی و... از جمله کتب موجود در این لوح فشرده است.

وی در بخش دیگری از سخنان خود به موضوعات متنوع این لوح گرانشنگ اشاره کرد

گزارشی از ماجرای ترجمه کتاب "صوت العدالة الانسانیة" در ایران

نوای عدالت بشری در ایران

شرح کتاب و معرفی جرداق می پردازد که توسط انتشارات "در راه انقلاب فکری اسلامی" منتشر می شود. بعد از آن آقای خسروشاهی نامه ای به آیت الله محمد باقر صدر می نویسد و کتاب را برای ایشان می فرستند. ایشان هم با تأیید کتاب، ترجمه آن را منوط به ارائه توضیحاتی در باب کتاب و در کلیت مطالب می کند. بعد از آن آقای خسروشاهی در سال ۱۳۳۸ شروع به ترجمه هر پنج جلد "صوت العدالة الانسانیة" می کند. البته قبل از شروع آن طی نامه ای به جرداق از او اجازه می گیرد و جرداق هم در جواب برای او می نویسد: "... اجازه خواستید که هر پنج جلد کتاب مرا به زبان فارسی ترجمه کنید. من این اجازه را به شما می دهم و امیدوارم که در ترجمه آن دقت لازم به عمل آید...."

از آن موقع که آقای خسروشاهی ترجمه کتاب را آغاز کرد و در اولین گام، قسمت هایی از کتاب در همان سال ۱۳۳۸ در هفته نامه های تهران مثل وظیفه، ندای حق و... منتشر شد ولی بعد از آن، دیگر امکان انتشار مطالب عملا از بین رفت و ترجمه تا سال ۱۳۴۴ به کما رفت!

همان سال مدیر انتشارات فرهانی به ایشان پیشنهاد می کند که کتابش را منتشر کند. آقای خسروشاهی شروع می کند به جمع کردن ترجمه و بعد از مدتی جلد اول را به صورت کامل به پایان می رساند و طبق نظر آیت الله سید محمد باقر صدر و در بعضی از مواردی که لازم بود، پاورقی هایی به کتاب اضافه می کند.

استاد خسروشاهی در مورد ترجمه کتاب می گوید: "در ترجمه کتاب سعی کردم که از متن عربی کتاب خارج نشوم و همین مقید بودن به ترجمه "غیر آزاد" شاید در بعضی از موارد، سلیس بودن عبارات را از بین برده است که ظاهراً حفظ امانت در ترجمه، نقص آن را جبران خواهد کرد!"

جلدهای دوم و سوم کم کم ترجمه شدند اما در زمان رژیم طاغوت، گرفتن مجوز به خاطر پاورقی ها، دشواری هایی به وجود آورد و در مواردی هم با حذف آنها همراه بود.

بعد از انقلاب هم، جلدهای چهارم و پنجم کتاب ترجمه و منتشر شدند و به این ترتیب داستان ترجمه انتشار "صوت العدالة الانسانیة" هم در ایران به پایان می رسد.

محسن قرلی

از سخنان حضرت علی(ع) که نویسنده لبنانی استفاده کرده و جنبه های چپ گرایی و سیستم سوسیالیسم را با آن تطبیق داده و تذکر داده بود که یک جلد آن را نویسنده مستقیماً برای صدر بلاغی فرستاده که به فارسی ترجمه کند....

این مسأله آن قدر برای رژیم مهم بوده که خود شاه هم این سند را مطالعه کرده بود و دستور داده بود که فوراً و دقیقاً تحقیق شود. سرهنگ پژمان درباره بازداشت او می نویسد: "موضوع و مطلب را بدون هیچ گونه حشو و زوایدی به او گفتم. (صدر بلاغی) جواب داد: در اختیار شما هستم. کتاب و ترجمه ها را جمع کردم و در کیفی گذاشتم و راه افتادم."

بعد از بازداشت صدر بلاغی و توقیف کتاب و ترجمه آن، یک شب ایشان را در ستاد رکن ۲ نگه داشتند و بعد از اینکه سرهنگ پژمان گزارشش را درباره کتاب و آیت الله می گوید، بختیار به او دستور می دهد که از او تعهد بگیرید که در طول مدت ترجمه حق ندارد رونوشت به کسی بدهد بعد از ترجمه کامل به شما خبر بدهد تا دستور بدهم چه باید بکنید. کتاب و ترجمه را به او تحویل بدهید."

البته خود آیت الله صدر بلاغی در گفتگویی با استاد خسروشاهی می گوید: "من یادم نمی آید که تعهدی داده باشم."

رژیم، به آیت الله صدر بلاغی گفته بود که بعد از ترجمه آن را به ما بدهید تا ما زودتر اجازه انتشار آن را بگیریم. بعد از اینکه ترجمه کتاب تمام شد، صدر بلاغی کتاب را به آنها می دهد و قرار می شود بعد از یک هفته آن را دوباره به ایشان تحویل دهند. خود آیت الله صدر بلاغی درباره سرنوشت ترجمه اش می گوید: "مدتی گذشت و خبری نشد بعد من زنگ زدم که آن کتاب چه شد؟ پاسخ دادند که بررسی تمام نشده هر وقت تمام شد، خودمان خبر می دهیم. هیچ وقت هم البته خبری ندادند. به هر حال اصل ترجمه ما یا از بین رفت یا اینکه در پرونده ام در ساواک است."

داستان ترجمه تمام می شود

اولین قدم محکمی که بعد از آیت الله صدر بلاغی برای ترجمه کتاب "صوت العدالة الانسانیة" برداشته شد، توسط آقای سید هادی خسروشاهی صورت گرفت. وی برای اولین بار در کتابی به

هزینه شخصی منتشر می کنم."

این طور شد که "صوت العدالة الانسانیة" برای اولین بار در بیروت و آن هم توسط مسیحیان منتشر شد. بعد از انتشار این کتاب در بیروت رئیس یک انتشارات عراقی به نام "قاسم رجب" این کتاب را به عراق برد و بعد از اینکه آن را دور حرم حضرت امیر(ع) طواف داد، چاپ کرد و بارها هم این کتاب تجدید چاپ شد. البته بدون اجازه من.

ترجمه ناکام

داستان ترجمه و چاپ "صوت العدالة الانسانیة" در ایران هم برای خودش ماجرابی دارد. بعد از انتشار این کتاب و موفقیت آن و استقبال گسترده در بین مسلمانان، آیت الله بروجردی در نامه ای خطاب به علامه صدر بلاغی می نویسد: "فعلاً نسخه ای که از کتاب جورج جرداق فرستاده بودید خود شخص مرقوم در ماه رمضان گذشته نسخه ای از آن کتاب به عنوان هدیه برای حقیر فرستاده... حقیر، مقداری که وقت مساعدت می کرد مطالعه کرده ام، کتابی است مفید و ممکن است گفته شود که در موضوع خود عادم النظیر است."

آیت الله بروجردی در ادامه نامه خود از اعلام آمادگی بازاریان تهران برای چاپ این کتاب بعد از ترجمه آن، می گوید و خطاب به صدر بلاغی می نویسد: "بنابراین گمان می کنم مقتضی است یا خود جناب مستطاب عالی یا دیگری را وادار کنید که ترجمه شود."

رژیم شاه و کتاب

بعد از این بود که استاد صدر بلاغی بنا به دستور آیت الله بروجردی شروع کرد به ترجمه کتاب "صوت العدالة الانسانیة" ولی این تازه اول ماجرا بود. همزمان با ترجمه کتاب یک روز مأموری با جیب ارتشی جلوی در خانه صدر بلاغی می ایستد و آیت الله، کتاب و ترجمه آن را با خود به مکانی نامعلوم می برد. آن مأمور که سراغ صدر بلاغی آمده بود، سرهنگ پژمان بوده که در کتاب خاطرات خود درباره کتاب "صوت العدالة الانسانیة" توضیح داده.

او در بخشی از خاطرات خود می نویسد: "تیمور بختیار یک برگ کاغذ به من داد که نامه ای بود از طرف یکی از دوستانش که از لبنان برای او فرستاده شده بود. نامه راجع به موضوع کتابی بود

"صوت العدالة الانسانیة" وقتی که برای اولین بار چاپ شد... تنها خلاصه ای از پنج جلد کتاب بود. همین خلاصه خیلی در دنیا و به خصوص جهان اسلام جریان ساز و معروف شد. در حقیقت جرداق با نوشتن این پنج جلد به نوعی به واکاوی دیدگاه های امیرالمؤمنین(ع) درباره عدالت اجتماعی و نوع برخورد و شیوه حکومت حضرت می پردازد و با بررسی تطبیقی دیدگاه های حضرت علی(ع) با فلاسفه و اندیشه های غربی و... سعی در نشان دادن عظمت افکار علی(ع) دارد. البته خود جرداق در صحبتی می گوید که همچنان در تجزیه و تحلیل عظمت حضرت علی(ع) قصور دارم هرچقدر هم که نه تنها من بلکه نویسندگان دیگر هم بخواهند و تمام تلاش خود را به کار بندند باز هم نمی توانند تحقیق کاملی درباره شخصیت یک انسان عادی به عمل آورند، تا چه رسد که این انسان علی بن ابیطالب باشد."

غرق دریای نهج البلاغه

وقتی که بچه بود از مدرسه فرار می کرد و در کنار چشمه های روستایش، نهج البلاغه می خواند و در آن غرق می شد. همیشه مدرسه از او ناراضی بود ولی تنها کسی که از او حمایت می کرد برادرش فؤاد بود.

نهج البلاغه با تمام ویژگی هایش چنان او را محسوس کرده بود که شروع کرد به مطالعه عمیقی درباره امیرالمؤمنین(ع). تحقیق مفصلی کرد و از طه حسین تا عالمان شیعی هر کتابی که مربوط به حضرت امیر(ع) بود را خواند. در اثنای آن متوجه شد که بحث، بیشتر روی ولایت حضرت و اثبات و عدم اثبات آن است و اصلاً درباره شخصیت عظیم ایشان صحبت نشده. به خاطر همین دوباره به روستایش (مرجعیون) برگشت و شروع کرد به واکاوی شخصیتی بزرگ به نام علی بن ابی طالب(ع) تا کتابش درباره حضرت علی(ع) به نام "آلامام علی، صوت العدالة الانسانیة" را نوشت.

او درباره انتشار کتابش می گوید: "همین طور که داشتم کتاب را می نوشتم، سردبیر مجله الرساله آمد و خواست که کتاب را شماره به شماره منتشر کند. مخالفت کردم ولی آن قدر اصرار کرد که بالاخره دو قسمت از کتاب را به او دادم تا چاپش کند. بعد از اینکه این دو قسمت منتشر شد، رئیس راهبان کرملیه آمد پیشم و گفت: "من این کتاب را با

چرا نمی توانیم از امام حسین(ع) یک اسطوره جهانی ارائه بدهیم؟

وقتی پس از انقلاب اسلامی، ادبیات شیعه، ادبیات مبارزه علیه ظلم و استبداد و ستمگری شد، جاذبه یافت. اینها ارزش های جهانی است. اگر همان رویه به صورت فکری تبیین می شد و دشمنان ما را به افراط نمی کشاندند، می توانستیم قلب های بیشتری را فتح کنیم. هرچه اندیشه های شما به قلب مشترک بشر "نزدیک تر باشد، فاصله شما با ادبیات جهانی بیشتر خواهد شد. امام حسین(ع) چه چیز از یک اسطوره کم دارد؟ معلوم است که نیازی به تاریخ سازی نیست، واقعیت کربلا، امام حسین(ع) را در حد بزرگ ترین اسطوره های بشری قرار می دهد. مهم آن است که ما آن را از شرایط خاص قومی و فرقه ای مجرد کنیم. شما همه شرایط را برای بسط دادن یک اندیشه و رفیق کردن و خویشاوند کردن آن با دیگران در نظر بگیرید. بحث من تغییر دادن محتوا نیست، بلکه می گویم همه آنچه یک اثر را می تواند مورد توجه قرار دهد، هم محتوای آن است و هم بسته بندی.

جاذبه های هنری آن را بیان کنیم می توانیم انتظار داشته باشیم که اثر ما نزدیک به ادبیات جهانی شود.

وقتی در لبنان یک مسیحی درباره امام حسین(ع) می نویسد و اثرش جهانی می شود به خاطر رعایت معیارهای جهانی است اما ما در داخل، حتی دانسته ها و احساسات مخاطبان جوان خودمان را هم رعایت نمی کنیم و خودمان به دست خودمان آنچه برایمان می تواند منبع زایش اندیشه در مقیاس جهانی باشد، در حد یک فرقه مذهبی تنزل می دهیم.

تازه همانجانبز همدیگر را متهم می کنیم که از اصل فاصله گرفته ایم و منحرف شده ایم! ببینید تشیع یک حقیقت دارد اما صورتی که شما از آن در ایران ارائه می دهید، با آنچه باید در سطح جهانی برای درک جهانیان ارائه شود، متفاوت خواهد بود. نمی شود با ادبیات فرقه ای، تشیع را در جهان بسط داد. اگر همان وضعیت قبلی را نگه دارید، خیلی هنر کرده اید.

چند در داخل کشور موفق باشید. مثلاً بگویید یزید شرابخوار بود یا با سگ بازی می کرد؛ این اهمیتی برای مخاطب جهانی شما که به اینها عادت کرده، ندارد. اما اگر یک چهره آزادخواه از امام حسین(ع) ترسیم شد و بر اساس اندیشه های عقلایی مقبول میان بشر، هدف از قیام او برای مبارزه با استبداد شرح داده شد، آنگاه است که می توانیم به معیارهای جهانی برسیم.

تازه این را باید در کنار استانداردهای نگارش به لحاظ شکلی هم قرار داد و با در نظر گرفتن همه اینها، یک نثر خوب، با تعبیر زیبا و ادیبانه، با خلاقیت های هنری در امر نگارش پدید آورد. آن وقت است که ما می توانیم اثرمان را به ادبیات جهانی نزدیک کنیم.

مردم دنیا در هر شرایطی اسطوره های انسانی والامقام می خواهند، اگر در تبیین شخصیت امام حسین(ع) این اصل را مراعات کنیم و از حضرتش چنان که بهترین ها را دارد، یک اسطوره برای جهانیان بسازیم و با زبان و ادبیات نوین و

حجت الاسلام والمسلمین رسول جعفریان نویسنده، محقق و تاریخ پژوه، در یادداشتی، این پرسش را مطرح می کند که "چرا نمی توانیم از امام حسین(ع) یک اسطوره جهانی ارائه بدهیم؟" پاسخ او به این پرسش و تحلیل وی را در زیر بخوانید.

چرا آثار معاصر ایرانی از نفوذ جهانی کمتر برخوردار است؟ آیا سیر اندیشه ما نزولی شده است یا سرعت صعود ما کاهش پیدا کرده است؟ نمی توان معیارهای جهانی یا مفاهیم جهانی را در نگارش و تمایلات عمومی ملت ها در نوشتن اثری یا پدید آوردن فیلمی نادیده گرفت. در مفاهیم هم محتوا مهم است، هم شکل و هم ترکیبی از آنها. ما در نوشته هایمان تنها معیارهای داخلی خودمان را در نظر داریم.

برای نمونه، شما در ارتباط با قیام عاشورا اگر علت قیام امام حسین(ع) بر حکومت یزید را به دلیل برخی از رفتارهای ظاهری یزید بدانید که امروزه انجام آنها در دنیا عادی است، نمی توانید اندیشه حسینی را به ملت های دیگر منتقل کنید، هر



▲ از راست: دکتر دینانی، استاد خسروشاهی، شهید آیت الله حکیم، حجت الاسلام دکتر احمدی، جورج جرداق، حجت الاسلام مهاجری، حجت الاسلام دعایی

دارند و حتی یکی از این بزرگان کتابی در ۳۲ جلد درباره آن حضرت تالیف کرده است و یا شخصیتی مانند علامه حلی کتاب "الفین" را با نقل هزار دلیل عقلی و هزار دلیل نقلی، درباره اولویت علی(ع) بر امامت و خلافت تالیف نموده است که در اختیار همگان قرار دارد، اما جرج جرداق در کتاب خود نه از آن کتاب ۳۲ جلدی و نه از دو هزار دلیل عقلی و نقلی شیخ حلی استفاده نکرده است، بلکه او با عشق و علاقه ویژه خود به امام، کوشیده است که علی علیه السلام را آنگونه که هست بشناسد و بشناساند و اندیشه‌های او را در اختیار نسل جوان معاصر عرب و مسلمان قرار دهد.

بنابراین بیان اصولاً نمی‌توان درباره این کتاب و آثار و مؤلفات بسیاری که در طول صدها سال گذشته از سوی شخصیت‌های برجسته شیعه و سنی و یا غیر مسلمان، تألیف و منتشر شده است، مقایسه‌ای به عمل آورد. چون جرج جرداق، کاشف امام علی علیه السلام است، یعنی در واقع علی(ع) را پس از هزار و چهار صد سال، از نو شناخته و آنگاه به معرفی آن پرداخته است.

مطالبی را که او با استفاده از مفاهیم بیانات علوی درباره: مردم و جامعه، استثمار و استعباد انسان، حقوق اساسی بشر و ضرورت برقراری حکومت عدل و قسط و تقسیم عادلانه ثروت و منابع طبیعی جهان، بین ابناء بشری و... کشف و بیان کرده است، برای ما و نسل امروز قابل فهم تر و آشناتر است... نیم قرن پیش، متأسفانه این حقایق را حمل بر اندیشه‌های مارکسیستی نمودند، در حالیکه این لب حقایق تعلیمات مکتب علوی است.

جنابعالی در مورد نخستین تالیف تک جلدی جرج جرداق چه اقدامی کردید یا چرا آن را ترجمه نمودید؟

البته محتویات کتاب نخستین و تک جلدی جرج جرداق درباره امام علی علیه السلام، در واقع در مجموعه پنج جلدی بطور میسوط تر و مشروح تری آمده است... و اتفاقاً بنده در یکی دو سال اخیر با توجه به نیازی که نسل جوان که به یک کتاب مختصر دارند تا مطالعه آن برای آن‌ها امکان پذیر و آسان باشد... باین کار پرداختم یعنی به تنقیح و تکمیل ترجمه آن نسخه تک جلدی، اقدام نمودم که با ویرایشی نو، از سوی موسسه "بوستان کتاب" قم، در ۷۰۰ صفحه به چاپ رسید و در طول این مدت کوتاه، تاکنون سه بار تجدید چاپ شده است.

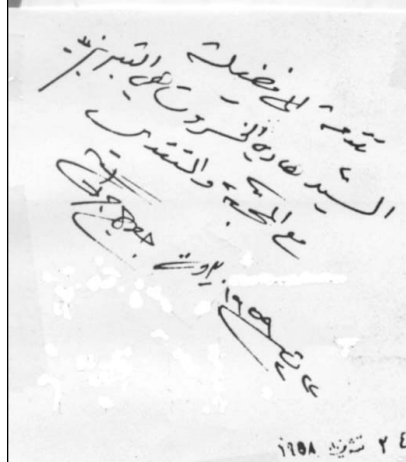
البته فکر می‌کنم که مطالعه ۲۵۰۰ صفحه را ندارند. سودمند باشد.

با تشکر از شما که فرصت این گفتگو را درباره کتاب امام علی، صدای عدالت انسانی، فراهم آوردید.

شدن وضعیت خواهد کرد.
در پایان سلامت و توفیق آن جناب را در نشر حقایق، از خدای کریم مسئلت دارم، و به دیدار آن بزرگوار بسیار مشتاقم.

و السلام علیکم و رحمة الله و برکاته
ارادتمند صدر بلاغی
اگر بخواهید مقایسه ای بین این کتاب و سایر کتاب‌هایی که در مورد حضرت امیر نوشته شده بکنید، نتیجه چه خواهد شد؟

اجازه بدهید پاسخ این سؤال شما را از قول مرحوم علامه شیخ محمد جواد مغنیه از علمای



▲ تقدیم به جناب سید هادی خسروشاهی تبریزی با احترام و تقدیر - بیروت - جورج جرداق ۱۹۵۹/۲/۲۲ م (سال انتشار نخستین امام علی علیه السلام)

برجسته لبنان که خود تألیفات بسیاری، از جمله در شرح نهج البلاغه دارد، نقل کنم.

علامه مغنیه در اواخر که در اواخر عمر خود در حوزه علمیه قم مقیم شده بود، روزی در پاسخ اینجناب در رابطه با کتاب جرج جرداق و تألیفات دیگران، گفت: "... علمای بزرگ شیعه و سنی تألیفات و آثار بسیاری درباره امام علی علیه السلام

نامه آیت الله بروجردی به ایشان و نامه آقای بلاغی به اینجناب، آورده ام. و از آنجا که نامه آیت الله بروجردی یک سند تاریخی است، نخست متن نامه ایشان به مرحوم صدر بلاغی را در اینجا نقل می‌کنم.

بسم الله الرحمن الرحيم
به عرض عالی می‌رساند مرقوم محترم واصل و از محتویات آن مستحضر شدم. امیدوارم زحماتی که در راه نشر معارف الهیه و تالیف کتب مفیده متحمل شده‌اید مورد استفاده عموم و مقبول صاحب شریعت مقدسه باشد.

سابقاً نسخه ای هم از کتب خودتان فرستاده بودید مقداری از آن را ملاحظه نمودم گمان می‌کنم برای جوانان از ذکور و اناث مفید باشد. فعلاً نسخه‌ای که از کتاب جرج سجعان جرداق فرستاده بودید. خود شخص مرقوم در ماه رمضان گذشته نسخه‌ای از آن کتاب به عنوان هدیه برای حقیر فرستاده و مکتوبی هم که حاوی سبب تألیف کتاب و زحماتی که متحمل شده، نوشته بود. حقیر مقداری که وقت مساعدت می‌کرد، مطالعه کرده‌ام، کتابی است مفید و ممکن است گفته شود که در موضوع خود عادم النظیر است. روز عید اضحی جماعتی از تجار طهران به وشوه آمدند و حقیر این موضوع را مذاکره کردم.

جناب عمدة الاعیان آقای حاج حسین آقا شالچیلار اظهار میل کرد که اگر ترجمه شود این کتاب به فارسی، ما در طبع آن حاضر هستیم. لذا گمان می‌کنم مقتضی است یا خود جناب مستطاب عالی یا دیگری را وادار نمایند که ترجمه شود. پس از ترجمه وسایل طبع آن از این طریق و یا غیر این طریق فراهم خواهد شد. امیدوارم خداوند عزشانه موجب آسایش جناب مستطاب عالی را فراهم فرماید. مرجو آن که در مواقع توجه، حقیر را فراموش نفرمایید.

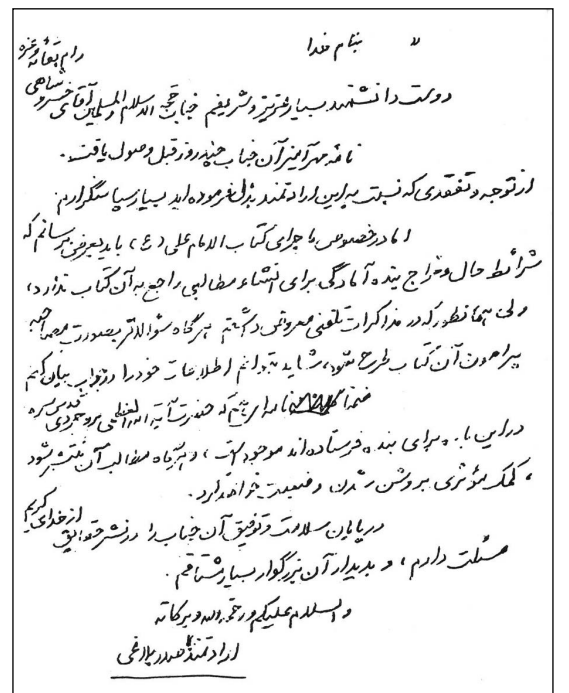
و السلام علیکم و رحمة الله و برکاته ۱۸ محرم ۱۳۷۶ حسین الطباطبائی.

استاد صدر بلاغی می‌گفت: من در واقع به دستور آیت الله بروجردی به ترجمه کتاب پرداختم و قسمت عمده آن را هم آماده کرده بودم که رژیم ضد فرهنگ از آن آگاه شد و روزی مأموری به منزل من آمد و هم ترجمه کتاب و هم مرا بخود به ساواک برد که البته من آزاد شدم ولی کتاب توقیف شد! اما متن نامه آقای صدر بلاغی به اینجناب، به عنوان سندی در این زمینه به قرار زیر است: به قرار زیر است:

بنام خدا
دوست دانشمند بسیار عزیز و شریف جناب حجت الاسلام و المسلمین آقای خسروشاهی - دام بقائه و عزه -

نامه مهرآمیز آن جناب چند روز قبل وصول یافت. از توجه و تفقدی که نسبت به این ارادتمند بذل فرموده اید بسیار سپاس گزارم. اما در خصوص ماجرای کتاب الامام علی علیه السلام باید به عرض برسانم که: شرایط حال و مزاج بنده آمادگی برای انشای مطالبی راجع به آن کتاب ندارد، ولی همان طور که در مذاکرات تلفنی معروض داشتم هرگاه سؤالاتی به صورت مصاحبه پیرامون آن کتاب طرح شود، شاید بتوانم اطلاعات خود را در جواب بیان کنم. ضمناً نامه‌ای هم که حضرت آیت الله العظمی بروجردی در این باره برای بنده فرستاده اند موجود است، و هرگاه مطالب آن منتشر شود، کمک مؤثری به روشن

ساخت... و من هم در سال ۱۳۳۸ تصمیم گرفتیم که هر پنج جلد را ترجمه و منتشر سازم و به همین منظور از مؤلف محترم اجازه ترجمه آن را خواستم که طی نامه ای - به همراه مختصری از شرح حال و عکسی از آن دوران - موافقت خود را اعلام نمود، ولی بعلت سنگینی مطالب و ادبیات بکار رفته در کتاب و جو حاکم بر حوزه ها، فقط بخش‌هایی از جلد اول آن که توسط این جانب ترجمه شده بود در مطبوعات مذهبی قم و تهران - هفته نامه‌های: استوار، ندای حق، وظیفه - منتشر گردید... و همین امر موجب شد که شخصیت‌های محترم و برجسته‌ای مانند شهید آیت الله سید محمد باقر صدر و بعضی از بزرگان حوزه علمیه قم، ضمن تقدیر از اقدام بنده بر ترجمه کتاب، تذکر دهند که اگر در مواردی، مطالبی بر خلاف مسائل مسلمة اسلامی باشد، در پاورقی‌ها توضیح دهم و آن نکات را یادآوری کنم که این خود خدمت بزرگی است... البته من نیز چنین کردم و از سال ۱۳۴۰ به بعد به تدریج به ترجمه کامل همه مجلدات پنج گانه با رعایت نظریات متین اساتید معظم، اقدام کردم و توضیحات مفیدی بر آن افزودم که بعلت کثرت و وسعت آنها، کتاب در شش جلد منتشر گردید که در



▲ متن نامه استاد صدر بلاغی...

واقع یک جلد آن اضافات اینجناب بود. خوشبختانه در سال‌های اخیر و پس از ویرایشی جدید، کتاب در پنج جلد و ۲۵۰۰ صفحه و بارها، تجدید چاپ شده و در دهها هزار نسخه در اختیار علاقمندان قرار گرفته است.

در مسیر ترجمه کتاب از تجربیات مرحوم صدر بلاغی هم استفاده کردید؟

البته من آشنائی دیرینه ای با خطیب توانا و محقق عالقدر، استاد بزرگوار مرحوم سید صدر الدین بلاغی داشتم و چون ایشان در ترجمه کتاب تک جلدی، پیشگام بود، از ایشان خواستم که شرحی درباره ماجرای توقیف و مصادره ترجمه خود بنویسند و همراه نامه آیت الله بروجردی، به اینجناب بفرستند تا در مقدمه چاپ پنج جلدی کتاب، آن را بیاورم، ولی ایشان طی نامه ای ضمن ابراز خوشحالی از اقدام بنده به ترجمه مجموعه کامل کتاب، یادآور شدند که به علت کسالت، مقدورشان نیست که چیزی بنویسند اما بطور حضوری می‌توانند مطالب را بیان کنند...

این بود که من به تهران آمدم و خدمت ایشان رسیدم و در این زمینه گفتگویی داشتیم که من خلاصه آن را در مقدمه چاپ جدید کتاب، همراه

درپاسداشت سالروز عروج جهادگر سترگ شهید سید عبدالحسین واحدی

خروش آوریداری

شاهدتوحیدی

رزم آرا تا سه روز دیگر استعفا ندهد، فدائیان اسلام، او را از صحنه روزگار محو خواهند کرد. این گردهمایی عظیم و سخنرانی مطول و مبسوط شهید واحدی، مانند بمب در تهران صدا می کند و حالا دیگر همه منتظر دگرگونی های اساسی هستند. برخی احتمال می دهند که رزم آرا استعفا بدهد، اما هیچ کس نمی داند که روزگار، آستان چه حوادث عظیمی است. حوادثی که تاریخ معاصر ایران را بکلی دگرگون می سازد و فصل جدیدی را در روند مبارزاتی آن می گشاید.

در سال ۱۳۳۴ و در زمان نخست وزیری حسین علاء، پیمانی منطقه ای در خاور میانه، به نام بغداد منعقد می شود که بعدها پیمان نظامی - اقتصادی سنتو نام می گیرد. فدائیان اسلام و شخص شهید نواب به این نتیجه می رسند که با امضای این پیمان، منافع امت اسلام و کشورهای اسلامی به مخاطره می افتد، از همین رو، تصمیم می گیرد حسین علاء را که قرار بود از سوی ایران در این اجلاس شرکت کند، ترور کنند. در آبان همان سال، مصطفی کاشانی، فرزند آیت الله کاشانی که نماینده مجلس بود، درگذشت و دولت طی اعلامیه ای رسمی، در مسجد شاه، مجلس ختمی را برگزار کرد. حسین علاء هم قرار بود در این مجلس شرکت کند. شهید نواب به مظفر علی ذوالقدر مأموریت می دهد که او را به قتل برساند. ذوالقدر در مسجد شاه، او را هدف گلوله قرار می دهد، اما نخست وزیر، از این واقعه جان به در می برد. ذوالقدر دستگیر می شود و در اثر اعترافات او، اغلب اعضای برجسته و کادر رهبری فدائیان اسلام هم دستگیر می شوند. شهید عبدالحسین واحدی به دنبال تکمیل مأموریت ذوالقدر به اهواز می رود، اما در آنجا شناسایی و دستگیر و به تهران اعزام می شود.

در تهران شهید واحدی در دفتر بختیار و با کلت کمری سپهبد آزموده، توسط او به شهادت می رسد، اما رژیم این گونه وانمود می کند که او در هنگام انتقال از اهواز به تهران، قصد فرار داشته و به ایست مأموران توجه نکرده و به ضرب گلوله از پای درآمده است.

شهید عبدالحسین واحدی، اسطورهٔ مهربانی و شجاعت و عبادت بود. او که در مصاف با خصم، لحظه ای تردید به خود راه نمی داد و شجاعانه بر مواضع اعتقادی خود پای می فشرده، به هنگام نماز سخت گریه می کرد و گاهی از هوش می رفت. او در شجاعت، یگانه بود و می گفت: "ما مسلسل ها را می جویم و تفاله آن را بیرون می ریزیم. ما غلام حلقه به گوش کسانی هستیم که احکام اسلام را اجرا می کنند."

عده ای دیگر، ظاهراً آبرویی برای خود دست و پا کند که عملاً از انجام این کار باز می ماند.

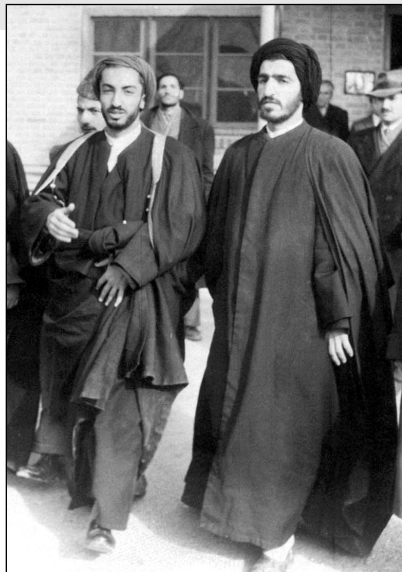
پس از آنکه هژیر به دست شهید سید حسین امامی از بین می رود و شهید امامی اعدام می شود، مبارزات آیت الله کاشانی و جبهه ملی علیه شرکت نفت انگلیس به اوج خود می رسد. شهید واحدی احساس می کند که حضور او در تهران، ثمربخش تر خواهد بود، از این رو از قم عزیمت می کند و در کنار شهید نواب صفوی و سایر فدائیان اسلام، به مبارزه می پردازد. شهید نواب به درایت، توانایی و قدرت استدلال شهید واحدی، ایمان وافر داشت و در کارها و تصمیمات بزرگ پیوسته با او مشورت می کرد. او حتی هنگام مصاحبه با خبرنگارهای خارجی و داخلی، از استعداد و اندیشه های واحدی بهره می برد و گاهی به دیگران می گفت که پاسخ سئوالا نشان را از او بگیرند. شهید عبدالحسین واحدی مردی خوش چهره و خوش سخن بود و در اغلب گردهمایی های فدائیان اسلام، این او بود که سخنرانی می کرد و هنگامی که نواب در زندان بود، تظاهرات به راه می انداخت و مردم را تهییج می کرد تا آزادی او را بخواهند. او در واقع مدیر برنامه های فدائیان اسلام بود و گروه های مختلفی، از جمله گروه تحقیق و بررسی اخبار را راه اندازی کرده و گروهی به نام مأمورین انتظامات را تشکیل داده بود. این گروه لباسهای یکرنگ و بازوبند سبز رنگی داشتند که روی آن شعار لاله الاله نوشته شده بود و کلاه های پوستی بر سر می گذاشتند.

روز یازدهم اسفند ماه ۱۳۲۹، فدائیان اسلام، گردهمایی سرنوشت ساز خود را اعلام و از مردم، ارتش، ژاندارمری و شهربانی برای شرکت در این گردهمایی دعوت می کنند. شهید عبدالحسین واحدی، در جلوی مسجد شاه و در برابر چشم های نگران و منتظر مردمی که به شوق دستیابی به عدالت و کرامت جمع شده اند، بالحنی متین و کلامی متفن، بیش از دو ساعت سخنرانی می کند و جنایت ها و خیانت های خاندان پهلوی را در ظرف سی سال حکومتشان برمی شمرد و دولت انگلستان، شوروی و آمریکا را به مداخله در امور داخلی ایران محکوم می کند. او فریاد برمی آورد که نفت ایران متعلق به ملت ایران است و هیچ بیگانه ای حق تصرف در آن را ندارد. او با صدای رسا اعلام می دارد که نمایندگان مجلس شورای ملی، مسند نمایندگی را غصب کرده اند و نماینده حقیقی مردم ایران نیستند، دولت رزم آرا غاصب و فرمایشی است و آگاهی به احکام اسلام ندارد و قادر نیست قوانین الهی را به اجرا درآورد و نیازهای حقیقی مردم را برآورده سازد. او در پایان سخنرانی با شهادت تمام اعلام می کند که اگر

رژیم ستمشاهی و عمال فساد آن ادامه دهد. شهید واحدی لحظه ای در همراهی کردن با او، تردید به خود راه نمی دهد و تصمیم می گیرد تحصیلات خود را در قم ادامه دهد و در عین حال، حوزه علمیه قم را به پایگاهی شکست ناپذیر برای مبارزه با دستگاه پهلوی و دستیابی به اهداف اسلامی و مبارزاتی خود تبدیل سازد.

شهید واحدی از جو منجمد و بی روح حوزه علمیه قم بشدت در رنج است و سکون و سکوت و بی تفاوتی علما و طلاب را در برابر جریانات سیاسی روز کشور و جهان، برنمی تابد. از نظر او حوزه های علمیه، وارثان حقیقی پیامبر و ائمه اطهار و موظف به قیام علیه ظلم و انانیت و تفرعن هستند. از همین رو با شجاعتی حیرت انگیز به ایراد سخنرانی در میان طلاب می پردازد و با صراحتی شگفت، جنایات رژیم را افشا می کند و وظایف مردم را به ایشان یادآور می شود و آنان را از تحمل ذلت و همراهی با ستم و ظلم رژیم برحذر می دارد. او فریاد برمی آورد که تمکین حوزه علمیه و ملت از مجلس و دولت و دربار که تا بن دندان در فساد و تباهی فرو رفته اند و پیوسته در کار تدوین قوانین ضد الهی و ضد اسلامی هستند. گناهی آشکار و قیام علیه عدالت علوی است. به اعتقاد او، سکوت در برابر رژیمی که به فساد و ارتشا و وطن فروشی و باز گذاشتن دست بیگانگان برای غارت ثروت های ملی، مباحثات می کند، خلاف نص صریح قرآن و مخالفت با فرامین الهی و سرپیچی از سیره نبی اکرم (ص) و خاندان عصمت و طهارت است.

واحدی در جستجوی راهی عملی برای مبارزه علنی با رژیم سفاک پهلوی، لحظه ای آرام و قرار ندارد. شاه از سفر آمریکا برگشته و با وعده ای که از اربابان خود گرفته است، احساس شکوه و اقتدار فراوان می کند، از همین رو جسارت را به جایی می رساند که تصمیم می گیرد جنازه رضا شاه را که مظهر ضدیت با اسلام و دین بوده است، به قم بیاورد و پس از طواف در حرم مظهر حضرت معصومه (س)، علما و مراجع را وادار سازد تا بر جنازه او نماز بگزارند و با این عمل، در پی کسب وجاهت برای پدر سفاک و لامذهب خود است. شهید واحدی فرصت را مغتنم می شمرد و مبارزه علنی علیه این اقدام ناصواب و ضد الهی را آغاز می کند. او به تمامی طلاب و علما هشدار می دهد که چنانچه در روز تشییع جنازه، قدم به خیابان بگذارند، مسئول خون خویش خواهند بود. این عمل انقلابی به غیبت مطلق روحانیون در این مراسم منتهی می شود و کسی هم بر جنازه رضا شاه نماز نمی گذارد. رژیم ناچار می شود با پوشیدن لباس روحانیت به تن زیارتنامه خوان های حرم و



آتشفشان شور و غیرت و مردانگی، اسطورهٔ اخلاص و بندگی و خدمت به محرومان، آنکه در برابر خصم چون رعد می غرید و در مقابل مظلومان، چون باران رحمت می بارید، سازش ناپذیری که تسلیم را در واژگان او راه نبود و اندیشه اش سر بر ستیغ سرافرازی می سائید. آنکه پیوسته جانش شیفتهٔ پاکی ها و کرامت ها و حمیت ها بود و چشمان مهربانش، عدالت را می جست تا دل های خستگان را به حلاوت آن میهمان کند و نیک می دانست که این موهبت را جایگاهی چنان والا باید که جان را نتوان گفت که به بهای آن، مقداری هست.

شهید عبدالحسین واحدی، بزرگ مرد فدائیان اسلام، یاور همیشگی رهبر فکری و مکتبی این نهضت، شهید نواب صفوی، همچون او، اندامی نحیف و روحی بزرگ و اندیشه ای عمیق و سترگ داشت. او در سال ۱۳۰۸ در شهر کرمانشاه، در خانواده ای اصیل و متدین پا به عرصه گیتی نهاد. پدرش، حاج سید محمد رضا مجتهد قمی از علمای طراز اول کرمانشاه و ملجاء بی پناهان بود. مادرش خانم آل آقا، زنی بصیر، پاکدامن و آگاه بود که توانست در دامان پر برکت خود، دوشهید بزرگوار را به شایستگی بپروراند و تاریخ مردانگی و غیرت را با خون حیات بخش آنان، جلوه و طراوتی نو ببخشد.

عبدالحسین، علوم مقدماتی را نزد پدر بزرگوارش آموخت و آنگاه برای تکمیل تحصیلات، ابتدا به قم و سپس به نجف عزیمت کرد. در سال ۱۳۲۵ شهید نواب صفوی دست به ترور نافرجام کسروی، این عامل بیگانه و جرثومهٔ فساد می زند و در پی عقیم ماندن این اقدام شجاعانه، به نجف می گریزد تا در آنجا به تکمیل تحصیل ناتمام خود بپردازد. عبدالحسین واحدی دراین جاست که با سید آشنایی می شود و دل در گرو شور و غیرت دینی او می نهد. آنها مدتی مجلس و مونس یکدیگرند تا زمانی که نواب تصمیم می گیرد به ایران بازگردد و به مبارزه خود علیه

به کوشش استاد خسروشاهی منتشر شده است؛

کتاب فدائیان اسلام، تاریخ، عملکرد، اندیشه

مجله منتشر کرد که علاوه بر محتوای کاملاً ساختگی و دور از حقیقت، هدف از نشر آنها هم متهم ساختن فدائیان اسلام و ایجاد تردید در اصالت اسلامی این حرکت بود و لذا شهید نواب صفوی، همان وقت توضیحاتی درباره این حرکت، نوشت و منتشر ساخت و به تکذیب اباطیل این نویسنده پرداخت. این کتاب در ۳۳۲ صفحه از سوی انتشارات اطلاعات منتشر شده است. این کتاب در فروشگاه های دفتر نشر معارف و کلبه شروق در قم و نمایندگی های روزنامه اطلاعات در سراسر کشور و سایت پاتوق کتاب موجود و قابل تهیه است.

صفوی و فدائیان اسلام درباره جامعه و حکومت اسلامی است که به قلم شهید نواب صفوی نگاشته است. این بخش از کتاب، پیش از این، تحت عنوان «اعلامیه فدائیان اسلام» در تاریخ ۱۳۲۹ و سپس ۱۳۳۲ از طرف فدائیان اسلام چاپ و منتشر شد.

استاد در مقدمه این کتاب ارزشمند، ماجرای نگارش بخش اول این کتاب و سلسله مقالات را از سوی شهید نواب صفوی بدین صورت تعریف می کند که شخصی به نام حائری نیا در مجله «خواندنی ها»، سلسله مقالاتی را با انگیزه های سیاسی خاص، با عنوان «کودتایی که رهبر آن کشته شد!» در آن

رزم آرا، جبهه ملی و فدائیان اسلام و حکومت نظامی، قتل دکتر زنگنه، ملی شدن صنعت نفت و توضیحات و اسناد محتوای بخش اول کتاب هستند که به قلم شهید نواب صفوی و تقریر شهید سید محمد واحدی منتشر شدند.

استاد خسروشاهی در پایان این بخش، توضیحاتی برای تبیین بهتر وقایع تاریخی نوشته است و اسنادی از ساواک و همچنین اسناد تاریخی درباره فدائیان اسلام و شهید نواب صفوی را به این بخش افزوده است.

بخش دوم کتاب هم دیدگاه شهید نواب

به گزارش روابط عمومی مرکز بررسی های اسلامی، این کتاب از دو مقدمه و دو بخش «خطرات یا تاریخ پیدایش فدائیان اسلام» و «جامعه و حکومت اسلامی» تشکیل شده است. پس از مقدمه استاد خسروشاهی، تنها بازمانده هسته مرکزی فدائیان اسلام نیز، نامه ای درباره چگونگی تحریر و چاپ تاریخ و فدائیان اسلام و خطرات شهید نواب صفوی نوشته است.

پس از این مقدمه ها، تاریخ پیدایش [و فعالیت های] فدائیان اسلام، «مسأله فلسطین، تشکیل مجمع مسلمانان مجاهد و مسأله انتخابات و هژیر،

انتخابات مصر در سایه «سرکوب» و «حذف مخالفان»

وزرای دولت که نامزد این حزب هستند در این انتخابات پیروز شده‌اند.

احمد راسم النفیس "یکی از رهبران شیعیان مصر در گفت‌وگو با فارس با اشاره به برگزاری مرحله اول انتخابات پارلمانی مصر گفت: بنده در این انتخابات شرکت نکردم چرا که نتایج آن مشخص است.

بنا به گفته کمیته عالی انتخابات، مشارکت مردمی در این انتخابات ۲۵ درصد بوده است ..

روند برگزاری انتخابات طوری صورت گرفته که حتی واکنش منفی آمریکا، متحد دیرین این کشور را برانگیخته است.

فیلیپ کرولی "سخنگوی وزارت امور خارجه آمریکا در واکنش به انتخابات مصر گفت: ما از گزارش‌های قبل از انتخابات در خصوص دوران وقفه در مبارزات انتخاباتی کاندیدهای مخالف و دستگیری حامیان آنها و همچنین عدم دسترسی صدای مخالفان به رسانه‌ها بسیار متأثر شدیم.

وی در ادامه افزود که واشنگتن از گزارشات مبنی بر دخالت در روز انتخابات و ارباب نیروهای امنیتی احساس نگرانی کرده است.

وزارت امور خارجه آمریکا اعلام کرد که اعتماد در نتایج انتخابات مصر زمانی به وجود می‌آید که دولت کاستی‌های موجود را مورد خطاب قرار دهد و دسترسی کامل و شفاف به بازرسان مستقل و نمایندگان کاندیده‌ها را تضمین کند.

اما کارشناسان معتقدند که این انتخابات مشروعیتی به نظام حاکم مصر نخواهد بخشید و در همین رابطه آسامه رشدی "سردبیر پایگاه خبری 'نجات مصر' گفت که مرحله نخست انتخابات پارلمانی در شرایط بسیار بدی برگزار شد چرا که سیستم قضایی این کشور که متولی اصلی نظارت بر انتخابات است ده‌ها حکم در ارتباط با نحوه برگزاری انتخابات صادر کرد اما وزارت کشور و دولت مبارک از اجرای آنها سر باز زدند.

وی همچنین تاکید کرد که انتخابات کنونی هیچ مشروعیتی به نظام حاکم مصر نخواهد داد و در حقیقت دولت مبارک به ملت مصر اجازه نمی‌دهد که هیچ گونه تغییری در ساختار کشور به وجود آورد و متأسفانه آمریکا و غرب نیز از این نظام حمایت می‌کنند.

ستاد اخذ رأی در ۲۹ استان از ساعت ۸ صبح یکشنبه به وقت محلی به روی رأی‌دهندگان گشوده شد و در ساعت ۷ شب همان روز نیز این انتخابات به پایان رسید.

از همان ساعات آغازین برگزاری انتخابات بدلیل کارشکنی برخی حوزه‌ها در ممانعت از ورود نمایندگان سازمان‌های جامعه مدنی و وکلای نامزدهای انتخاباتی به این حوزه‌ها کار اخذ رأی در این حوزه‌ها با تاخیر آغاز شد.

جلوگیری از پوشش اخبار انتخابات نیز از دیگر سیاست‌های رژیم مبارک در این انتخابات بود و بنا بر اعلام شبکه‌های خبری مأموران امنیتی در حوزه‌های انتخاباتی به جای تامین امنیت حوزه‌ها در بیرون از حوزه‌ها سرگرم ممانعت از ورود خبرنگاران به داخل و جلوگیری از انجام مصاحبه‌های خبری با رأی‌دهندگان بودند و در همین راستا مأموران امنیتی در حوزه "الجسر" در "شبرا" کارت شناسایی و مجوزه ویژه پوشش اخبار خبرنگار شبکه "المحیط" را مصادره کرده و گفتند که وزارت کشور دستور ممنوعیت تصویربرداری و انجام هرگونه گفت‌وگوی مطبوعاتی با شهروندان را صادر کرده است.

دولت مصر که همواره مدعی دموکراسی و آزادی بیان در این کشور است روز یکشنبه همچنین سایت‌های اینترنتی اخوان المسلمون از جمله سایت اخوان آن لاین "رادر داخل مصر فیلتر کرد تا بدین ترتیب جلوی دسترسی آزادانه مردم به اطلاعات و حقایق انتخابات را بگیرد.

خرید آراء انتخاباتی از سوی نامزدهای حزب ملی حاکم در مقابل پرداخت ۲۰ تا ۵۰ لیره برای خرید هر رأی از دیگر موارد تخلفات این حزب بود که از سوی دولت نادیده انگاشته شد و بنا به ادعای نخست‌وزیر مصر این انتخابات در فضای کاملاً شفاف و آرام برگزار شد.

این انتخابات در جوی ناآرام و ناعادلانه برگزار شد و در روز انتخابات نیز بدلیل درگیری‌ها بوجود آمده در حاشیه انتخابات ۴ شهروند مصری کشته شدند.

با وجود همه این سیاست‌های رژیم مصر در سرکوب گروه‌های مخالف و ممانعت از آزادی بیان نتایج این انتخابات کاملاً قابل پیش‌بینی بود و بر اساس اعلام نتایج اولیه حزب ملی و تمامی

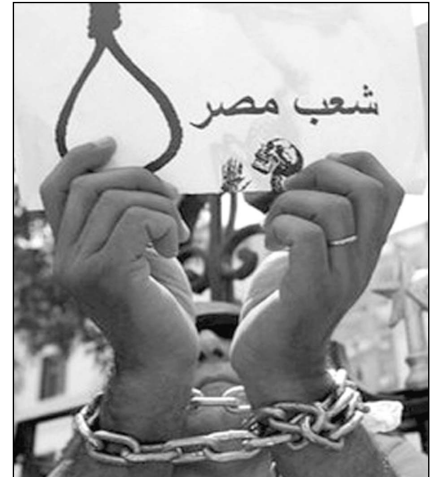
حزب ملی دموکراتیک حاکم مصر آزادانه به تبلیغات انتخاباتی مشغول بودند. اما با همه این اعمال فشارها و اقدام سرکوبگرانه گروه‌های مخالف دولت و در رأس آن اخوان المسلمون مسیر نشدند و در همین رابطه "محمد بدیع" رهبر جماعت اخوان المسلمون چند روز پیش از برگزاری انتخابات، مردم مصر را به مشارکت گسترده در این انتخابات فراخواند و تاکید کرد: "فشارها و محدودیت‌ها رژیم هر اندازه که باشد ما در اصول خود ثابت قدم هستیم و به راه‌مان ادامه خواهیم داد".

یکی دیگر از مواردی که نمایشی بودن انتخابات پارلمانی مصر را بیشتر تقویت می‌کند مخالفت صریح حزب ملی دموکراتیک حاکم با هر گونه نظارت بین‌المللی بر این انتخابات از یک سو و کارشکنی در برابر نظارت سازمان‌های جامعه مدنی مصر بر روند برگزاری انتخابات از سوی دیگر بود به گونه‌ای که در روز برگزاری انتخابات به بهانه‌های مختلف از ورود نمایندگان سازمان‌ها و وکلای نامزدهای انتخاباتی با وجود داشتن مجوز ورود به حوزه‌های رأی‌گیری ممانعت بعمل آوردند.

معرفی بیش از ۷۰۰ نامزد از سوی حزب ملی حاکم برای ورود به این انتخابات از دیگر ترفندهای این حزب برای دستیابی به اکثریت کرسی‌ها بود به گونه‌ای که ۴ یا حتی بیشتر از ۴ نامزد این حزب در یک حوزه انتخاباتی با یکدیگر رقابت می‌کردند و این بر خلاف عرف احزاب سیاسی است.

سرانجام انتخابات نمایشی پارلمان مصر در میان تدابیر شدید امنیتی و حضور گسترده نیروهای امنیتی که بنا به توجیه دولت برای تامین امنیت انتخابات در خیابان‌ها مستقر شده بودند، برگزار شد.

در این انتخابات بنا به اعلام کمیته عالی انتخابات ۴ هزار و ۶۸۶ نامزد زن و مرد برای دستیابی به ۵۰۸ کرسی از جمله ۶۴ کرسی اختصاصی زنان وارد رقابت با یکدیگر شدند که از این تعداد یک هزار و ۱۸۸ نفر از نامزدهای احزاب مختلف سیاسی و ۳ هزار و ۴۹۸ نفر نیز نامزد مستقل بودند و همچنین ۳۷۸ نفر از زنان نیز برای دستیابی به ۶۴ کرسی با یکدیگر رقابت می‌کردند. از میان ۸۲ میلیون جمعیت مصر بیش از ۴۰ میلیون نفر واجد شرایط رأی دهی بودند و ۴۵ هزار



دور نخست انتخابات پارلمانی مصر در حالی برگزار شد که بنا به اعتقاد ناظران سیاسی این انتخابات تنها "نمایشی" برای تمديد قدرت حسنی مبارک در سایه سرکوب و حذف مخالفان از صحنه سیاسی این کشور بود.

رژیم حسنی مبارک از زمان آغاز ثبت نام نامزدهای انتخاباتی با ترفندهای مختلف سعی در اعمال فشار بر گروه‌های مخالف دولت و تنگ‌تر کردن عرصه بر مخالفان را داشت و در این راستا کمیته عالی انتخابات به تصویب مواردی برای اعمال محدودیت‌ها برای مخالفان متوسل شد از جمله اینکه استفاده از شعارهای دینی در تبلیغات انتخاباتی را ممنوع کرد و بدین ترتیب زمینه را برای بازداشت‌های گسترده هواداران و اعضای جماعت اخوان المسلمون که شعار اسلام راه حل است " را شعار انتخاباتی خود قرار داده بودند، فراهم کرد به طوری که بنا به گفته مسئولان این جماعت از زمان آغاز تبلیغات تا روز برگزاری انتخابات یک هزار و ۴۰۶ نفر از هواداران و اعضای اخوان المسلمون بازداشت شدند و حتی دادگاه مصر ۱۲ عضو این جماعت را به اتهام ارتکاب تخلفات و استفاده از شعارهای دینی به ۲ سال حبس محکوم کرد و این نخستین بار بود که دادگاه مصر چنین حکمی را صادر می‌کند.

نیروهای امنیتی در طول تبلیغات انتخاباتی همچنین به تجمع‌های مسالمت‌آمیز گروه‌های مخالف حمله برده و با استفاده از گلوله‌های پلاستیکی و شلیک گاز اشک‌آور آنها را متفرق می‌کردند و در این میان تعدادی نیز بازداشت می‌شدند و این در حالی بود که حامیان نامزدهای

اتحاد جدید منافقین با فرقه ضاله بهائیت

این دو فرقه گذاشته شده است.

همچنین فرقه بهائیت در پاسخ به درخواست گروهک تروریستی منافقین وعده کرده است به برنامه‌های لابی مجاهدین برای خارج شدن از لیست گروه‌های تروریستی در آمریکا کمک کند و درباره امکان انتقال آنها به اسرائیل رایزنی کند.

یکی از موارد همکاری مشترک این دو فرقه، جوسازی در برخی اجلاس‌ها به منظور تضعیف موضع ایران و خرید رأی بر ضد ایران است.

از جمله دیگر وظایفی که بر عهده گروهک تروریستی منافقین گذاشته شده، این است که اطلاعات مورد نیاز موساد را از طریق رابطین بهایی به اسرائیل برسانند.

اقداماتی هم که این فرقه در جریان انتخابات عراق علیه لیست مالکی و به نفع باند بعثی انجام داد، یکی دیگر از وظایف این فرقه و به عنوان بخشی از طرح مشترک اقدام ضد شیعی در عراق بود که به همراهی و پشتیبانی فرقه منحوس بهائیت صورت گرفت.

در تاریخ سراسر نکبت بار فرقه بهائیت می‌خوانیم: پس از وقایع تلخی که توسط رهبران

عوامل گروهک تروریستی منافقین برای پیش‌برد طرح‌ها و برنامه‌های ضد ایرانی خود به تعدادی از سرشاخه‌های فرقه بهائیت وصل شده‌اند.

به گزارش پایگاه اطلاع رسانی هابیلیان(خانواده شهدای ترور کشور)، بنا بر اخبار رسیده، مهمترین طرح‌ها و نقشه‌های این اتحاد شوم، تشویق آمریکا و اسرائیل به حمله نظامی به ایران و تحریم همه جانبه و شدید مردم ایران، طبق نظر هر دو فرقه می‌باشد!

منافقین که همانند دستمال یک بار مصرف هر بار از جانب گروه و دسته‌ای به عنوان متحد معرفی می‌شوند و پس از مزدوری صادقانه! همانند دستمال یک بار مصرف به دور انداخته می‌شوند، این بار برای جلب توجه و تداوم مزدوری، به جانب فرقه ضاله بهائیت رفته و با این فرقه پیمان اتحاد جدیدی بسته‌اند.

براساس این اطلاعات، وظیفه تشنج آفرینی در مناسبات خارجی ایران و تشدید سیاست ایران‌هراسی که از مهمترین برنامه‌های وزارت خارجه اسرائیل (رژیم صهیونیستی) است بر عهده

این اختلافات بین بهالله و صبح ازل آنچنان شدت گرفت که برخی از اسرار نهانی این فرقه ضاله در فساد و بی‌بند و باری بین محارم خود نیز افشا و آشکار گردید، از جمله آن که بهالله

حرامزادگی برادرش صبح ازل را اعلام نمود و فاش ساخت که در بغداد، همسر دوم باب، مورد تجاوز و کامگیری صبح ازل واقع شده و چون به طور کافی مورد پسند این شخص قرار نگرفته است او را وقف مریدان خود نموده است!

ازلان نیز اسرار پشت پرده‌ای را افشا نمودند که از آن جمله اعلام داشتند: همسر باب که سهل است، جناب بها دختر خودش را هم در ایام ریاست ازل به وی تقدیم نموده است.

تا این که سرانجام از عراق نیز بیرون رانده شده و اکنون مرکزیت آنها در حيفا و در سرزمین کنونی اسرائیل (رژیم صهیونیستی) مستقر است....

سرنوشت و ماهیت به شدت مشابه دو فرقه بهائیت و گروهک تروریستی منافقین، به ویژه اعتقادات بدعت آمیز و ضد شیعی این دو فرقه باعث شده تا در این دوران نیز علیه ایران به اتحاد برسند.

آمریکا و صهیونیست ها؛ پشت پرده ترور دانشمندان ایرانی

دانشمندان هسته‌ای ایران است."

یک پایگاه اطلاع‌رسانی نیز در گزارشی با اشاره به ترور دو دانشمند ایرانی و با یادآوری ترور دکتر مسعود علیمحمدی در اوایل سال جاری میلادی به روشی مشابه افزود: بر اساس دستورالعمل سال ۲۰۰۵ دولت بوش به سازمان سیا، این سازمان موظف شد که به ناامن‌سازی ایران مبادرت ورزد. این سند که توسط "سیمور هرش" روزنامه‌نگار نیویورک تایمز فاش شده، نشان می‌داد که بودجه‌ای معادل ۵۰۰ میلیون دلار برای تخصیص به گروه‌های جدایی‌طلب ایرانی در نظر گرفته شده است. بنابر این گزارش، ای‌بی‌سی نیز هم گزارش کرد که تلاش‌های مرتبط با بی‌ثبات‌سازی ایران شامل تبلیغات رسانه‌ای مسموم، سرمایه‌گذاری در عملیات تروریستی و ناامن‌ساختن مرزهای ایران می‌شود. حمله تروریستی به دو تن از اساتید دانشگاه ایرانی، تنها یک ماه پس از آن انجام می‌شود که "سر جان ساورز" رئیس سازمان مخوف "آم آی ۶" خواستار عملیات جاسوسی در ایران شده بود. دیلی تلگراف به نقل از وی نوشت: "متوقف کردن تکثیر تسلیحات هسته‌ای تنها از طریق دیپلماسی متعارف ممکن نیست، ما نیازمند عملیات اطلاعاتی و جاسوسی هستیم تا مسیر دستیابی کشورهای چون ایران را به سلاح هسته‌ای مسدود کنیم." این پایگاه اطلاع‌رسانی افزود: همکاری سازمان‌های اطلاعاتی انگلیسی و اسرائیلی در ترور و ربودن دانشمندان ایرانی، بی‌اغراق طی سال‌های گذشته به یک سیاست دولتی تبدیل شده است.

این در حالی است که وزارت اطلاعات ایران چندی قبل از دستگیر شدن ۴ تروریست وابسته به انگلیس در شهر مریوان خبر داده بود. آنها طی ۲ سال گذشته ۵ ترور انجام داده‌اند و بابت هر عملیات ۲۰ هزار دلار دستمزد دریافت کرده بودند. شاید در همین راستا بود که "جیمز رایزن"، روزنامه‌نگار مشهور آمریکایی پیشتر اعلام کرده بود که سازمان سیا و موساد با همکاری یکدیگر یکسری عملیات‌های خرابکارانه را علیه پیشرفت‌های هسته‌ای ایران طرح ریزی کرده‌اند. علاوه بر صهیونیست‌ها که به موازات خرابکاری، تلاش برای ترور دانشمندان کشورمان را دنبال می‌کردند، موضوع "حذف دانشمندان" کشورمان از همان زمان با پیشنهاد

تهران شاهد ترور دو استاد برجسته دانشگاه شهید بهشتی بود. در این حوادث دکتر مجید شهریاری بر اثر بمبگذاری به شهادت رسید و دکتر فریدون عباسی نیز مجروح شد. سال گذشته نیز در یک بمبگذاری دکتر مسعود علیمحمدی استاد دانشگاه تهران به شهادت رسید.

وجه مشترک قربانیان همه این عملیات‌های تروریستی، دانشگاهی بودن و نخبگی این افراد در عرصه‌های علمی و فناوری است. امروز ایران اسلامی به پشتوانه دانشمندان جوان و متخصصان ماهر به قله‌های رفیع علمی در زمینه‌های مختلف دست یافته است تا آنجا که به اذعان همه کارشناسان موافق و مخالف، ایران به یک قدرت بلامنازع علمی تبدیل شده و در ردیف کشورهای پیشرفته در علوم گوناگون هسته ای قرار گرفته است. طبیعی است که رسیدن ایران اسلامی به عنوان مخالف شماره یک نظام سلطه به دستاوردهای عظیم علمی، دشمنان را عصبانی کرده تا آنجا که مجبور شوند برای "مهار جمهوری اسلامی ایران" دست به ترورهای کور بزنند.

این پروژه از آنجا نشأت می‌گیرد که دشمنان ایران و در رأس آن غرب، از جذب دانشمندان میهن‌دوست ایرانی و همچنین توقف فعالیت‌های علمی از جمله هسته‌ای ایران ناتوان و ناامید گشته و در آخرین راهکار اقدام به حذف فیزیکی آنان کرده‌اند تا شاید بدین طریق بتوانند از تبدیل شدن ایران به قدرت طراز اول دنیا جلوگیری کنند. با شکست تاکتیک تهدید نرم، مشخص است که غربی‌ها در راستای به تعویق انداختن پیشرفت‌های ایران قصد دارند همزمان با اعمال تاکتیک تهدید سخت، بدنه کارشناسی علمی کشورمان را هم به قول خود "حذف" کنند. شیوه ترور دانشمندان ایرانی حاکی از صهیونیستی بودن این عملیات هاست. تجربه مفصل رژیم صهیونیستی از یک سو، حرص و ولع آمریکا برای توقف فعالیت‌های علمی ایران و دشمنی دیرینه انگلیس مثلث براندازی علمی جمهوری اسلامی را شکل داده است.

در این ارتباط دو سال پیش روزنامه انگلیسی دیلی تلگراف فاش ساخت: اسرائیل به عنوان بخشی از یک جنگ غیرمستقیم و پنهانی علیه برنامه هسته‌ای ایران، در حال ترور

کارشناسان اطلاعاتی آمریکا در دستور کار مقامات آمریکایی هم که با شعار "تغییر" به کاخ سفید راه پیدا کرده بودند، قرار گرفت. در این راستا بود که "روا بالا" یک تحلیلگر برجسته شرکت استراتفورد (شرکت خصوصی امور اطلاعاتی در آمریکا که روابط نزدیکی با کاخ سفید دارد) نیز اعلام کرد که استراتژی ما این است که افراد مهم علمی ایران از میان برداشته شوند." همچنین اواخر ماه مه میلادی ۲۰۱۰ نیویورک تایمز گزارش محرمانه‌ای را منتشر کرد که نشان می‌دهد در ترورهای اساتید دانشگاه در تهران، آمریکا متهم ردیف اول است.

سندی که نیویورک تایمز منتشر کرد، تصریح می‌داشت که بر اساس متن دست‌نویسی که به صورت مستقیم توسط دیوید پترائوس، فرمانده نیروهای نظامی آمریکا در خاورمیانه، نوشته شده، گروه دل‌تا از نیروهای ویژه، مأموریت دارند که به درون ایران نفوذ کرده و با همکاری با گروه‌های مخالف حکومت ایران، اهداف مورد نظر را شناسایی کنند."

پترائوس در این سند تأکید کرده بود که عملیات‌های مخفی و نظامی آمریکا در ایران باید تقویت شوند و برای این کار هم واحدهای ویژه نظامی ارتش آمریکا باید عمل کنند. تایمز آنلاین نیز همان زمان در گفت‌وگو با سخنگوی کاخ سفید، به نقل از وی نوشت که فرماندهان نظامی، خود می‌توانند در صورت تشخیص، عملیات اطلاعاتی را رهبری کنند. پترائوس از فرماندهان عالی‌رتبه پنتاگون است که مأموریت دارد طرحی را برای نابودی تأسیسات ایران آماده کند.

ترور دانشمندان ایرانی درست در روزهایی صورت می‌گیرد که اتحادیه اروپا از ایالات متحده آمریکا خواسته است که گروهک سازمان مجاهدین خلق (منافقین) را از لیست سازمان‌های تروریستی خود خارج کند.

آنچه مهم است این است که گرچه، با هزینه‌های سنگین کمپانی ترور واشنگتن، لندن و تل‌آویو دو دانشمند بزرگ کشور مان را به شهادت رساندند اما ایران اسلامی امروز آنقدر قدرتمند شده است که این دست و پا زدن‌های آخر نظام سلطه راه به جایی نبرد همان گونه که در سال‌های آغازین دهه ۶۰ و در میدان‌های تحریم و تهدید و... راه به جایی نبرد.

پارلمان اروپا، حامی تروریسم

اسلام شریک است.

شواهد آشکار در سال‌های پس از پیروزی انقلاب اسلامی نشان داده است که اتحادیه اروپا و آمریکا، در جهت منافع سیاسی خود از گروهک تروریستی منافقین به عنوان اهرم فشار بر علیه ایران سوء استفاده کرده‌اند. برای اروپا و آمریکا حمایت از تروریستها تا زمانی که در خدمت منافع آنها هستند، یک اصل غیر انکار بوده و شعار مقابله با تروریسم و حمایت از حقوق بشر، تنها در این مسیر برای آنان قابل تفسیر است.

ماده یک مشترک کنوانسیون ۱۹۴۹ ژنو تصریح می‌کند که اگر دولتها با نقض حقوق بشر از طرف یک دولت دیگر مواجه شدند باید نسبت به این موضوع واکنش نشان دهند. پارلمان اروپا به ترور به عنوان یکی از مصادیق نقض حقوق بشر اعتقاد ندارد و به همین دلیل است که چشم خود را بر جنایات تروریسم دولتی اسرائیل بسته و از اصلی‌ترین حامی این رژیم، تقاضای حمایت از سازمان تروریستی مجاهدین خلق می‌نماید.

اتحادیه اروپا نیز در یک ژست انساندوستانه در سال ۲۰۰۲، سازمان منافقین را در فهرست گروه‌های تروریستی قرار داد اما هفت سال بعد به خاطر استفاده ابزاری، این گروه را از این لیست خارج کرد. ۲۶ نوامبر ۲۰۱۰، پارلمان اروپا هم به میدان آمد و تحت لابی عوامل صهیونیسم با صدور قطعنامه‌ای ضعیف و از وزارت امور خارجه آمریکا خواست نام گروهک منافقین را از فهرست سازمان‌های تروریستی خارج کند.

این قطعنامه لازم‌الاجرا نیست و تنها پارلمان اروپا را در فهرست حامیان تروریسم قرار می‌دهد. این پارلمان قبلاً نیز بر حمایت از ۳ هزار و ۵۰۰ تروریست منافق که در اردوگاه اشرف در عراق هستند، تأکید داشته و از این جهت دارای یک سابقه طولانی در حمایت از تروریسم می‌باشد. این پارلمان از اوپاما تقاضای حمایت از منافقین را نموده، در حالی که بعد از واقعه ساختگی یازده سپتامبر، چشم خود را بر جنایات آمریکا در عراق و افغانستان بسته و در جنایات آمریکا بر علیه جهان

سازمان مجاهدین خلق که در ایران به نام منافقین اشتهار دارد، یک گروه تروریستی کاملاً شناخته شده می‌باشد که بارها خود به ترورهای خود اذعان داشته است. شهادت شهید بهشتی رئیس اسبق قوه قضائیه و ۷۲ تن از یاران انقلاب، شهادت محمدعلی رجایی رئیس جمهور و باهنر نخست وزیر وقت ایران، ترور شهدای محراب و تعدادی دیگر از مسئولین در انفجارهای نماز جمعه تهران، ترورهای کور مردم عادی به بهانه حمایت آنان از انقلاب، ترور نافرجام حضرت آیت الله خامنه‌ای مقام معظم رهبری، ترور ناجوانمردانه فرماندهان نظامی از جمله شهید صیاد شیرازی، تنها بخشی از جنایات تأیید شده این گروه تروریستی می‌باشد.

اقدامات تروریستی منافقین به حدی آشکار بود که حتی آمریکا تحت فشار افکار عمومی در سال ۱۹۹۷ گروهک منافقین را در فهرست سازمان‌های تروریستی وزارت خارجه قرار داد، اگرچه هرگز آن‌ها را محدود نکرد و حاضر به محاکمه و مجازات این گروهک نگردید.

فلسطینیان مقیم مصر:

زندگی زیر آتش صهیونیست ها

بسیار بهتر از زندگی در مصر است

ادامه زندگی برای فلسطینیان مقیم مصر (ساکن العریش) چنان سخت و طاقت فرسا شده است که آنان زندگی در غزه زیر آتش صهیونیست ها را به زندگی در مصر ترجیح می‌دهند.

به گزارش خبرگزاری قدس (قدسنا) به نقل از "شام برس"، مقامات مصری چنان عرصه را بر فلسطینیان مقیم این کشور تنگ کردند که این آوارگان مظلوم زندگی در شرایط بسیار سخت غزه و زیر آتش صهیونیست ها را به زندگی در مصر ترجیح می‌دهند.

اقدامات سختگیرانه مصری ها در قبال آوارگان فلسطینی در واقع نقض منشور اتحادیه عرب و پروتکل دارالبیضا درباره ساماندهی امور آوارگان است.

سیاست نژادپرستانه مصری ها در حق آوارگان فلسطینی هر روز بیشتر و بیشتر می‌شود. مردم مصر از فروختن خانه و واحدهای مسکونی به آوارگان فلسطینی منع شدند. این آوارگان حتی از ابتدایی ترین حقوقشان در مصر بی بهره‌اند. به حقوق آنان نه تنها احترام گذاشته نمی‌شود بلکه بیشتر مواقع با بی مهری و کم لطفی مواجه می‌شوند. مصری ها حتی سیاست نژادپرستانه ای را درباره حق اقامت، سفر، کار، مالکیت زمین، مستغلات، واحدهای مسکونی فلسطینیان مقیم مصر اعمال کردند.

یک خبرنگار وابسته به یکی از خبرگزاری های خارجی فعال در مصر که خواست نامش فاش شود گفت که مقامات مصری از اصحاب رسانه خواستند حوادث و تحولات مربوط به فلسطینیان ساکن مصر به خصوص در شهر بندری العریش را پوشش ندهند.

این خبرنگار خاطرنشان کرد که مصری ها حتی گشتی ها و نیروها و مراکز مخصوصی را ساماندهی کردند که بر عملکرد فلسطینیان ساکن این کشور نظارت کنند و اجازه ندهند خانه ای به دست آنان خرید و فروش شود.

وی افزود: مصری ها همه حدود و مرزهای تعامل با فلسطینیان را زیر پا گذاشتند و مقامات مصری در مسایل مربوط به قتل و تجاوز به فلسطینیان، جانب غیر فلسطینیان را می‌گیرند و به نحوی ظلم و جنایت در حق فلسطینیان را تشدید و ترویج می‌دهند.

یکی از فلسطینیان که چند هفته ای است در مرزهای مصر برای عبور به غزه ایستاده است گفت: زندگی زیر آتش صهیونیست ها برای ما بسیار بهتر از زندگی در سایه جنایات صهیونیست ها است.

رویکرد پارلمان اروپا نسبت به موضوع

تروریسم و اساسا تلاش این پارلمان برای حمایت از تروریست های شناخته شده، نه تنها اروپا و آمریکا را در جامعه جهانی منزوی کرده بلکه ارزش های انساندوستانه اروپا که میراث انقلاب فرانسه می باشد را نیز به چالش کشیده است. طبیعی است تا زمانی که آمریکا و اروپا از موضوع تروریسم استفاده ابزاری کرده و در این مسیر دل به قطعنامه های بی خاصیت و فاقد اعتبار نهادهایی همچون پارلمان اروپا می بندند، نمی توان آمیدی به مقابله جدی با تروریسم داشت.

در این عرصه کشورهای مستقل و غیر متعهد باید با فعالیت تاثیر گذار در سازمان های بین المللی و بهره گیری از رسانه های سنتی و مدرن و تشکیل نهادهای غیر دولتی در عرصه حمایت از حقوق بشر و مبارزه واقعی با تروریسم، جلوتر از کشورهای غربی حرکت کرده و نقش خود را جهت ایجاد جهانی عاری از تروریسم ایفا نمایند.

محسن پاک آیین

حوزه علمیه؛ از کوفه تا قم

دکتر علی اکبر ولایتی

حوزه یمن

پس از اسلام آوردن مردم یمن دو حوزه کهن شیعی در آن سامان برقرار گردید، نخست حوزه علمیه شیعه امامیه و دوم حوزه زیدیه.

برجستگان مدرسان حوزه امامیه یمن بسیارند؛ مشهورترین آنها ابوعلی‌الحسن طائوس (۱۶۲ق)، فرزند کیسان یمانی از اصحاب حضرت سجادزین العابدین (ع) و بزرگ فقها و مفتیان امامیه در یمن بود. زکریا قزوینی در آثار البلاد و اخبار البلاد می‌نویسد: ابوعلی‌الحسن طائوس، فرزند کیسان یمانی، افتخار مردم یمن است و اعلم علمای زمان در احکام حلال و حرام و امروزه دارای نسل و ذریه‌ای است در قزوین که از مشایخ علمایند و نیز او جد مادری من است. او را از اصحاب حضرت سجاد زین العابدین (ع) و در شمار راویان امامیه خوانده‌اند.

وی از ابن عباس و زیدبن ثابت و زیدبن ارقم و غیره استماع حدیث کرد. سپس کرسی تدریس و رهبری حوزه امامیه را در یمن تأسیس نمود. جمع بسیاری از بزرگان تابعین از وی روایت کرده‌اند. از زعمای دیگر حوزه علمیه شیعی یمن وهب (۱۱۰ یا ۱۱۴ق)، فرزند منبه یمانی، از مدرسان برجسته و بنیانگذاران حوزه شیعی یمن بود. ابن سعد در الطبقات الکبری (ج ۵، ص ۵۴۳) از او یاد کرده و می‌نویسد: او می‌گفت که ۷۲ کتاب از کتب الهی را قرائت کرده‌ام. ابن خلکان در وفیات الاعیان و شیخ طوسی و کنی و آیت الله خویی و دیگران شرح حال او را نوشته و گفته‌اند که وهب به اخبار اوایل و شرح حال و زندگینامه انبیا دانا و عارف بود. ذهبی (ج ۴، ص ۵۴۴) او را علامه و امام در اخبار و قصص و تاریخ می‌خواند. و نیز طبری در تاریخ خود (ج ۳، ص ۱۵۸) می‌نویسد: عطاء بن مرکب و وهب بن منبه نخستین اشخاصی‌اند که در یمن قرآن کریم را گردآوری کرده‌اند.

از دیگر اساتید حوزه شیعی یمن عطاء (حدود ۱۱۵ق) فرزند مرکب و یمانی از برجستگان علمای شیعه در یمن بود. در کتب رجال شیعه و سنی چند نفر به نام عطاء یاد شده‌اند. سپس از کتاب فقهاء الیمن تألیف سمره جعدی نقل می‌کند: و منهم عطاء بن مرکب من الاء فارسی قال الشیخ ابواسحق کان آخر من جمع القرآن من فقهاء التابعین فی الیمن... یعنی عطا فرزند مرکب و فرزندانش فارس ... و او آخرین شخصی بود از فقهای تابعین که در یمن قرآن کریم را گردآوری کرد... وی کرسی تدریس و رهبری یمن را در دست داشته است (شهابی، ج ۳، ص ۴۴۸)

از دیگر دانشمندان بزرگ حوزه شیعی یمن که به مصر انتقال یافت و حوزه شیعی مصر را اداره می‌کرد، ابورش بن حنش (۱۰۰ق) فرزند عبدالله صنعای یمانی بود. ابن سعد در طبقات (ج ۵، ص ۵۳۶) او را در شمار طبقه دوم تابعین ضبط کرده است و می‌نویسد او از یمن به مصر انتقال یافت و بسیاری از مصری‌ها در حوزه او استماع حدیث کرده و از وی روایت می‌کنند و غالب کتب رجالی نیز به همین صورت از او یاد می‌کنند. از زعمای حوزه شیعی یمن که در نشر فرهنگ اهل بیت (ع) و مکتب تشیع در حوزه یمن نقشی داشت شیخ ابوعمرو معمر (۱۵۳-۹۵ق) فرزند ابوعمرو راشد بصری یمانی از اصحاب حضرت ابی عبدالله جعفر صادق (ع) و ایرانی تبار بود.

ابن سعد در الطبقات الکبری (ج ۵، ص ۵۴۶) او را تربیت شده حوزه بصره که به یمن هجرت نمود و در طبقه سوم تابعین ذکر نموده است. گفتار مورخان و کتب رجالی همگی حکایت بر

عظمت مقام علمی او دارد که از مدرسان بلند آوازه حوزه شیعی در یمن بوده و به تربیت طلاب علوم می‌پرداخته است. از شیوخ حوزه شیعی یمن شیخ ابوبکر عبدالرزاق (۲۱۲-۱۲۶ق) فرزند هام بن نافع صنعانی و از اصحاب حضرت صادق (ع) بود. ابن سعد در الطبقات الکبری (ج ۵، ص ۵۴۸) او را در طبقه چهارم تابعین ذکر می‌کند. وی از خود مؤلفات گرانقدری باقی گذاشته است. ابن ندیم در الفهرست دو کتاب از مؤلفات وی به نام السنن در فقه و المغازی را نام برده است.

حوزه علمیه زیدیه یمن

از حوزه‌های کهن علمی است که در تاریخ علم و فرهنگ شیعی درخشش داشته و آثار گرانقدر علمی به یادگار باقی گذاشته و تاکنون نیز ادامه داشته است. جامع الکبیر صناعا با کتابخانه عظیم خود از میراث فرهنگی زیدی فعالیت شایان توجهی دارد. از علمای بزرگ این حوزه کهن می‌توان امام یحیی، ملقب به الهادی الی الحی (۲۹۸-۲۲۰ق)، از احفاد حضرت امام حسن (ع) و برادرش شریف عبدالله (زنده در ۲۸۴ق) و فرزندش شریف محمد که همگی از علما و فقهای بزرگ عصر خود بوده و به تربیت شاگردان ممتازی توفیق داشته‌اند.

حوزه اندلس

با تصرف اندلس به دست مسلمانان، شیعیان نیز به این سرزمین هجرت نمودند اما حوزه شیعه اندلس هنگامی تشکیل گردید که دولت شیعه فاطمی در مصر به قدرت رسیدند و علمای شیعه برای انتشار مکتب اهل بیت (ع) در راه اندلس به رفت و آمد پرداختند. از دانشمندان شیعه که نامشان در حوزه علمیه اندلس می‌درخشد، شیخ ابوالعباس احمد (۴۴۰ق) فرزند عماد مهدوی تمیمی، مقری اندلسی از مفسران شیعه و نحویان و قراء بلندآوازه در اندلس است، اصلاً از شهر مهدیه قیروان (در تونس امروزی) است که مرکز اسماعیلیه بود. وی از جمله علمای شیعه است که به اندلس هجرت کرد و مکتب اهل بیت (ع) را در آن سامان انتشار داد. مطالب نوین و شیوه تدریس و قدرت بیان و حسن تفهیم در درس کلام و تفسیر قرآن باعث گردید، شاگردان زیادی از اطراف به حلقه درس وی بپیوندند. مخالفان او به خاطر تشیّع نزد حاکم اندلس سعایت کرده و گفتند تفسیری که از آن درس می‌گوید از دیگری است که به خود نسبت داده است. حاکم اندلس آن تفسیر را از وی گرفت و از او خواست که مجدداً تفسیر دیگری را تألیف نماید. او هم تفسیر التحصیل فی مختصر التفصیل را تألیف نمود که اکثر مورخان آن را ستوده‌اند.

از زعمای دیگر این حوزه، شیخ ابوعلی‌الله محمد، معروف به ابن ابار بلنسی اندلسی وی در شهر بلنسیه (والنسیا) از شهرهای اندلس متولد شد و در آن شهر به تحصیل پرداخت و به مقام اجتهاد نایل آمد و تدریس حوزه را به عهده گرفت (آقابزرگ طهرانی، ج ۹، ص ۳۸۴). مؤلفات ابن ابار در دایره‌المعارف تشیع (ج ۳، ص ۴۱۴) ذکر شده است. از دیگر برجستگان حوزه اندلس شیخ ابوالخطاب عمر (۶۳۳ق) فرزند محمد، معروف به ابن دحیه، از مدرسان حوزه اندلس بود. وی از احفاد دحیه فرزند خلیفه بن فروه کلبی از اصحاب رسول‌الله (ص) و مادر او از نواده‌های حضرت امام هادی (ع) بود؛ لذا خود در مؤلفاتش ذوالنسبین می‌خواند. وی تا خراسان جهت استماع حدیث رنج سفر تحمل کرد و سال‌ها شیخ حدیث در دارالحديث الکاملیه قاهره بود. او علمای حدیث و

قسمت یابانی

بزرگان اهل سنت را تخطئه می‌کرد (ابن عماد حنبلی، ج ۵، ص ۱۶۰) مؤلفات و شرح حال وی در دایره‌المعارف تشیع، ج ۳، ص ۴۱۴. همچنین شیخ عبدالله (۶۱۹ق) فرزند ابوبکر بلنسی اندلسی، فرزند ابن ابار از علمای شیعه و زعمای تدریس در بلنسیه اندلس به جانشینی قاضی ابوالحسن در مسجد السیده بلنسیه اقامه جماعت می‌کرد و کرسی تدریس و فتوا و رهبری بلنسیه در اختیار او بود. شیعیان اندلس در جنگ‌های صلیبی نقش مهم و تاریخی ایفا کرده‌اند و مجاهدت‌های آنان در کتب مسلمانان و مسیحیان ثبت است.

حوزه علمیه حله

از حوزه‌های بلندآوازه شیعه که جمع بسیاری از ارکان اسلام و ائمه مؤلفان از این حوزه برخاسته‌اند. بنیانگذار و مؤسس مدرسه حله شیخ ابوعلی‌الله فخرالدین محمد (۵۹۸ق) عجلای حلی، معروف به ابن ادریس، از رؤسای مذهب و ارباب فتوا بود. او پس از یک قرن بعد از وفات جد مادرش شیخ الطائفه شیخ طوسی (۴۶۰ق) نهضت اصلاح طلبی خود را آغاز کرد و با داخل کردن نکات علمی دقیق در فقه شیعه بدان رنگ و رونق خاصی بخشید و در سیر تکاملی آن نقش مهمی داشت.

حوزه جبل عامل

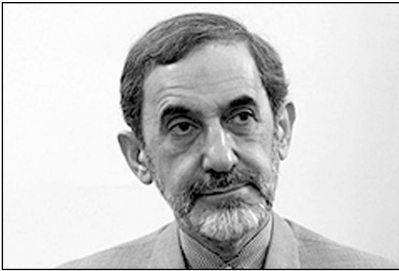
جبل عامل شامل منطقه‌ای وسیع از لبنان است. گرایش مردم این ناحیه به تشیع از هنگام تبعید ابوذر غفاری (۳۱ق) صحابی معروف (زریاب خویی، ۱۳۶۶، ص ۴۰۴) به فرمان عثمان به شام و نیز به وسیله معاویه به جبل عامل آغاز شده است. مسجدی نیز در آن سامان تا عصر حاضر منسوب به ابوذر غفاری است.

ابوذر غفاری در جبل عامل به ذکر مناقب و فضایل اهل بیت (ع) و نقل حدیث می‌پرداخت. شواهد تاریخی دال بر این است که حوزه جبل عامل با حوزه‌های بزرگ شیعی مانند حوزه بغداد و کربلا و حله در ارتباط بوده‌اند؛ زیرا علمای شیعی طرابلس و صیدا مکرراً از سیدمرتضی (۴۳۳ق) سؤالاتی نموده‌اند و او پاسخ داده و این رساله‌ها به جوابات المسائل الصیداویه و جوابات المسائل الطرابلسیه الاولی لغایه الرابعه، در فهرس ذکر شده است که جوابات المسائل الطرابلسیه الثالثه شامل ۲۳ مسئله است (آقا بزرگ طهرانی، ج ۵، ص ۲۲۵).

از علمای بزرگ قرن پنجم هجری در حوزه جبل عامل شیخ ابوعلی‌الله محمد بن هبه الله طرابلس از شاگردان شیخ طوسی، صاحب الزهره فی احکام الحج والعمرة و الوساطه بین النفی و الاثبات و تعداد دیگری تألیف است؛ از زعمای دیگر حوزه طرابلس شیخ ابوالقاسم سعدالدین (۴۸۱ق) معروف به ابن براج از ائمه فتوی و قاضی القضاة طرابلس است. وی شاگردان بسیاری تربیت کرد (شهید صالحی، «ابن براج»، ص ۳۰۹). پس از وفات ابن براج رهبری حوزه شیعی را شیخ ابوالفضل اسعد (قبل از ۵۲۰ق) فرزند احمد بن ابی روح طرابلسی از فحول فقها به خود اختصاص داد. شیخ نجم‌الدین طمان یا طومان (حدود ۷۲۸ق) فرزند احمد عاملی از بزرگان علما و فقهای امامیه، سال‌ها کرسی تدریس و رهبری حوزه علمیه جبل عامل را به خود اختصاص داد.

حوزه علمیه قزوین

با استقرار شاه طهماسب صفوی در آن شهر به عنوان دومین پایتخت صفویه بعد از تبریز رونق گرفت. وجود بزرگی چون محقق کرکی معروف به محقق ثانی و حضور افرادی چون غیاث‌الدین



منصور دشتکی و حسین بن عبدالصمد شاگرد شهید ثانی و شیخ بهاء‌الدین جبل عاملی معروف به شیخ بهایی شکل گرفت و به دنبال شیعه‌کشی عهد سلطان سلیم در قلمرو عثمانی و شهادت شهید ثانی و تلاشی و اضمحلال حوزه‌های علمیه شیعه در جبل عامل، مکتب امام صادق (ع) مجدداً در قزوین رونق گرفت. موقعیت محقق ثانی و میزان حمایت سلسله صفویه از علما و مراجع شیعه چنان بود که محقق ثانی را سمت نایب السلطنگی داد و در غیاب وی حکومت صفویه را اداره می‌کرد. انتقال پایتخت صفویه از قزوین به اصفهان، موقع شناسی روحانیت شیعه و حمایت همه جانبه صفویان از تشیع و علمای شیعه موجب تأسیس حوزه علمیه آن شهر شد که به لحاظ عظمت و میزان تأثیرگذاری و بسط و رشد معارف اهل بیت (ع) در تاریخ شیعه بی‌نظیر بود.

بروز ضعف در حکومت مرکزی ایران پس از مرگ شاه عباس صفوی و سستی پایه‌های سلسله قاجار از سوی، نفوذ فزاینده استعمار در ارکان دولت ایران از سوی دیگر و کاهش سیطره و هیمنه عثمانی بخصوص در مناطق دوردست و بعید از باب عالی، مثل عراق، از سوی سوم موجب شد علمای شیعه مجدداً با روشن‌بینی، رو به سمت بین‌النهرین آوردند و حوزه کربلا و نجف و حتی در مقطعی سامرا را تقویت کردند. لذا در عهد قاجار و مشروطه، مرکزیت حوزه‌های علمیه در عراق مستقر شد و انصافاً در طول قریب یکصد و پنجاه ساله حکومت قاجار و اوایل سلسله پهلوی نقش بسیار اساسی و حیاتی در حفظ میانی تشیع و جامعه شیعه در برابر تهاجم کوبنده فرهنگی غرب و هجوم سیاسی - نظامی استعمار اروپائیان ایفا کردند.

بیش از یکصد و چهل نفر از علما و مراجع شیعه، رساله جهادیه قائم مقام اول را امضا کردند و با تمام وجود از دولت شیعه فتحعلی‌شاه در دفاعش در برابر تهاجم کفار روس حمایت کردند تا جایی که یکی از مراجع بزرگ (سیدمحمد مجاهد طباطبایی) در سنین کهولت تفنگ به دوش به جبهه قفقاز رفت. جوابیه سیدمحمدباقر شفتی مجتهد عظیم‌القدر اصفهان به نامه تفرقه افکنانه مک نیل وزیر مختار انگلیس و حمایت آن عالم روشن بین شیعه از محمدشاه قاجار در جنگ هرات، صدور فتوای تحریم تنباکو از سوی میرزای بزرگ، کمر استعمار انگلیس را شکست، ضمن آنکه یک سبیلی محکم به پادشاه خودکامه و وطن فروش یعنی ناصرالدین شاه بود.

کمتر عالمی به بزرگی و عظمت مقام مرحوم آخوند ملامحمد کاظم خراسانی در تاریخ معاصر و متأخر می‌شناسیم. این بزرگوار با همه توان و پشتوانه علمی و تقوایی به امر مشروطه قیام کرد و بزرگی چون میرزای نائینی مشروطه را با کتاب تنبیه الامه و تنزیه المله تئوریزه کرد، در تهران شهید شیخ فضل‌الله نوری بر مشروعه بودن آن تأکید کرد و بر سر این تأکید بر سر دار شد. مرحوم آخوند خراسانی در سال ۱۳۲۹ و پس از اشغال شمال ایران توسط عوامل روس، فتوای جهاد علیه دولت روسیه داد. در جنگ اول جهانی علی‌رغم فتوای جهاد میرزای دوم (میرزا محمدتقی شیرازی) علیه انگلیس توسط آن کشور، عراق

اشغال شد و حوزه‌های علمیه عراق در معرض خطر قرار گرفت.

حوزه علمیه قم

با همت شیخ عبدالکریم حائری، حوزه علمیه به قم منتقل شد. وی با خون دل حوزه را پایه‌ریزی کرد و ورود رضاشاه با چکمه به درون حرم مطهر حضرت معصومه (س) و زیر لگد گرفتن شیخ محمدتقی بافقی را تحمل نمود تا حوزه محفوظ بماند. از درون این حوزه علمیه، امام خمینی (ره) قیام کرد و بساط حکومت پهلوی را واژگون ساخت و حکومت اسلامی حول محور ولایت فقیه را برپا کرد که عملاً اولین انقلاب اصیل در کشورهای جهان سوم و مسلمان در تاریخ معاصر بدون الگو گرفتن از انقلاب لیبرالیستی ژوئیه ۱۷۹۸ فرانسه و مارکسیستی اکتبر ۱۹۱۷ روسیه بود.

عملاً ظرف بیش از ۳۰ سال گذشته غرب را منفعل کرده و خدا و دین را به صفحه زندگی انسان‌ها اعم از مسلمان و غیرمسلمان بازگردانید.

نتیجه این که؛

۱- پیامبر اکرم (ص) و به دنبال ایشان ائمه اطهار علیهم السلام پایه‌گذاران اصلی مراکز علمی و آموزشی تاریخ تمدن اسلامی هستند و پس از آن بزرگواران در ابتدا علمای شیعه و سپس علمای اهل سنت تحت تأثیر مستقیم و غیرمستقیم ائمه اطهار این راه را ادامه دادند.

۲- خلفای بنی امیه و بنی عباس و سلاطین عثمانی در اغلب ادوار تاریخ اسلام علیه حوزه‌های علمیه و علمای شیعه با شدت رفتار می‌کردند. علامه امینی در کتابی نام بیش از یکصد و ۳۰ نفر از علمای شیعه را که به اتهام تشیع به شهادت رسیدند، نقل کرده است.

۳- وجود حکومت‌های شیعی نظیر بنی حمدان در شام، آل بویه در ایران، فاطمیان در شمال آفریقا، زیدیه در یمن، سربداران در خراسان، بهمنیان در جنوب هند و ادارسه در شمال غرب آفریقا موجب حمایت و رونق حوزه‌های علمیه و آزادی عمل مروجین تشیع شد.

۴- علمای شیعه نیز قدردان حمایت‌های حکومت‌های شیعه و بر اهمیت آن واقف بودند. لذا در حد مقدور از آنها حمایت می‌کردند. رابطه نزدیک سیدمرتضی با صاحب بن عباد وزیر آل بویه، خواجه نصیرالدین طوسی عالم بزرگ امامیه با امیر اسماعیلی قهستان، علامه حلی با سلطان شیعی ایلخانی (غازان خان محمود یا محمد الجایتو)، تقدیم کتاب تألیفی شهید اول به سلطان سربداری سبزواری، ارتباط حکومتی محقق ثانی با شاه طهماسب و شیخ بهایی با شاه عباس صفوی، حمایت سیدمحمد مجاهد، ملااحمد نراقی و قریب یکصد و ۴۰ نفر از علما و مراجع از دولت فتحعلیشاه در برابر تهاجم کفار روس، فتوای جهاد آخوند خراسانی در دفاع از دولت مشروطه ایران در برابر تهاجم روس (در ۱۳۲۹ قمری) همگی نه معنای تأیید مطلق آن حکومت‌ها که برای حفظ چتر امنیتی بود که آن سلسله‌های شیعی برای مروجین مذهب شیعه گشوده بودند. در این حمایت و برقراری رابطه متقابل، با تمام وجود استقلال خود را حفظ می‌کردند. اقدامات مرحوم میرزای شیرازی در جریان تحریم تنباکو، نمونه‌گویی از این حفظ استقلال در عین نگه داشتن احترامات تشریفاتی و اقدامات حمایتی بود. پس از انعقاد قرارداد رژی، مرحوم میرزای اول نامه‌ای بسیار احترام‌آمیز خطاب به ناصرالدین شاه نوشت و او را منع کرد. ناصرالدین

شاه پاسخی نه چندان مؤدبانه داد. مرحوم میرزا نامه‌ای صریح‌تر نوشت. ناصرالدین شاه جوابی بی‌ادبانه داد؛ در نوبت سوم پس از ناامیدی از ناصرالدین شاه و در جهت مصالح مسلمین، فتوای معروف تحریم تنباکو را صادر کرد.

۵- گاهی که بین بعضی علما و حکومت شیعه اختلاف پیش می‌آمد، همان طور که بین سیدمحمدباقر شفتی، عالم بزرگ اصفهان و محمد شاه قاجار یک کدورت مزمن و آشکار وجود داشت ولی آنجا که موضوع جنگ هرات پیش آمد و محمدشاه در برابر انگلیس قرار گرفت، مرحوم شفتی در پاسخ به نامه تفرقه‌افکن مک نیل، وزیر مختار انگلیس از محمدشاه حمایت کرد.

۶- امروز در حالی جمهوری اسلامی ایران از عاصمه تشیع و پایگاه اهل بیت علیهم السلام پرچم عزت اسلام را برافراشته و در برابر مقتدرترین و خونخوارترین دشمنان اسلام مثل امریکا و اسرائیل و دنباله‌های غربی آنها از سویی و منافقین جهان اسلام از سوی دیگر ایستاده است که هیچ یک از دیگر ۵۷ دولت اسلامی و یا قریب ۱۲۰ کشور جهان سومی را یارای چنین ایستادگی و پایمردی نیست. از بعد از غیبت تاکنون هیچ حکومتی در طول تاریخ اسلام این چنین و با این وضوح و گستردگی امر اهل بیت علیهم السلام را احیا نکرده است. هیچ یک از مراکز علمی و حوزه‌های علمیه تاریخ اسلام اعم از اهل سنت و شیعه و حتی به شمول نظامیه‌ها و مستنصریه، بغداد و مدارس بخارا، الازهر، حوزه‌های متعدد نیشابور، اندلس، مغرب، شام و... به عظمت و قدرت تأثیرگذاری امروز حوزه علمیه قم نیست.

۷- به لحاظ سیاسی قدرت تأثیرگذاری ایران در صحنه جهانی در تاریخ ایران کم سابقه و از بعد از صفویه بی‌سابقه است و هر روز این قدرت

سیاسی با زیرساخت‌های معنوی و هدفگذاری اسلامی و جهت‌گیری‌های اهل بیتی بیشتر می‌شود و متقابلاً صفوف دشمنان ایران متراکم‌تر می‌گردد. نگاه کنید به ترکیب و موضع‌گیری‌های ۱۰۵، هشت کشور صنعتی، اتحادیه اروپا، سازمان نظامی ناتو، شورای امنیت سازمان ملل که چگونه کمر به مقابله کشوری بسته‌اند که از جمله تعیین‌کننده‌ترین کشورها در تحولات بین‌المللی است و در صبح و شام بر بام سرای این کشور صدای الله اکبر، اشهدان لا اله الا الله و اشهدان محمد رسول الله و اشهدان علیاً ولی الله بلند است. در چنین شرایطی هر نوع کارشکنی علیه نظام، دانسته یا ندانسته آب به آسیاب دشمنان اسلام، تشیع و ایران ریختن است.

۸- سفر اخیر مقام معظم رهبری به قم نشان داد که بعد از گذشت ۳۲ سال از انقلاب، همچنان مثل روز اول انقلاب، پیوند بین نظام، مردم و روحانیت مستحکم و خلل‌ناپذیر است.

۹- شخصیت جامع‌الاطراف معظم‌له و هدایت و تدابیر حکیمانه ایشان در طی ۲۱ سالی که از رهبری ایشان می‌گذرد، از مردم ایران صفوف مترakمی چون زبرجدید ساخته و این نظام را قادر ساخته است که از عقیه‌های خطیری به سلامت بگذرد. در عین حال سرعت شتابنده و جهت‌گیری درست خود را در ساختن کشور و توسعه نفوذ ایران در منطقه، جهان اسلام و صحنه بین‌المللی حفظ کند.

۱۰- و این همه از برکات نشأت گرفته از سیر تکاملی حوزه‌های علمیه شیعه است که شخصیت‌های برجسته و تعیین‌کننده‌ای چون حضرت امام خمینی قدس سره و مقام معظم رهبری (حفظه الله تعالی) را در دامن خود پرورده است.

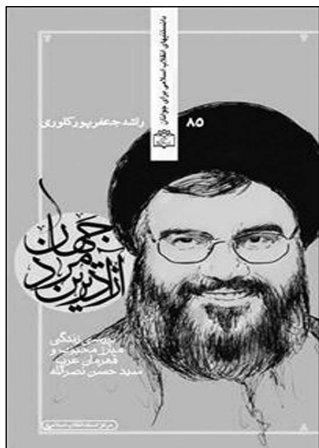
معرفی کتب مرکز اسناد انقلاب اسلامی

بودند، بی‌گمان نه این انقلاب چنین فراگیر و تزلزل‌ناپذیر می‌شد و نه امید چندانی به رستگاری و آینده آن بود...

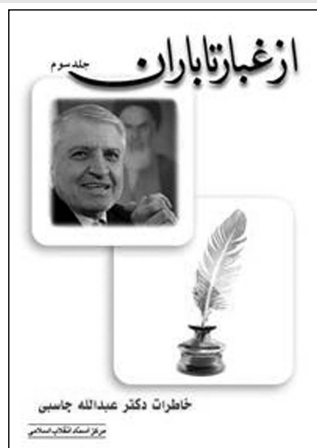
آن زن که در طوفان می‌دوید:

این اثر سخن از روح بزرگی است که در کالبدی کوچک جای گرفته است که شهادت همسرش در گرماگرم انقلاب، شهادت پسرش در جنگ تحمیلی و هجوم بی‌حساب درد و داغ‌ها نه تنها ذره‌ای از استواریش نکاست، بلکه از او دژی مستحکم ساخت که یأس و نومیدی هرگز در آن راه نیافت.

آزادترین مرد جهان:



این اثر از مجموعه دانستنی‌های انقلاب برای جوانان می‌باشد که زندگی و مبارزات سید حسن نصرالله را ترسیم می‌نماید.



اعتقاد و ایمان اسلامی از مایه‌های اصلی قوت و توان و استقامت و وحدت این نهضت انقلابی بود. اما اگر رهبری و هدایت این نهضت را سیاستمداران سست ایمان یا بی‌ایمان بر عهده گرفته



و شکست نهایی تلاش‌های متعدد ابرقدرت را در این ماجرا روایت کند. منافقین خلق:



هنوز افرادی معتقدند اگر در سال ۵۸ به رجوی مسئولیتی در حد شهردار تهران داده می‌شد، او مجبور به رویارویی با نظام نمی‌شد و با توجه به قدرت طلبی و روحیه فرعونی او، مشارکت دادنش در امور اجرایی نظام نوپای جمهوری اسلامی، او را ارضا می‌کرد و انرژی‌ای که بعدها در فعالیت‌های رادیکال سازمان تخریه شد، همین جا رها می‌گردید. غافل از این که...

از غبار تا باران (جلد سوم):

انقلاب اسلامی یک انقلاب تمام عیار علیه حکومت فاسد و ستمگر پهلوی بود. تردید نباید کرد که نیروی

عصر حاکمیت ارزش‌های سلطنتی چگونه به تبلیغ و انتشار آموزه‌های اسلامی پرداختند؟

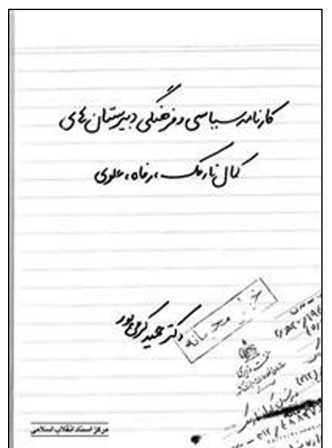
گروگان‌گیری ایرانی:



گروگان‌گیری ایرانی یادداشت‌های روزانه راکی سیکمن، یکی از گروگان‌های آمریکایی است که در ماجرای تسخیر لانه جاسوسی به گروگان گرفته شده و یادداشت‌های خود را از روز ۹۲ تا ۴۴۴ به صورت روزانه به رشته تحریر درآورده است.

از آنجا که این اثر در همان روزهای وقوع حوادث نوشته شده است، می‌تواند گوشه‌ای از تاریخ اولین سال پیروزی انقلاب اسلامی محسوب شود و نحوه تعامل نظام نوپای جمهوری اسلامی ایران را با یک ابرقدرت مغرور

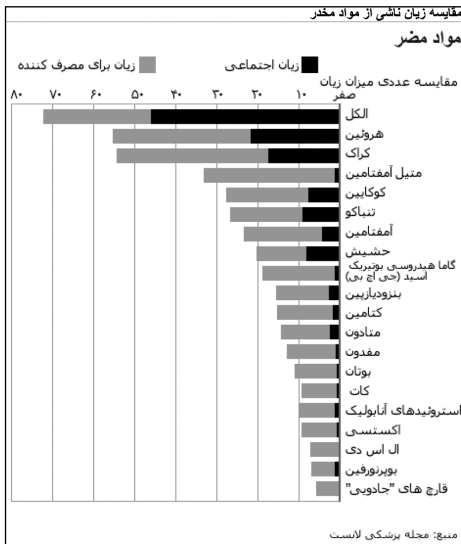
کارنامه سیاسی و فرهنگی دبیرستان‌های کمال نارمک، رفاه و علوی:



اولین مدارس اسلامی به شیوه نوین بعد از شهریور ۱۳۲۰ توسط بزرگانی چون آیت الله شیخ عباسعلی اسلامی و آیت الله فومنی دایر گردید. علاوه بر جامعه تعلیمات اسلامی، مدارس اسلامی دیگری در دوره پهلوی با وجود مشکلات بسیار دایر شد که هر یک عملکرد و تأثیر خاصی در روند تحولات سیاسی - اجتماعی داشته‌اند. این تحقیق در پی آن است تا نشان دهد که در دوره پهلوی دوم، اکثریت مدارس غیردولتی یا ملی، در اختیار نیروهای دینی قرار داشت. همچنین روشن می‌کند که مدرسی مانند کمال نارمک، رفاه و علوی چگونه تأسیس گردیدند و در

هشدار کمیته علمی مستقل داروهای بریتانیا

الکل از هرویین بدتر است



الکل با ۷۲ امتیاز منفی خطرناک‌ترین ماده برای سلامتی انسان‌هاست و پس از آن با یک فاصله معنادار هرویین با ۵۵ امتیاز منفی قرار گرفته است. در این رده‌بندی کوکائین با ۳۳ امتیاز منفی ...

- شنیدن نام موادمخدر برای خیلی‌ها چنان حس بدی را به همراه دارد که حتی از پیگیری اخبار آنها هم اکراه دارند. درست به همین دلیل اغلب ما اطلاعات ناقص و گاه اشتباهی را در مورد سوءمصرف مواد و حواشی آنها داریم، باوجود این گاهی حتی این اشتباه محاسباتی در مورد چیزهای نفرت‌انگیز به کارشناسان و متخصصان هم سرایت می‌کند...

به گزارش سلامت، کمیته علمی مستقل داروهای بریتانیا (ISCD) با اعلام نتایج آخرین بررسی‌های خود بار دیگر باورهای رایج در مورد انواع گوناگون موادمخدر را به چالش کشید. در نتایج این بررسی آمده که حتی محافل دانشگاهی هم سال‌هاست که در مورد میزان آسیب موادمخدر در مقایسه با سیگار و الکل دیدگاه‌های نادرستی را بیان کرده‌اند.

در بررسی‌های کمیته علمی مستقل داروهای بریتانیا، این حقیقت آشکار شده است که با در نظر گرفتن معیارهای جدید، مصرف الکل می‌تواند برای فرد و اطرافیان‌اش حتی از مصرف هرویین و کراک نیز خطرناک‌تر باشد. در ماه‌های اخیر کمیته علمی مستقل داروهای بریتانیا با همکاری مرکز پایش سوءمصرف مواد اتحادیه اروپا (EMCDDA) ضوابط تازه‌ای را به معیارهای سنجش میزان خطر مصرف موادمخدر افزودند و پس از آن به نتایجی دست یافتند که چندان با باورهای رایج همخوانی نداشت.

نتایج مطالعات جدید

براساس مطالعات جدیدی که نتایج آن در نشریه معتبر لانست به چاپ رسیده است، الکل خطرناک‌ترین ماده مصرفی است و پس از آن هرویین و کراک در رتبه‌های دوم و سوم طبقه‌بندی شده‌اند. در این بررسی‌ها قرص‌های اکستازی در مقام هشتم مواد خطرناک جای گرفته‌اند. پروفیسور دیوید نات، مدیر کمیته علمی مستقل داروهای بریتانیا پس از چاپ مقاله خبرساز این مرکز در مجله لانست هفته گذشته در یک نشست خبری گفت: «ما تا امروز از میزان خطری که الکل سلامت جامعه‌مان را تهدید می‌کند به اندازه کافی آگاهی نداشتیم، بنابراین کاهش آسیب‌های ناشی از مصرف الکل باید به راهبردی اساسی و ضروری در سیستم‌های بهداشتی ما تبدیل شود.» دکتر نات معتقد است که سیستم‌های طبقه‌بندی رایج برای تعیین میزان خطر موادمخدر گوناگون

هشدار جدی به خانواده‌ها:

«چشمی در» خانه‌ها را پیوشانید!

در حالی که مسوولان ناظر بر فعالیت‌های اینترنتی، توجه عمده خود را معطوف بر سایت‌های خبری کرده‌اند، برخی فروشگاه‌های اینترنتی، با عرضه محصولات جدیدی که عمدتاً هم چینی هستند، امنیت خانواده‌ها را به طور جدی نشانه رفته‌اند.

به گزارش عصرایران، اخیراً برخی فروشگاه‌ها، دوربین کوچکی به نام "دوربین برعکس کننده چشمی در" ارائه کرده‌اند که با آن می‌توان داخل خانه‌های مردم را دید زد!

در تبلیغ این محصول آمده است: این دوربین را از طرف بیرون بر روی دوربین چشمی درب نشانه بروید می‌توانید محیط پشت درب را به راحتی و با شفافیت بالا ببینید.

این فروشگاه‌ها برای این که کار غیر اخلاقی خود در عرضه این دوربین را توجیه کنند در ادامه تبلیغ‌شان می‌نویسند: "با این ابزار شما می‌توانید قبل از ورود به منزل خود داخل منزل را بدون اینکه کسی متوجه حضور شما شود مخفیانه و به راحتی مشاهده کرده و از اتفاقات با خبر شوید تا بتوانید سورپرایزهای خوبی برای اهل خانواده خود بوجود آورید. این وسیله بهترین ابزار شوخی و در اعیاد و جشن‌های بزرگ برای خود و اطرافیان خود بهترین سوژه خنده می‌باشد.

مخصوص مدیران شرکت و مسئولینی که بطور مستقیم با کارمندان در ارتباط می‌باشند می‌توانند قبل از ورود به محل کار اوضاع دفتر کار خود را چک کرده و سپس وارد دفتر کار شوند." (!) با توجه به این که بسیاری از خانه‌ها، به ویژه آپارتمان‌ها دارای "چشمی در" هستند که برای دیدن بیرون خانه به کار می‌آید، عرضه این محصول می‌تواند زمینه ساز بسیاری از سوء استفاده‌های غیر اخلاقی باشد و به این ترتیب مردم در درون خانه‌هایشان هم از گزند افراد بی اخلاق، مصون نخواهند ماند.

جا دارد مسوولان که این قدر برای امنیت اخلاقی جامعه تلاش می‌کنند و گشت امنیت اخلاقی در خیابان‌ها به راه می‌اندازند، گشتی هم در فضای این قبیل فروشگاه‌های افراد سود جو و بی اخلاق داشته باشند و بساط این قبیل مسائل را برچینند، زیرا این گونه که پیش می‌رود، از این پس مردم درون خانه‌های خودشان هم امنیت نخواهند داشت.

همچنین به شهروندان نیز پیشنهاد می‌شود، چشمی در ورودی خانه‌هایشان را از داخل پیوشانند و هر گاه نیاز بود، حفاظ آن را کنار بزنند.

به هزار تأسف باید گفت که اخلاق در جامعه ما به سرعتی هر چه تمام در حال سقوط است؛ از انتشار فیلم‌های خصوصی افراد و گسترش آن در سایت‌ها و موبایل‌ها گرفته تا دوربین‌هایی که قرار است به شهروندان عزیز امکان بدهد خانه‌های همدیگر را دید بزنند! واقعاً به کجا داریم می‌رویم؟!

تغییر «سبک زندگی» به جای تبلیغ سیاسی

می‌شود. دولت بریتانیا پیش از این نیز با راه‌اندازی شبکه تلویزیونی بی‌بی‌سی فارسی، باب تازه‌ای را در عرصه جنگ نرم گشوده بود. بی‌بی‌سی در طول حوادث تلخ و فتنه سال ۸۸ تمام امکانات خود برای شعله و رنگ داشتن آتش و التهاب استفاده کرد. حال با شکست قطعی جبهه سیاسی گشوده شده از سوی رسانه‌های غربی بخصوص بی‌بی‌سی در طول یک سال و نیم گذشته، حالا این شبکه جدید (من و تو) نشان از تغییر تاکتیک اعمال شده در این جنگ رسانه‌ای دارد. این بار سیاست به حاشیه رانده شده و به جای آن با تمام قوا و با استفاده از تمام شیوه‌های فریبنده رسانه‌ای به تبلیغ سبک زندگی (لایف استایل) غربی پرداخته می‌شود.

به نظر می‌رسد طراحان جنگ نرم پس از عقب نشینی سال ۸۸ این بار اهداف بلند مدتی را در جهت تاثیر گذاری بر ذهن جوان و خانواده‌های ایرانی آغاز کرده‌اند. اهدافی که در یک کلام در القای سبک زندگی غربی خلاصه می‌شود. برنامه‌هایی که در چارت رسمی بی‌بی‌سی نمی‌گنجد حالا در این همزاد شوخ و شنگ، برای مخاطب ایرانی به نمایش گذاشته می‌شود.

هر چند گفته می‌شود این شبکه با حمایت مالی یک خواننده زن لس‌آنجلسی و دوستانش اداره می‌شود، ولی مروری بر چشش برنامه‌ها و نحوه اداره شبکه، روایت از اهدافی فراتر از ذهن یک خواننده و یا آموزش رقص و آواز دارد. و این شبکه که دو میدان متفاوت اهداف خویش را پیگیری می‌کند. هدف نخست را باید در لایه بیرونی شبکه یعنی برنامه‌های سرگرم‌کننده‌ای چون آشپزی، طنز و حتی رقص جست که سطحی‌ترین مخاطبان را جذب می‌کند.

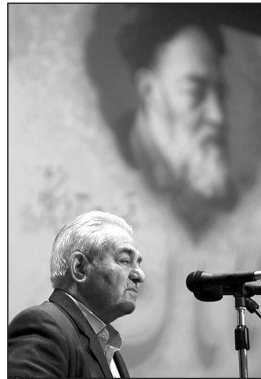
برای تنوع و تکمیل این برنامه‌ها، مستندهای علمی و برنامه‌های ورزشی افزوده شده‌اند و سپس برای اثر گذاری و همچنین اقناع مخاطب خاص، برنامه‌هایی چون اتاق خبر و... تدارک دیده شده‌اند. بدین ترتیب، یک شبکه تلویزیونی راه مرموزی را برای تحت تاثیر قرار دادن مخاطب ایرانی انتخاب کرده است.

سویه دیگر این برنامه، بهره‌گیری از پتانسیل برخی چهره‌های مشهور نظیر خوانندگان لس‌آنجلسی و همچنین تامین امکاناتی برای ارتباط آسان مخاطب با شبکه تلویزیونی، استفاده از مجریان جوان و خوش سیمما و... برای تاثیر گذاری هر چه بیشتر و جذب مخاطبان افزون‌تر است. در تلاشی دیگر همچنین گردانندگان این شبکه با تمرکز ویژه بر زندگی ایرانیان خارج از کشور و تلاش برای معرفی زندگی آنان به عنوان یک سبک زندگی موفق،

می‌کوشند حلقه برنامه ریزی موزیانه خود را کامل کنند. مجموع این داده‌ها، نخست نشان می‌دهد که جریان مقابل که بیرون از مرزهای ایران نشسته است و در حال برنامه‌ریزی است، به طور متناوب در حال تغییر تاکتیک، به روز کردن روش‌ها و همچنین گسترش میدان بازی است. این آمادگی مستمر، می‌تواند به پیام روشن برای آمادگی بیشتر و متقابل در داخل کشور داشته باشد.

نکته دوم به توجه ویژه سیاست‌گذاران چنین شبکه‌هایی برای بهره‌گیری از حوزه‌های مورد توجه و علائق مخاطب ایرانی به ویژه در حوزه سرگرمی، مستند، ورزش، حادثه و... دارد. چنین حوزه‌هایی با توجه به غنای و گستردگی سوژه، عرصه‌هایی نیستند که دست برنامه‌ریزان داخلی را بسته باشند و یا فرصت و امکانی برای بروز خلاقیت‌های رسانه‌ای وجود نداشته باشد. سومین نکته به ادامه جنگ نرم و افزایش کانال‌ها و وسیع تر شدن میدان بازی باز می‌گردد. همچنانکه خبر رسیده است این کارتل نوپدید بر آن است که شبکه‌ای تازه راه‌اندازی کند. به روایت روشن‌تر، صرف مواجهه در حد یادداشت، مصاحبه و افشاشگری رسانه‌ای درباره این شبکه‌ها و اهداف آن و یا بایکوت خبری چنین فعالیت‌هایی نمی‌تواند کارگشا باشد.

در گذشت مهندس عبدالباقی طباطبایی فرزند علامه طباطبایی



هرگاه می فهمید علامه در سختی است یا گرفته و دلنگ، می آمد خانه به آن هاسر می زد و گاهی اتفاق های عجیبی می افتاد. آن روز موقع خداحافظی آقای قاضی به همسر علامه گفت: دختر

عمو، این فرزندت می ماند. اسمش را بگذارید عبدالباقی. همسر علامه دست و پایش را گم کرد؛ علامه هم همین طور، چون او اصلاً نمی دانست همسرش باردار است. چند ماه بعد بچه به دنیا آمد؛ پسر بود.

اسمش را گذاشتند عبدالباقی. سال های متمادی از آن ماجرا گذشت و عبدالباقی با چشمانی سبز به مانند علامه، پا به سن گذاشت... سرانجام روز چهارشنبه هفدهم ذی الحجه ۱۴۳۱ مصادف با سوم آذرماه ۱۳۸۹ به دیار باقی شتافت.

بعثت: درگذشت فرزند ارشد آیت الحق حضرت علامه طباطبایی رحمه الله علیه، جناب مهندس عبدالباقی طباطبایی را به خانواده محترم ایشان (همسر گرامی و فرزندان ارجمند) و همه ارادتمندان و دوستان علامه بزرگوار تسلیت می گوید.

محمدعلی، پسرشان، مریض شد... از وقتی آمده بودند نجف، چندبار مریض شده بود. آب و هوای نجف به او نمی ساخت. بچه را نزد چند پزشک بردند، اما افاقه نکرد. علامه طباطبایی گفت: "می رویم بغداد. شاید آن جا بتوانند معالجه اش کنند." اما در بغداد هم کسی نتوانست کاری بکند و بچه از دست رفت. همسر علامه گریه می کرد و می گفت: "باد سام بچه ام را زد."

علامه تا چند روز سر درس و کتابش نرفت... مسئله دیگر که وی را ناراحت می کرد این بود که نمی توانست "خط" کار کند. آن قدر درس ها زیاد بودند و سخت که وقتی برای این یکی نمی ماند. آیت الله سید محمدحسن (برادر علامه) پیشنهاد کرد قبل از نماز صبح بلند شوند و خط بنویسند. بلند می شد.

علامه برادرش را بیدار می کرد و بعد از خط نوشتن و خواندن نماز صبح، صبحانه می خوردند. اما علامه فکر می کرد قمرالسادات این جا حوصله اش سر می رود، دلش می گیرد. از صبح تا شب او بیرون است یا اگر توی خانه است، دارد می خواند و می نویسد؛ کاش بچه داشتند.

بعد از محمدعلی (فرزند اول علامه که در کودکی فوت کرد) چندبار بچه دار شدند. اما آن ها نیز همان ماه های اول مریض شده و از دست رفتند. روزی مرحوم استادش، میرزا علی آقا قاضی، همان که فامیلشان بود، منزلشان آمده بود.

بررسی مطالعات قرآنی امام موسی صدر

روش تفسیری امام موسی صدر، اجتهادی و عقلی است

دانشکده الهیات و معارف اسلامی دانشگاه تهران، دیگر سخنران این نشست بود که با تاکید بر مبانی تفسیری مفسر و لزوم شناخت این مبانی برای آگاهی از روش تفسیری اظهار کرد: امام موسی صدر با تکیه بر روش اجتهادی و عقلی بسیاری از مسائل مهم در تفسیر قرآن از جمله توقیفی یا اجتهادی بودن ترتیب سوره ها و آیات را نیز توضیح داده است.

وی خاطر نشان کرد: امام موسی صدر در تفسیر خود بر این باور است که ترتیب آیات و سوره های قرآن کریم توقیفی است و انتظام فعلی سوره ها و آیات به همان صورتی است که پیامبر اکرم (ص) دستور داده اند. این استاد دانشگاه توضیح داد: امام موسی صدر

دلیل جاودانگی اسلام و قرآن کریم را توقیفی بودن لفظ، معنا، ترتیب سوره ها و ترتیب آیات در کلام الله مجید می داند؛ به عقیده امام موسی صدر، از آنجایی که قرآن کلام الهی است و بشر قادر به بیان چنین جملاتی نیست، پس باید چنین کلامی برخلاف پیام بشری، برای همگان قابل درک باشد و چنین نتیجه می گیرد که تفسیر قرآن همچنان رو به تکامل بوده و با شناخت بیشتر بشر از جهان پیرامون، قرآن قابل فهم تر می شود.

تفسیری پرداخت و تصریح کرد: مبانی، همان پیش فرض های مسلم مفسری است که قصد دارد وارد دنیای تفسیر کلام الهی شود؛ بنابراین در این مرحله این سوال مطرح می شود که از نظر مفسر، قرآن کریم چگونه کتابی است؟ چرا نازل شده و تحریف پذیر است یا نه؟ وی اضافه کرد: هر مفسری در گام اول باید مبانی روشنی پیش روی خویش داشته باشد. گاهی مفسران مبانی خود را به صراحت می گویند؛ ولی گاه ممکن است مفسر این مبانی را به صراحت اعلام نکند و خواننده باید از لابه لای سخنان و یا بر حسب فیش برداری از تفسیر به مبانی تفسیری وی پی ببرد؛ بنابراین مهم ترین موضوع در تفسیر، آشنایی با مبانی تفسیری مفسران است.

این استاد دانشگاه، در ادامه، مبانی تفسیری امام موسی صدر را نام برد و عنوان کرد: امام موسی صدر معتقد بود که قرآن، وحی الهی است، وی همچنین به اعجاز قرآن کریم، سلامت کلام الله مجید از تحریف و نیز قابل درک بودن قرآن برای مردم اعتقاد داشت و برای اثبات این موضوع، از آیات قرآن کریم و روایات ائمه اطهار (ع) بهره برده است.

"محمدرضا شاهرودی"، عضو هیات علمی

دکتر محمد لکن هوزن:

همان چیزهایی که در دین مسیحیت خالی بود، در دین حضرت علی (ع) وجود دارد

و چیزی که من را در این دین ماندگار کرد بعد نظری آن بود. وی گفت: از نظر بعد نظری به گفته حضرت علی (ع) اسلام کاری به تحریف ندارد و یک توحید محض وجود دارد و آن چه در اسلام متمرکز است، توحید است.

لکن هوزن افزود: در نهج البلاغه آمده است مسلمانی کسی است که غیبت نمی کند، دروغ نمی گوید و تهمت نمی زند و هدف خود را در مقابل هدف دیگران قرار نمی دهد و من این گونه نیستم و نمی توانم ادعا کنم مسلمانم.

وی خاطر نشان کرد: آنچه از عرفان امیر المومنین (ع) متوجه شدم این است که عرفان تشکیل شده از معرفت، علم حضوری، علم حصولی، علم نظری و عملی است که انعکاسی از معرفتی است که در راه خداست و در وجود خودمان عرفان راهی است از ارتباط ظاهر به باطن.

وی ادامه داد: کسی که من را در رسیدن به دین اسلام یاری کرد یکی از شاگردان ایرانی من در دانشگاه تکراز جنوبی به نام شهید اکبر ملکی بود.

عضو هیات علمی موسسه آموزشی پژوهشی امام خمینی (ره) قم در ادامه درباره شخصیت حضرت علی (ع) اظهار کرد: حضرت علی (ع) علاقه عجیبی به پیامبر اکرم (ص) داشت و به نظر من اگر دینی قابل قبولی باشد، دین حضرت علی (ع) است. هر کسی بخواهد حضرت علی (ع) را قبول کند باید پیامبر (ص) را هم قبول کند و هر کس پیامبر (ص) را قبول داشته باشد باید خدا را هم قبول داشته باشد.

وی گفت: وقتی در مورد حضرت علی (ع) مطالعه می کنم متوجه می شوم که همان چیزهایی که در دین مسیحیت خالی بوده در دین حضرت علی (ع) وجود دارد

تو مپندار که مجنون سر خود مجنون گشت از سمک تا به سماکش کشش لیلا بود من به سرچشمه خورشید نه خود بردم راه ذره ای بودم و مهر تو مرا بالا برد همه دلباخته بودیم و هراسان، که غمت همه را پشت سرانداخت، مرا تنها برد

از اشعار علامه طباطبایی
مهندس عبدالباقی، نقل می کرد: "هفت، هشت روز مانده به رحلت علامه، ایشان هیچ جوابی به هیچ کس نمی داد و سخن نمی گفت، فقط زیر لب زمزمه می کرد: "لا اله الا الله!"

حالات مرحوم علامه در اواخر عمر، دگرگون شده و مراقبه ایشان شدید شده بود و کمتر تنازل می کردند، و مانند استاد خود، مرحوم آیه الله قاضی این بیت حافظ را می خواندند و مدتی می گریستند:

"کاروان رفت و تو در خواب و بیابان در پیش کی روی؟ ره ز که پرسی؟ چه کنی؟ چون باشی؟!"
همان روزهای آخر، کسی از ایشان پرسید: "در چه مقامی هستید؟"

فرموده بودند: "مقام تکلم".
سائل ادامه داده بود: "با چه کسی؟"
فرموده بودند: "با حق".

اما تولد مهندس عبدالباقی طباطبایی:
چندین ماه از اقامت علامه در نجف می گذشت.

شرکت کنندگان در نشست "بررسی مطالعات قرآنی امام موسی صدر" اعلام کردند که مطالعه تفسیر این اندیشمند شیعی از چند سوره قرآن که به دست مارسیده است، نشان می دهد که امام موسی صدر بدون شک از روش عقلی و اجتهادی برای تفسیر آیات کلام الله مجید بهره برده است. به گزارش ایکننا "مجید معارف"، عضو هیات علمی دانشکده الهیات و معارف اسلامی دانشگاه تهران، طی سخنانی در نشست "بررسی مطالعات قرآنی امام موسی صدر" که در خبرگزاری ایکننا برگزار شد، با بیان این مطلب گفت: اولین مسئله برای بررسی تفسیر یک مفسر، درک مکتب تفسیری وی است؛ در همین زمینه با مطالعه کتاب هایی درباره تفاسیر قرآنی امام موسی صدر، می توانم بگویم که مکتب تفسیری امام موسی صدر را چهار عنصر مهم تشکیل می دهد.

وی افزود: مبانی تفسیری مفسر، اصول یا منابع تفسیری وی، گرایش تفسیری مفسر و روش تفسیری مفسر؛ چهار عنصری است که اگر بر اساس آنها، اندیشه ها و آثار مفسران را تدوین کنیم، می توانیم مکتب تفسیری وی را تشخیص دهیم.

مجید معارف در ادامه سخنانش به تشریح مبانی

چادر سر متهمان نکنید!

تهران امروز نوشت: یکی از کژسلیقگی های رفتاری در کشور ما چادر بر سر متهمان کردن در محاکم و به تصویر کشیدن آن است. جنایتی مانند حادثه مشهور تهران رخ می دهد و سخن از زنی می شود که ظاهراً نقشی در مجادله قاتل و مقتول داشته است و همه منتظرند او را ببینند و ناگهان در روز محاکمه زنی چادر بر سر در دادگاه حاضر می شود.

نتیجه این رفتار وهن حجاب برتر در افکار و اذهان عمومی است و هیچ توجیحی نیز برای آن وجود ندارد. چرا باید برخی زنان که به اتهامات سنگینی مانند زنا، خیانت، قتل و... در روند محاکمه قرار دارند با چادر و با هیاتی متفاوت از آنچه در جامعه بودند در محاکم حضور یابند و دوربین های عکاسی و تصویربرداری از آنان تصویر بردارند و برای جامعه منتشر سازند و وجهه این پوشش سنتی و دینی که فراگیری زیادی در جامعه دارد نیز خدشه دار شود.

درست این است که اتفاقاً هرکس با همان پوششی که در جامعه حضور داشته و مرتکب جرم شده در دادگاه حاضر شود و در معرض دید و داوری افکار عموم ی قرار گیرد. به نظر می رسد در این صورت و با بیان واقعیات بهتر می توان برخی ارزشها مانند حجاب را تبلیغ کرد و با کژسلیقگی موجبات وهن سنت های پوششی را فراهم نسازیم. زمانی صدا و سیما در معرض این نقد جدی بود که نباید با سهل انگاری موجب وهن حجاب برتر شود و این مشکل تا حدود زیادی رفع شد اما هنوز در محاکم قضایی این روند اصلاح نشده است و ضروری است در اسرع وقت برای آن چاره اندیشیده شود.

مجموعه سایت های مرکز:

سایت مرکز بررسی های اسلامی
www.iscq.ir

سایت استاد خسرو شاهی
www.khosroshahi.org

سایت سید جمال الدین اسدآبادی:
www.moslehesargh.com

سایت تحلیلی - خبری بعثت
www.besatonline.com

بعثت

نشریه مرکز بررسی های اسلامی
دو هفته نامه سیاسی، اجتماعی، فرهنگی

صاحب امتیاز و مدیر مسوول:

سید هادی خسرو شاهی
سر دبیر:

سید محمود خسرو شاهی

دفتر مرکزی:

قم: خیابان شهدا (صفائییه) نیش ممتاز

تلفکس: ۷۷۴۱۴۲۳

صندوق پستی: ۱۳۶

چاپ: مینایی

پست الکترونیک:

Besatonline@gmail.com